

فراخوان ارسال آثار

فصلنامه‌ی آموزشی تحلیلی پژوهشی «چوانه»، از کلیه‌ی صاحب‌نظران، نویسندگان، مترجمان و پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی و اندیشمندان علاقه‌مند به مباحث تولید کتاب‌های آموزشی دعوت می‌کند، نوشته‌های خود را در زمینه‌های موضوعی زیر، برای دبیرخانه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی ارسال دارند:

۱. مطالعات تطبیقی (تجربیات سایر کشورها در تولید کتاب‌های آموزشی)
۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید کتاب‌های آموزشی
۳. تبیین ویژگی‌ها، استانداردها و اصول زیباشناسی کتاب‌های آموزشی
۴. معرفی توصیفی کتاب‌های آموزشی مناسب و برتر
۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتاب‌های آموزشی داخل و خارج از کشور
۶. آسیب‌شناسی تولید کتاب‌های آموزشی مناسب
۷. نیازسنجی آموزشی و مخاطب‌شناسی
۸. ارائه‌ی یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تجربه در زمینه‌ی فرایند تولید کتاب‌های آموزشی مناسب
۹. معرفی طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و مؤسسه‌های انتشاراتی موفق
۱۰. تبیین روش‌های نوین خودیادگیری و خودارزش‌یابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید کتاب‌های آموزشی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه‌ریزی، تولید و ارزش‌یابی کتاب‌های آموزشی
۱۳. دورنما و چشم‌اندازهای آینده‌ی تولید کتاب‌های آموزشی
۱۴. تبیین اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر تولید کتاب‌های آموزشی مناسب
۱۵. مباحث تحلیلی و کاربردی مربوط به کتاب، کتابخانه‌های آموزشگاهی و کتاب‌خوانی دانش‌آموزان
۱۶. ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی



دفتر انتشارات کمک آموزشی

رشد ۲۹

فصلنامه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: خسرو داودی

اعضای هیئت تحریریه: جمال‌الدین اکرمی،

خسرو داودی، محمود سالک، محمود معافی

داوود نجف زاده، علاء نوری

مدیر داخلی: محمد حسین معتمدرداد

ویراستار: بهروز راستانی

عکاس: رضا بهرامی، طیبه رحیمی، اعظم لاریجانی

طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک‌نژاد

سال انتشار: زمستان ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

نشانی: تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی

پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۰۶۰۷۱ دورنما: ۰۱۴۷۸-۸۸۳

آدرس اینترنتی: www.roshdmag.ir

پست الکترونیکی: samanketab@roshdmag.ir

راهنمای تهیه‌ی آثار

نشریه‌ی آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «**رشد جوانه**» با هدف اطلاع‌رسانی، اشاعه‌ی یافته‌های علمی و ایده‌های نو و تبادل نظر و تجربه بین صاحب‌نظران در زمینه‌ی مباحث مربوط به فرایند تولید کتاب‌های آموزشی مناسب منتشر می‌شود تا از این طریق، پدیدآورندگان در راستای تحقق هدف‌های آموزش و پرورش، به صورت مستمر و پویا بر غنای دانش تجربه‌ی حرفه‌ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه‌ی ظرفیت‌های موجود، کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی را ارتقاء بخشند.

راهنمای تهیه‌ی آثار

- از استادان، صاحب‌نظران و اندیشمندان محترم عرصه‌ی کتاب‌های آموزشی که به منظور همراهی با این فصل‌نامه، نوشته‌های خود را برای انتشار در «**رشد جوانه**» ارسال می‌دارند، تقاضا می‌شود، در حد امکان نکات زیر را رعایت فرمایند:
- حجم مطالب از ۸ صفحه‌ی تایپ شده و ۱۳ صفحه‌ی دست‌نوشته تجاوز نکند.
 - نوشته حاوی مقدمه‌ای کوتاه، سابقه‌ی موضوع، نتیجه و جمع‌بندی موضوع باشد.
 - نسخه‌ی اصلی نوشته ارسال شود.
 - نوشته‌ی ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنانچه نوشته را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
 - نوشته در مجله یا نشریه‌ی دیگری به چاپ نرسیده باشد.
 - محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها، در متن مشخص شود.
 - «**رشد جوانه**» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد است و از بازگرداندن آن‌ها نیز معذور است.
 - آرای مندرج در «**رشد جوانه**» ضرورتاً مبین رأی و نظر «**دبیرخانه‌ی سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی**» نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.
 - اطلاعات منابع مورد استفاده برای تدوین اثر، به ترتیب زیر تنظیم شود:
 - نام نویسنده، نام اثر، نام مترجم، (اگر ترجمه باشد). نام مجله یا نشریه، شماره‌ی مجله، سال نشر، شماره‌ی صفحه.
 - نوشته را به ضمیمه‌ی نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه‌ی علمی یا سمت، نشانی محل کار یا سکونت و شماره‌ی تلفن، به نشانی زیر ارسال فرمایید:

تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی

پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، فصل‌نامه‌ی «**رشد جوانه**»

فهرست

• یادداشت سردبیر

۴ نیم نگاهی به طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی

• ویژه‌ی نمایشگاه کتاب

۶ چرخه‌ی شفاف‌تر قضاوت عادلانه‌تر
سمانه آزاد / یاسمن محمودی

۸ مسائل کتاب را حل کنیم، نه پاک
(گفت و گو با محمود سالک، مدیر نشر کلام)

۱۴ قیمت پایین، تخفیف بالا
(گفت و گو با عبدالعظیم فریدون، مدیرعامل انتشارات محراب قلم)

۲۰ دست در دست هم دهیم به مهر
(گفت و گو با احمد برادری، معاون فرهنگی انتشارات مدرسه)

۲۶ یاران مهربان آیند همی
(گفت‌وگو با مسعود سریع‌القلم، معاون فرهنگی نشر شهر)

۳۲ همه چیز درباره‌ی منادی تربیت
(گفت‌وگو با یوسف یعقوبی‌فر، مدیرعامل مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت)

۳۸ کتاب‌های کمک‌درسی «حمایتی» نیستند
(گفت‌وگو با جواد محقق، مسئول شورای خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

۴۶ کودکان پیش‌دبستانی و گونه‌های کتاب آموزشی (بخش ۱)
جمال‌الدین اکرمی

۵۸ مناسب ولی نه برای کودکان (نگاهی به قصه‌ای به شیرینی عسل)
بهروز رضایی کهرئز

۶۶ زیباست این کتاب! (گوشه‌هایی از تلاش برای تصویرگری و مجموعه‌ی خواندنی‌های علمی)
حسین نوری

۷۶ گفت‌وگو با هادی و سعید غریبی، مؤلفان برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد
سمانه آزاد

۸۲ گفت‌وگو با احمد تهوری، کارشناس و مدیر روابط عمومی انتشارات ققنوس
«ناشر برگزیده جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد»
فاطمه خرقانیان

۸۸ نقش معلمین در گسترش جایگاه کتاب‌های آموزشی
جمال‌الدین اکرمی

۱۰۸ معرفی کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه‌ی درسی
محمد حسین معتمدزاد





نیم نگاهی به طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی

هر سال به خصوص در ایام هفته‌ی کتاب و کتاب‌خوانی، در مدارس و مؤسسات آموزشی نمایشگاه کتاب برپا می‌شود. عناوینی مثل «۱۰ هزار نمایشگاه در ۱۰ هزار مدرسه» در این روزها زیاد به گوش می‌رسد. هم‌چنین چندین سال است که شهرداری تهران به همین مناسبت مبلغی را به مدارس شهر تهران برای خرید کتاب اهدا می‌کند و این اقدام شایسته در تجهیز کتاب‌خانه‌های مدارس نقش بسیار مؤثری داشته است.

اما آن‌چه در این زمینه حائز اهمیت است، جایگاه طرح سامان بخشی در برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با مدارس و مؤسسات آموزشی است. برای مثال، آیا «نشر منادی تربیت» که برگزارکننده‌ی نمایشگاه‌های کتاب در مدارس است، در فهرست کتب انتخابی خود، نیم‌نگاهی به حاصل عملکرد طرح سامان بخشی، از جمله آثار برگزیده‌ی جشنواره یا کتاب‌نامه دارد یا خیر؟ آیا کتاب‌ها را پس از وصول مجدداً بررسی و کارشناسی می‌کنند یا به کارشناسی طرح سامان بخشی اکتفا می‌شود؟ یا در برپایی نمایشگاه «باد یار مهربان» که شهرداری متولی آن است کمیته‌ای برای گزینش و انتخاب کتاب دارند یا به خروجی طرح سامان بخشی مراجعه می‌کنند؟

از این نوع سؤال‌ها را برای سایر موارد مشابه نیز می‌توان طرح کرد. برای مثال، اگر وزارت ارشاد به منظور حمایت از اثری، تعداد محدودی از آن را برای ارسال به کتابخانه‌های دولتی خریداری می‌کند، آیا در نظر دارد که از آثار برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد نیز چنین حمایتی را به عمل آورد؟ واقعاً طرح سامان بخشی در این موارد از چه جایگاه، منزلت و مرتبه‌ای برخوردار است؟ این سؤال ما را بر آن داشت تا ویژه‌نامه‌ی این شماره را به همین موضوع اختصاص دهیم و آن را با مسئولان و متولیان ذی‌ربط در میان بگذاریم. امید داریم که این تلاش در متوجه کردن اذهان به این موضوع مهم مؤثر واقع شود.

ویژه‌ی نمایشگاه کتاب ویژه‌ی نمایشگاه کتاب ویژه‌ی نمایشگاه کتاب

ویژه‌ی نمایشگاه کتاب

سمانه آزاد / یاسمن محمودی

شفاف‌تر چرخش‌های شفاف‌تر عادلانه‌تر قضاوت



اشاره

آبان‌ماه هر سال به بهانه‌ی «هفته‌ی کتاب»، کسانی که دستی بر بازار انتشار یا توزیع کتاب دارند، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش گرفته تا ناشران و حتی شهرداری، در برگزاری نمایشگاه‌های کتاب مشارکت می‌کنند تا بلکه سهم بیشتری در ارتقای فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در جامعه به دست آورند.

در این میان هر کس در حد توان خود، بار این قافله را پر از کتاب می‌کند و به حرکتش در می‌آورد. به گونه‌ای که حتی در مدارس کشور نیز شاهد برپایی این گونه نمایشگاه‌ها توسط برخی ناشران هستیم؛ نمایشگاه‌هایی که برگزاری‌شان ما را با سؤالات زیادی مواجه می‌کند. سؤالاتی از قبیل این‌که:

■ آیا به راستی برپایی این نمایشگاه‌ها بر میزان و کیفیت مطالعه‌ی دانش‌آموزان به صورت عمیق و ریشه‌ای تأثیر می‌گذارد؟ یا تنها درمانی سطحی و مقطعی برای «درد کتاب‌نخوانی» جامعه است؟

■ آیا قبل از برگزاری نمایشگاه‌ها، از جامعه‌ی دانش‌آموزی نیازسنجی می‌شود و نمایشگاه‌ها در

پی برطرف کردن نیاز آن‌ها برگزار می‌شوند؟

■ سهم نمایشگاه‌هایی از این دست در تجهیز کتابخانه‌های مدارس در چه حدی است؟ به معنای دقیق‌تر، کتاب‌های عرضه شده، به منظور تجهیز کتابخانه‌هاست و یا خرید شخصی دانش‌آموزان؟

■ مهم‌تر از همه، کتاب‌های کمک آموزشی و حتی کمک درسی در این نمایشگاه‌ها چه جایگاهی دارند؟

«مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت»، ناشر وابسته به «معاونت پرورشی و تربیت‌بدنی» آموزش و پرورش، یکی از نهادهایی است که می‌تواند حداقل به بخشی از این سؤالات پاسخ دهد، چرا که همه ساله در هفته‌ی کتاب، نمایشگاه‌های زیادی را در مدارس کشور برگزار می‌کند. چنان‌چه به گفته‌ی مدیرعامل این مؤسسه، منادی تربیت در سال گذشته، مجری «طرح سی‌هزار نمایشگاه در سی‌هزار مدرسه‌ی کشور» بوده است.

از سوی دیگر، شهرداری تهران نیز به منظور کمک به تجهیز کتابخانه‌های مدارس شهر تهران، در سال ۱۳۸۸ و در هفته‌ی کتاب، هفتمین دوره‌ی نمایشگاه «یاد یار مهربان» را با همکاری «نشر شهر» برگزار کرد. هم‌چنین، شورای خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای حوزه‌ی کتاب، به خرید بخشی از کتاب‌های موردنیاز مدارس دست می‌زند.

در همین رابطه گفت‌وگوهایی با برخی ناشران و متولیان برگزاری این نمایشگاه‌ها ترتیب داده‌ایم تا ضمن تبیین تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته‌اند، به بیان کاستی‌های آن‌ها پرداخته شود و این حرکت در مسیر تکامی خود بارورتر شود.

در این گفت‌وگوها سعی بر این بوده است که روند انتخاب و نیز کیفیت کتاب‌های عرضه شده در نمایشگاه‌ها، جایگاه معلمان و دبیران در تشویق و راهنمایی دانش‌آموزان در زمینه‌ی کتاب و مطالعه، و نیز جایگاه «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های کمک آموزشی» و جشنواره‌ی رشد در نظر برگزارکنندگان این نمایشگاه‌ها مورد بحث قرار گیرد. هم‌چنین تلاش شده است که تا حد امکان، موضوعات و جنبه‌های مختلف برپایی نمایشگاه‌های کتاب، با تمرکز بر نمایشگاه، کتاب انتشارات منادی تربیت در مدارس، روشن شود.

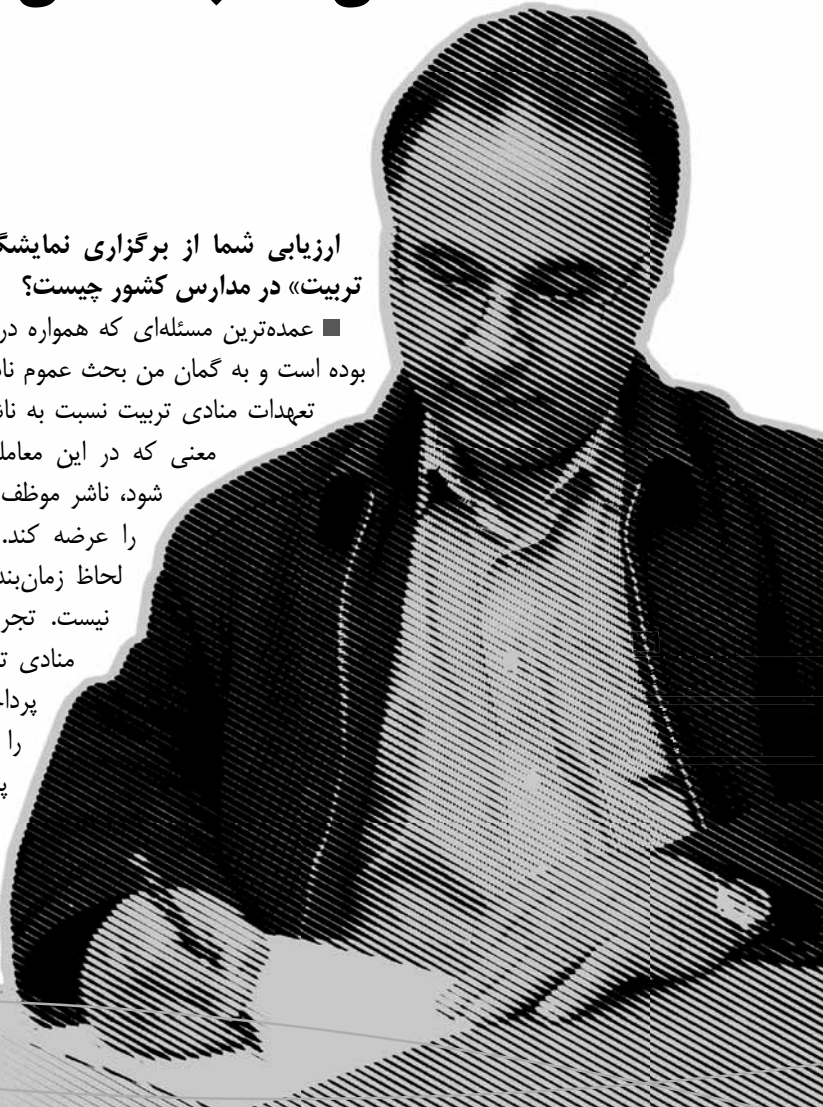
آن‌چه در پی می‌آید حاصل گفت‌وگوی ما با **محمود سالک**، مدیر «نشر کلام»، **احمد برادری**، معاون فرهنگی «انتشارات مدرسه»، **عبدالعظیم فریدون**، مدیرعامل «انتشارات محراب قلم»، **یوسف یعقوبی‌فر**، مدیرعامل مؤسسه‌ی منادی تربیت، **مسعود سریع‌القلم**، معاون فرهنگی نشر شهر، و **جواد محقق**، مسئول شورای خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

گفت‌وگو با محمود سالک، مدیر نشر کلام

مسائل کتاب را حل کنیم، نه پاک

ارزیابی شما از برگزاری نمایشگاه‌های کتاب توسط «منادی تربیت» در مدارس کشور چیست؟

■ عمده‌ترین مسئله‌ای که همواره در رابطه با این نمایشگاه‌ها مطرح بوده است و به گمان من بحث عموم ناشران نیز هست، مشخص نبودن تعهدات منادی تربیت نسبت به ناشر از نظر پرداخت است. به این معنی که در این معامله، بدون این که قراردادی بسته شود، ناشر موظف می‌شود براساس تخفیفی کتاب را عرضه کند. ولی تعهدات منادی تربیت به لحاظ زمان‌بندی و پرداخت مشخص و معین نیست. تجربه‌ی شخصی من در رابطه با منادی تربیت این است که آن قدر زمان پرداخت طولانی می‌شود که توجیهش را برایمان از دست می‌دهد؛ یعنی پولی که به دستمان می‌رسد، حتی هزینه‌ی کاغذ تجدید چاپ کتاب را تأمین نمی‌کند. توجیهشان هم همیشه این بوده است که



ابتدا باید استان‌ها مبالغ مربوط به کتاب‌ها را به سیستم واریز کنند تا منادی تربیت بتواند به تعهدات مالی‌اش عمل کند.

متأسفانه تفکر غالب این است که شرایط امروز جامعه و بحران اقتصادی باعث شده است، ناشر آن قدر درمانده شود که حاضر باشد کتاب را با هر شرایطی عرضه کند و همین قدر که انبارش را خالی کند، برایش کافی است. نحوه‌ی پرداخت هم هر قدر طولانی باشد، چندان مهم نیست. در حالی که در واقع قضیه غیر از این است. ناشری که حرفه‌ای عمل می‌کند، غیرممکن است بتواند در این نوع سیستم عمل کند و جواب بگیرد. به همین دلیل است که برخی ناشران خودشان را کنار می‌کشند و حتی نمونه کتاب هم ارسال نمی‌کنند. بنابراین باید ظرف زمانی مشخصی برای پرداخت تعهدات مالی در نظر گرفته شود تا در حق ناشر اجحاف نشود.

**باید ظرف
زمانی مشخصی برای
پرداخت تعهدات مالی در
نظر گرفته شود تا در حق
ناشر اجحاف نشود**

بحث دیگری که در مورد نمایشگاه منادی تربیت وجود دارد، نحوه‌ی سفارش کتاب‌هاست. در حال حاضر، روند سفارشات به این ترتیب است که منادی تربیت نمونه کتاب‌هایی را از ناشران می‌گیرد و پس از کارشناسی و انتخاب، در محلی به نمایش می‌گذارد تا نمایندگانی از استان‌های گوناگون در این نمایشگاه حضور پیدا کنند و بر مبنای نیازهایشان کتاب‌هایی را سفارش دهند.

ظاهر این سیستم دموکراتیک است و حق انتخاب با کسی است که کتاب را خریداری می‌کند. منطقی هم نمی‌توان به آن ایراد گرفت. ولی من معتقدم خروجی این روش مشکل دارد. یعنی سفارشی که به دست ما می‌رسد، نشان می‌دهد این روش لزوماً به انتخاب‌های درست منتهی نمی‌شود. من می‌توانم کتاب‌هایی را مثال بزنم که علی‌القاعده در آن سیستم جا دارند، مثلاً کتاب سال و برگزیده‌ی جشنواره‌ی رشد بوده‌اند و در بازار و مدارس هم با استقبال خوبی روبه‌رو شده‌اند، ولی در این طرح حتی یک جلد هم سفارش نمی‌گیرند. به هر حال صلاحیت کارشناسان جشنواره‌ی رشد، اگر بیشتر از نمایندگان استان‌ها نباشد، قطعاً کم‌تر هم نیست. پس چرا چنین کتاب‌هایی نباید به کتابخانه‌های مدارس راه یابند؟ کاش در زمان نمایش کتاب، ناشران نیز دعوت شوند تا در جریان شیوه‌ی عرضه‌ی محصولاتشان قرار بگیرند. با روش فعلی، من حتی نمی‌توانم مطمئن باشم که محصولم واقعاً در آن نمایشگاه به نمایش گذاشته شده، یا این که جا مانده و گم شده است.

در هر صورت، من به عنوان فردی که سی سال در این حوزه کار کرده و تقریباً از ابتدای انقلاب در جریان همه‌ی این فرایندها - حداقل در بخش کتاب کودک و نوجوان - بوده است،

وقتی می‌بینم چنین کتاب‌هایی در این طرح حتی یک جلد هم سفارش نمی‌گیرند، به این نتیجه می‌رسم که این چرخه معیوب است و چندان تناسبی با اهدافش ندارد. اگر چنین کتاب‌هایی در طرح‌هایی مثل نمایشگاه منادی تربیت که در جهت تکمیل و غنی‌سازی کتابخانه‌های مدارس گام برمی‌دارد مورد حمایت قرار نگیرند و جزو انتخاب‌های نمایندگان استان‌ها نباشند، پس برپایی جشنواره‌ها نیز معنی ندارد.

ما ضمن این که قبول داریم، این نمایندگان علی‌القاعده بر مبنای نیاز تصمیم می‌گیرند و دست به انتخاب کتاب می‌زنند، باید جلوی خطاهایشان را هم بگیریم و به سمتی سوقشان دهیم که بهترین و مناسب‌ترین کتاب‌ها به کتابخانه‌های مدارس راه یابد و به دست دانش‌آموزان برسد.

البته درباره‌ی همه‌ی این موارد باید این نکته را در نظر داشت که چون این چرخه شفاف نیست و ما امکان نظارت بر آن را نداریم تا در جریان همه‌ی امور قرار بگیریم، در نتیجه نمی‌توانیم تحلیل قطعی و نقد منصفانه داشته باشیم. مثلاً اگر به آمار فروش ناشران در نمایشگاه و یا فهرست کتاب‌ها از پرفروش‌ترین تا کم‌فروش‌ترین دسترسی داشتیم، می‌توانستیم بفهمیم که نمایشگاه به سمت چه کتاب‌هایی رفته و آیا این با اهدافش سازگار است یا نه. ای بسا، بسته عمل کردن باعث می‌شود نتوانیم دید واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم و جنبه‌های مثبت را ببینیم، و در نتیجه درباره‌ی منادی تربیت یا هر مجری دیگری با بی‌انصافی قضاوت کنیم.

حضور شما در این نمایشگاه‌ها چگونه است؟

■ ما تا چند دوره‌ی قبل، تقریباً همه‌ی نمونه کتاب‌هایمان را برایشان ارسال می‌کردیم. اما در یکی دو سال اخیر که شرکت در این طرح برایمان توجیهی نداشته است، از شرکت فعال در آن خودداری کرده‌ایم.

ارتباط ناشران با مدارس

به نظر شما بهتر نیست ناشران به طور مستقیم با مدارس در ارتباط باشند و واسطه‌ای به اسم منادی تربیت فعالیت نداشته باشد؟

■ نه. من برگزاری نمایشگاه کتاب توسط منادی تربیت و حضور مستقل ناشران در مدارس را خیلی مقابل هم نمی‌بینم. ناشران کم و بیش در مدارس فعال هستند، اما به دلایلی حذف این واسطه امکان‌پذیر نیست. چون علاوه بر این که ممکن است بازار مکاره ایجاد شود، باید پذیرفت که مدارس اهداف، ضوابط و چارچوب‌هایی دارند و نمی‌توان هر کتابی را وارد کتابخانه‌ی

کتاب‌هایی
که به وسیله‌ی
نمایشگاه وارد مدرسه‌ها
می‌شوند، باید به روز باشند
از نظر موضوع و محتوا نیز
باید سازگار با نیازهای
دانش‌آموزان و دارای
تنوع لازم باشند

مدرسه کرد. به نظر من، اگر ضعف‌های نمایشگاه منادی تربیت برطرف شود، این طرح می‌تواند در جایگاه خود اسباب رونق کتاب‌خانه‌های مدارس را فراهم آورد. از سوی دیگر هم نیازی نیست که در مدارس را به روی دیگر ناشران ببندیم.

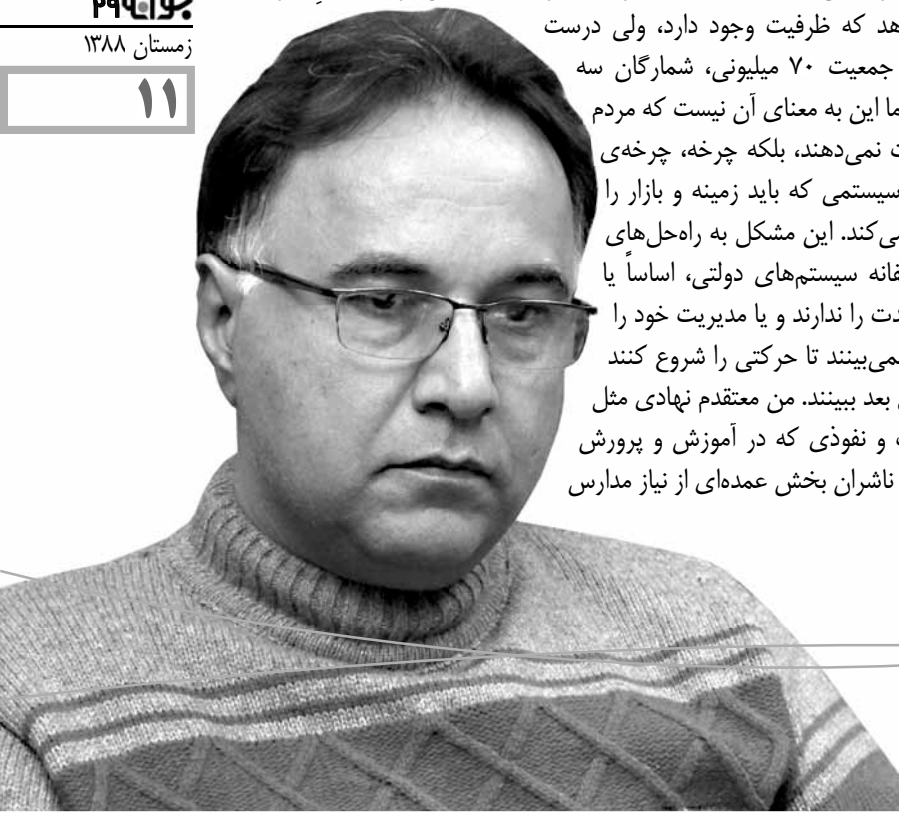
انتشارات شما به طور مستقیم با مدارس در ارتباط است؟

■ ما سال‌هاست که با برخی مراکز آموزشی به صورت محدود ارتباط داریم و در طول سال نمایشگاه‌هایی برایشان ترتیب می‌دهیم که همواره تجربه‌ی خوبی برایشان بوده است. یعنی کمتر پیش آمده است که با شناخت قبلی برای مدرسه‌ای کتاب فرستاده باشیم و مرجوعی آن بیش از ۱۰ تا ۱۵ درصد باشد. به طور معمول، ۸۵ درصد کتاب‌ها به فروش می‌رسند.

از نظر شما معیارهای نمایشگاه استاندارد چیست؟

■ کتاب‌هایی که به وسیله‌ی نمایشگاه وارد مدرسه‌ها می‌شوند، باید به روز باشند. از نظر موضوع و محتوا نیز باید سازگار با نیازهای دانش‌آموزان و دارای تنوع لازم باشند. البته بخشی از این موضوع مشکل نشر ماست که در حوزه‌هایی برای دانش‌آموزان کارهای تکراری انجام داده‌ایم و در حوزه‌هایی مخاطب کتاب‌های مورد نیازش را پیدا نمی‌کند.

به نظر من باید مخاطبان را بشناسیم و بر مبنای نیازها و علاقه‌هایشان، بهترین کتاب‌ها را تهیه کنیم؛ به گونه‌ای که هم به روز باشند و هم از تنوع لازم برخوردار باشند. همین که می‌توان در یک مدرسه ۸۵ درصد و گاهی ۱۰۰ درصد کتاب فروخت، طوری که دانش‌آموز با رغبت خود کتاب بخرد، نشان می‌دهد که ظرفیت وجود دارد، ولی درست مدیریت نمی‌شود. برای جمعیت ۷۰ میلیونی، شمارگان سه هزارتایی یأس‌آور است. اما این به معنای آن نیست که مردم به مطالعه و کتاب اهمیت نمی‌دهند، بلکه چرخه، چرخه‌ی درستی نیست. در واقع، سیستمی که باید زمینه و بازار را ایجاد کند، خوب عمل نمی‌کند. این مشکل به راه‌حل‌های بلندمدت نیاز دارد. متأسفانه سیستم‌های دولتی، اساساً یا حوصله‌ی فکرهای بلندمدت را ندارند و یا مدیریت خود را آن‌قدر با ثبات و مستمر نمی‌بینند تا حرکتی را شروع کنند و ثمره‌اش را در سال‌های بعد ببینند. من معتقدم نهادی مثل منادی تربیت، با امکانات و نفوذی که در آموزش و پرورش دارد، می‌تواند با همکاری ناشران بخش عمده‌ای از نیاز مدارس را به خوبی تأمین کند.



به نظرتان کتاب‌های نمایشگاه منادی تربیت از این استانداردها برخوردارند؟

■ اگر اطلاعات جامع و شفافی در اختیار داشتیم، می‌توانستیم قضاوت دقیقی داشته باشیم. در هر حال، ظن من این است که ۷۰-۸۰ درصد از کتاب‌های مناسب و قابل قبول به نمایشگاه راه می‌یابند؛ البته غیر از آن بخشی که گروهی از ناشران به دلیل بدقولی‌های مالی، خود را کنار کشیده‌اند و از عرضه‌ی کتب خودداری می‌کنند.

دانش‌آموزان بیگانه با کتاب

نقش معلمان در علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به کتاب و کمک به آن‌ها در انتخاب

کتاب چیست؟

■ طبیعتاً نقش بسیار مؤثری دارند. در مقاطعی که از لحاظ انس دانش‌آموزان با کتاب تعیین‌کننده محسوب می‌شوند، دانش‌آموزان حرف معلمانشان را حتی بر حرف والدین ارجح می‌دانند. اما ساختار آموزش و پرورش به معلمان اجازه نمی‌دهد که بتوانند از این ارتباط استفاده کنند و انس با کتاب را در دانش‌آموزان به وجود آورند. مثلاً همواره بحث‌هایی درباره‌ی جدی شدن زنگ مطالعه در مدارس مطرح بوده، اما هیچ وقت به مرحله‌ی عمل نرسیده است. بنابراین ما نمی‌توانیم از معلمان انتظار داشته باشیم که «دن کیشوت وار» به میدان بیایند و شاخ غول را بشکنند؛ هرچند در حال حاضر هم معلمان هستند که وقت زیادی را صرف این کار می‌کنند، چرا که به تأثیر مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان بر بازده کارشان کاملاً واقف هستند.

متأسفانه نظام آموزش و پرورش ما خود به خود دانش‌آموزان را با کتاب بیگانه می‌کند. تا اوایل دوران راهنمایی، انس دانش‌آموزان با کتاب شیب صعودی دارد، اما بعد از آن هرچه به کنکور نزدیک می‌شویم، به دلیل فشاری که برنامه‌ی درسی به بچه‌ها وارد می‌کند، ارتباطشان با کتاب‌های غیردرسی کم‌تر می‌شود. یعنی همان ناچیز انسی که احتمالاً در طول حدود هشت سال شکل گرفته است. در طول چهار سال بعدی از بین می‌رود.

ما می‌توانیم نسلی را پرورش دهیم که با کتاب بیگانه نباشد، به شرط آن که در این راه از معلمان کمک بگیریم و از ظرفیت‌های موجود حداکثر استفاده را بکنیم. در آن صورت، شمارگان کتاب کودک و نوجوان زیر ۳۰ تا ۵۰ هزار نخواهد بود و این اصلاً شعار نیست.

همواره
بحث‌هایی
درباره‌ی جدی شدن
زنگ مطالعه در مدارس
مطرح بوده، اما هیچ
وقت به مرحله‌ی عمل
نرسیده است

اگر شما جای مسئولان منادی تربیت بودید، نمایشگاه‌ها را چگونه برگزار می‌کردید؟

■ متأسفانه چون مجموعه براساس نظامی معین و اهداف و راهبرد حرکت نمی‌کند، هر کسی مدتی به روش خودش آن‌جا را اداره می‌کند. اما به نظر من می‌توان این حرکت را از یک جریان موردی و مقطعی دولتی، به یک جریان مستمر متکی به خود تغییر داد.

در مورد نحوه‌ی انتخاب کتاب‌ها هم باید تجدیدنظر کرد. در سال‌های اول، خود مؤسسه کتاب‌ها را انتخاب و به استان‌ها ارسال می‌کرد که البته آن روش هم معایبی داشت. به نظر من سیستم درست، تلفیقی از روش قبلی و کنونی است تا به نقطه‌ای برسیم که هر کتابی سر جای خودش قرار بگیرد و درست عرضه شود.

هم‌چنین، برای تأمین نیاز مدارس به کتاب می‌توان، با ناشران همکاری کرد تا از ظرفیت موجود در مدارس نهایت استفاده بشود. همه‌ی این‌ها امکان‌پذیرند، به شرطی که در سیستم نگاه بلندمدت وجود داشته باشد. من معتقدم اگر میزان مطالعه در جامعه در حد فاجعه است، این فاجعه را خودمان ساخته‌ایم. در واقع چون نمی‌توانیم از ظرفیت‌ها به خوبی بهره بگیریم و بازار را به درستی مدیریت کنیم، گاه صورت مسئله را پاک می‌کنیم. برای مثال، دلیل شمارگان سه‌هزار نسخه‌ای کتاب را بی‌علاقگی مردم به مطالعه قلمداد می‌کنیم، در حالی که واقعیت جامعه غیر از این است.



گفت و گو با عبدالعظیم فریدون، مدیرعامل انتشارات محراب قلم

بایین قیمت تخفیف بالا

برپایی نمایشگاه‌های مدارس از چه سالی شروع شد؟

■ برگزاری نمایشگاه‌های مدارس سابقه‌ای هشت ساله دارد و در آغاز برعهده‌ی انتشارات مدرسه بود. در واقع، طبق قراردادی که بین «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» و انتشارات مدرسه منعقد شده بود، نمایشگاه در هفته‌ی کتاب در مدارس برگزار می‌شد. اما زمانی که آقای **عبادی** معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش شدند، این‌طور استدلال کردند که چون مدرسه‌ها تحت نظر ما هستند، ما باید مسئول برگزاری نمایشگاه‌های مدارس باشیم. در نتیجه این مسئولیت از انتشارات مدرسه به «انتشارات منادی تربیت» انتقال یافت.

آقای فریدون، ظاهراً از عملکرد انتشارات منادی تربیت رضایت ندارید.

■ بله، از سال پیش و مخصوصاً از زمان مدیریت آقای **خرسندی**، عملکرد آن



مطلوب نبوده است. از جمله، نحوه‌ی انتخاب کتاب بسیار نامناسب بود. زیرا آن‌ها به دنبال کتاب‌های ارزان با تخفیف بالا بودند که این دو مورد تکلیف روشنی دارد. یعنی کتابی که کیفیت بالایی دارد، ارزان نیست. قیمت‌گذاری کتابی که از نظر ادبیات، گرافیک، صحافی و مهم‌تر از همه از لحاظ محتوا خوب و مناسب باشد، عرف خاصی دارد و بین ۱۰ تا ۳۰ درصد هم تخفیف به آن تعلق می‌گیرد. این طور نیست که ناشر بتواند، کتابی پرهزینه را با تخفیف بالا بفروشد، زیرا متضرر می‌شود و باید کارش را تعطیل کند. به نظر بنده، قیمت پایین با تخفیف بالا از ویژگی‌های کتاب نامطلوب است.

آقای خرسندی تخفیف‌های بالا می‌گرفت و برای این که ناشر را برای دادن تخفیف تحریک کند، می‌گفت: کتاب‌ها مرجوع نمی‌شوند. اما به نظر شما، کتاب‌هایی که در نمایشگاه به فروش نمی‌رسند و به ناشر نیز مرجوع نمی‌شوند، چه تکلیفی دارند؟

قیمت پایین
با تخفیف بالا از
ویژگی‌های کتاب
نامطلوب است

کتاب‌ها برای برگزاری نمایشگاه به مدارس فرستاده می‌شدند. طبق روال معمول، کتاب‌ها را روی میز می‌چیدند و دانش‌آموزان بخشی از کتاب‌ها را می‌خریدند که به نظر بنده، کتاب‌هایی که خریداری می‌شدند، نسبت به کتاب‌های دیگر قابل قبول‌تر بودند. اما بخش دیگری از کتاب‌ها خریداری نمی‌شدند. این کتاب‌ها یا نامناسب بودند یا کتاب‌های کمک‌درسی یا کتاب کار بودند. طبیعی است، کتاب کار یا تمرین، یک بار مصرف است. یعنی به جای این که دانش‌آموزان دفتر تمرین بگیرند، از این‌ها استفاده می‌کنند و خیلی‌ها دوست ندارند، برای چنین کتاب‌هایی پول بدهند.

خلاصه مسئول آن زمان منادی تربیت، کتاب‌های باقیمانده از نمایشگاه را با تخفیف به مدارس برای انبار در کتابخانه می‌فروخت. به نظر بنده، کتاب‌های کتابخانه‌ی مدارس مورد قبول دانش‌آموزان نبوده و نیست. اولین فاجعه این است که ناشرین باید مطابق با نیاز و سلیقه‌ی منادی تربیت کتاب تولید کنند تا بتوانند تخفیف بالا بدهند که در این صورت کیفیت پایین می‌افتد. یا اگر قرار است ناشران قیمت تعیین کنند، قیمت‌گذاری کتابی با کیفیت پایین را به شکلی انجام می‌دهند که در صورت تخفیف دادن به منادی تربیت، ضرر نکنند.

برای اثبات حرف‌های بنده، به مدارس مراجعه کنید و از آن‌ها بخواهید، کتاب‌هایی را که منادی تربیت به آن‌ها داده است، بیاورند. با نگاه کارشناسی متوجه می‌شوید، کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های مدارس بار علمی مناسبی دارند یا خیر. بنا به دلایل ذکر شده، بنده و برخی از ناشران دیگر، کتاب‌های خوب و با کیفیت خود را در اختیار منادی تربیت قرار نمی‌دهیم.

آقای فریدون، در حال حاضر با منادی تربیت مشارکت دارید؟

■ بنده هنوز طلب‌های چند سال پیشم را از منادی تربیت نگرفته‌ام. البته مدیران فعلی گفته‌اند که بدهی‌های مؤسسه را تا آخر امسال پرداخت می‌کنیم. چون از مدیریت آن زمان ناامید شده بودم، ارتباط ما در حال حاضر کمرنگ‌تر شده است و کتاب‌های محدودی را به منادی تربیت می‌دهیم.

بدون تخفیف هرگز!

به نظر شما، دلیل اصلی این روش منادی تربیت چیست؟

■ مسئولین منادی تربیت می‌گفتند که مخاطب نمی‌تواند کتاب گران‌قیمت بخرد. البته از منظری درست است. یعنی امکان دارد در برخی نقاط کشور توان مالی نداشته باشند، اما در همه جا صادق نیست و می‌توان تفکیک کرد. این نکته‌ی اول بود. نکته‌ی بعدی این است که کلمه‌ی تخفیف همه‌جا سرایت کرده و یک اصل اساسی شده است. لازم است در مورد تخفیف توضیحی عرض کنم. شما وقتی کتابی تولید می‌کنید، هزینه‌ای دارد که این هزینه اساس قیمت‌گذاری آن کتاب محسوب می‌شود. برای مثال، اگر هزار تومان هزینه کردید، کتاب را دو هزار تومان قیمت می‌گذارید که بعد از تخفیف و هزینه‌های دیگر، حداقل سود ده درصدی برای شما بماند. اما وقتی تخفیف بیش از اندازه و استاندارد از شما می‌خواهند، به ناچار قیمت پشت جلد را بالاتر می‌برید.

از مجموع کتاب‌ها، ۱۰ تا ۲۰ درصد را بخش دولتی خریداری می‌کند. و ۸۰ درصد برای بخش خصوصی باقی می‌ماند. به این بخش تخفیف ۴۰ یا ۳۰ درصدی نمی‌دهیم و می‌خرد. در نتیجه، هزینه‌ی کل را مردم می‌پردازند. متأسفانه موضوع تخفیف را از انتشارات منادی تربیت، یعنی سیستم دولتی پایه‌گذاری کرد و هنوز هم باقی است. البته قیمت‌ها هم افزایش پیدا کرده‌اند که یکی از دلایل افزایش قیمت، افزایش تخفیف غیرمنطقی است.

ویژگی‌های نمایشگاه استاندارد از دید مدیرعامل محراب قلم چیست؟

■ شناسایی مخاطب؛

- متناسب بودن امکانات با شرایط مخاطب،
- مناسب بودن فضا و ساخت و سازها؛
- مطلوب بودن تزئینات و چیدمان کتاب‌ها؛
- وجود تبلیغات و برقراری تعامل با مخاطب.

همه‌ی مدیران و مسئولان جامعه وظیفه دارند که سطح علمی جامعه را بالا ببرند که یکی از ابزارهای این کار کتاب است

نحوه‌ی انتخاب کتاب برای مدارس به چه ترتیب است؟

■ سابقاً آموزش و پرورش کتاب‌ها را انتخاب می‌کرد. اما چندسالی است براساس تجربه‌ای که در باب انتخاب کتاب کسب کرده‌اند، نمونه کتاب‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و کارشناسان منطقه یا استان، براساس نیازهای مدرسه‌ها، کتاب‌ها را انتخاب می‌کنند. انصافاً در باب گزینش نسبت به قبل پیشرفت کرده‌اند.

اگر آقای فریدون مسئول انتشارات منادی تربیت بود، چگونه عمل می‌کرد؟

■ اگر بنده مسئول بودم تلاش می‌کردم بهترین کتاب‌ها را با حداقل امکانات و بودجه جمع‌آوری کنم. تخفیف پایین، کتاب‌های مناسب و تفکیک کتاب‌های کتابخانه و نمایشگاه، از جمله کارهای من است. تفکیک به این دلیل که کتاب‌های کتابخانه باید مرجع و منبع باشند. با در نظر گرفتن بودجه، خرید کتاب‌ها را اولویت‌بندی می‌کردم، که این گام اول است. در گام دوم، به بعضی مناطق که توان بیشتری دارند، کتاب‌هایی را که گران‌ترند، می‌فرستادم. البته که کتاب سنگین و مرغوب باید تخفیف متفاوتی داشته باشد. با ناشر قرارداد می‌بستم و تخفیف کتاب را هم طبقه‌بندی می‌کردم. بعد کتاب‌ها را به نمایشگاه می‌فرستادم و هر کتابی که فروش نرفت، آن را مرجوع می‌کردم. کمی دقت کار بالا می‌رفت و در کل خروجی خوبی داشتیم.

جولای ۲۰۱۹

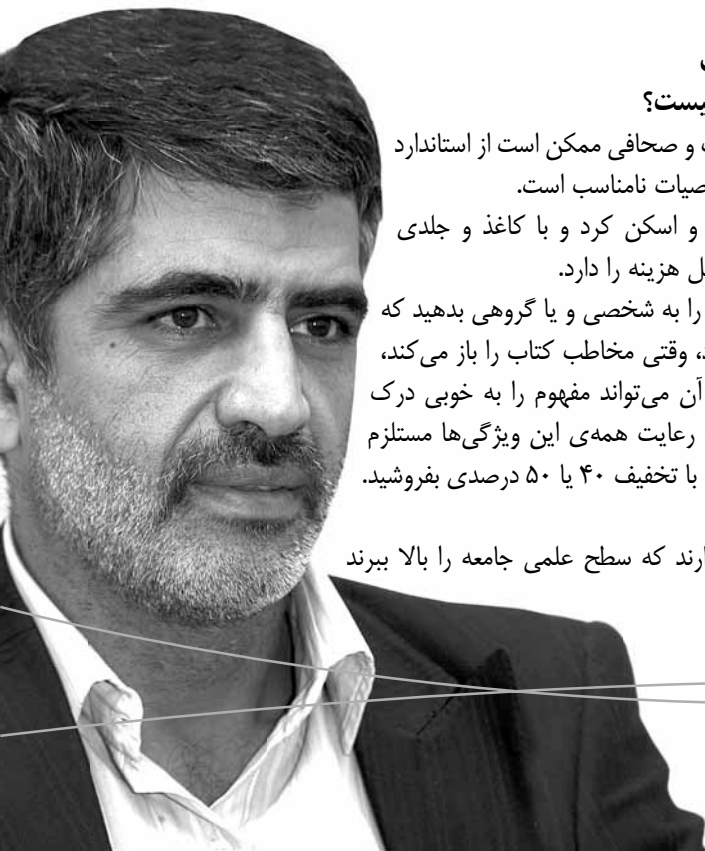
زمستان ۱۳۸۸

۱۷

همه‌ی کتاب‌های مناسب و نامناسب

منظور شما از کتاب نامناسب و ارزان چیست؟

■ کتاب از نظر ادبیات، تصویر، چاپ، گرافیک و صحافی ممکن است از استاندارد قابل قبولی برخوردار نباشد. کتابی با این خصوصیات نامناسب است. حالت اول این که می‌توان کتابی را ترجمه و اسکن کرد و با کاغذ و جلدی نامرغوب به چاپ رساند که همه‌ی این‌ها حداقل هزینه را دارد. حالت دوم این است که کار ترجمه و تألیف را به شخصی و یا گروهی بدهید که در کارشان متخصص باشند. این باعث می‌شود، وقتی مخاطب کتاب را باز می‌کند، متوجه شود کتاب ارزشمند است و با خواندن آن می‌تواند مفهوم را به خوبی درک کند و کتاب خالی از غلط علمی و ادبی است. رعایت همه‌ی این ویژگی‌ها مستلزم هزینه است. پس شما نمی‌توانید چنین کتابی را با تخفیف ۴۰ یا ۵۰ درصدی بفروشید. منظورم از کتاب نامناسب این است. همه‌ی مدیران و مسئولان جامعه وظیفه دارند که سطح علمی جامعه را بالا ببرند



که یکی از ابزارهای این کار کتاب است. البته صدا و سیما و مطبوعات هم مؤثرند. متولیان منادی تربیت وظیفه دارند، بودجه و امکاناتی را که در اختیار دارند، در جهت رشد فرهنگی به کار گیرند.

بهتر نیست مسئولین مدرسه و اعضای «انجمن اولیا و مربیان» متولی انتخاب کتاب باشند و با توجه به نیاز دانش‌آموزان و بودجه‌ای که دارند، کتاب بخرند؟

■ عملاً چنین طرحی قابل اجرا نیست. ما حدود ۱۰۰ هزار مدرسه داریم. مگر این که متمرکز عمل نکنیم. سابقاً خیلی از مناطق و مدرسه‌ها زیربار برگزاری نمایشگاه نمی‌رفتند. بنده سال‌ها پیش بعد از برگزاری نمایشگاه به یکی از مدارس تهران رفتم و دیدم کارتن کتاب‌هایی که برای برگزاری نمایشگاه فرستاده بودند، حتی باز نشده بود.

زمانی که ما دانش‌آموز بودیم نیز، نمایشگاه برگزار می‌شد که در آن زمان، معلمان ما را برای خرید کتاب راهنمایی می‌کردند. نظر شما در مورد نقش معلم و مسئولان مدرسه در برگزاری هرچه مؤثرتر نمایشگاه‌ها چیست؟

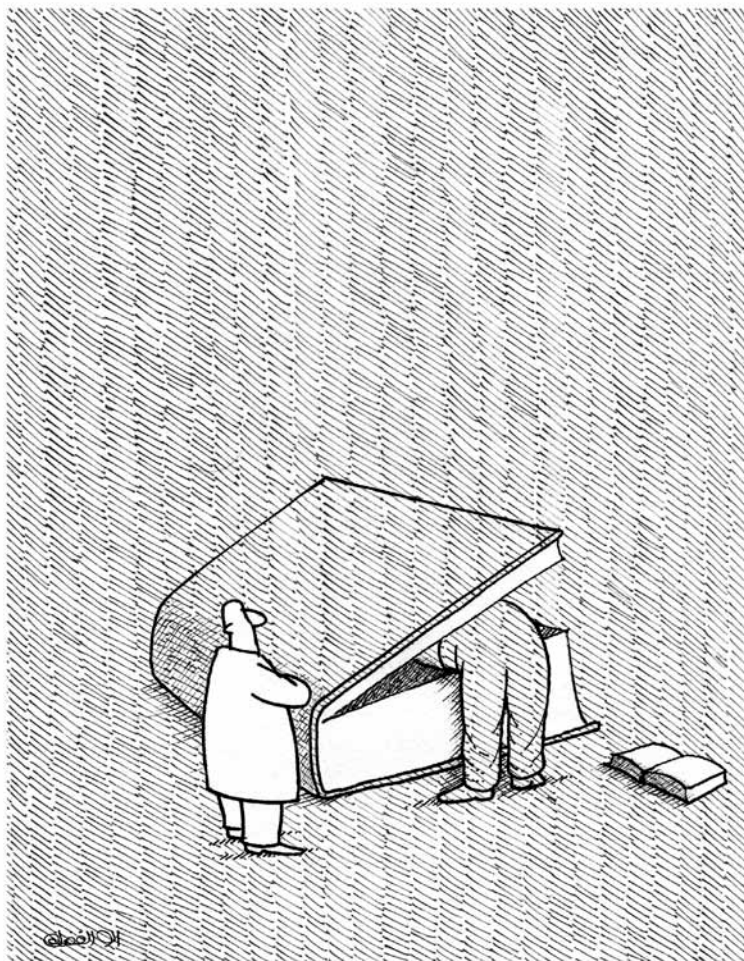
■ بله، قطعاً معلم نقش مؤثر و بسزایی دارد، البته به شرطی که خود او آگاه باشد. من در بحث‌های قبلی هم گفته‌ام که بچه‌ها مستقیماً برای خرید کتاب نمی‌روند. این موضوع طبیعی است، زیرا هنوز قوه‌ی تشخیص بالایی ندارند. به همین دلیل منطقی است از فردی آگاه کمک بگیرند.

آیا ناشران برای فروش کتاب‌هایشان مستقیماً و بدون واسطه با مدرسه‌ها در ارتباط هستند؟

■ بله، ممکن است هر مدرسه‌ای به دلیلی مانند این که تعریف ما را از دیگران شنیده است و یا به واسطه‌ی فهرستی که ما برایش فرستاده‌ایم، با ما ارتباط بگیرد که این دو نتیجه دارد: یا کتاب‌های ما را مناسب ندانسته و از خرید آن صرف‌نظر کرده است، یا برعکس، کتاب‌هایمان مناسب این مدرسه و نیازشان بوده است. مدرسه‌هایی هستند که به تعبیری مشتری ما محسوب می‌شوند.

به نظر شما بهتر نیست که برای برپایی نمایشگاه از این ارتباط مستقیم و بدون واسطه استفاده کرد؟ زیرا در این صورت، خرید کتاب توسط مدرسه‌ها از ناشرین آگاهانه‌تر صورت می‌گیرد.

■ آموزش و پرورش بیش از یک میلیون نیرو در بیش از هزار مدرسه دارد. اگر آموزش و پرورش خوب مدیریت کند، پیشنهاد شما منطقی و قابل اجراء است. اما خوب اداره کردن یعنی این که نیرویی را تربیت کند که آگاهانه کاری را شروع کند. مسئولین و مدیر باید کار را بشناسند. اگر مدیر یا معلم کتاب‌خوان نباشند، نمی‌توانند بچه‌ها را راهنمایی کنند. پس در درجه‌ی اول باید آن‌ها از لحاظ علمی در حد استاندارد باشند. در این صورت این طرح عملی می‌شود.



۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۱۹

گفت و گو با احمد برادری، معاون فرهنگی انتشارات مدرسه

دست در دست هم دهیم به مهر...

به نظر شما نمایشگاه کتاب «انتشارات منادی تربیت» چه جایگاهی در میان نمایشگاه‌های کتاب کشور دارد؟

■ شاید بتوان گفت بعد از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بزرگ‌ترین نمایشگاهی که در سطح کشور- البته به صورت پراکنده در تمام استان‌ها- برگزار می‌شود، نمایشگاه انتشارات منادی تربیت است که در ۳۰ هزار مدرسه‌ی کشور برگزار می‌شود. البته در ابتدای کار «انتشارات مدرسه» مجری برگزاری این نمایشگاه بود، اما بعد از سه سال بنا به دلایلی، مسئولان امر تشخیص دادند که اجرای آن را به امور تربیتی و انتشارات منادی تربیت واگذار کنند و تا کنون این انتشارات عهده‌دار این کار سنگین و عظیم بوده است.

در این نمایشگاه تقریباً از همه‌ی ناشران کشور کتاب ارائه می‌شود، ولی در شیوه‌ی اجرا و نوع تعامل با ناشران، مشکلاتی وجود دارد.

چه مشکلاتی؟

■ یکی از مشکلات به مسائل و ارتباطات مالی مربوط می‌شود که



برخی ناشران را گله‌مند کرده است. این تعاملات باید جدی‌تر گرفته شوند. البته علت اصلی شاید کار سنگین و حجیمی است که به منادی تربیت سپرده شده است. اگر این کار به ستادی بین ارگان‌هایی تقسیم شود که در رابطه با کتاب در سطح ملی کار می‌کنند، هم موفق‌تر عمل خواهد شد و هم نقص‌های کار کمتر خواهد بود. مثلاً ممکن است بخش مالی انتشارات مدرسه بتواند در این زمینه کمک کند یا «کانون پرورش فکری کودک و نوجوان» به لحاظ داشتن شبکه‌های توزیع و نمایندگان استانی، بتواند نقش مؤثری ایفا کند.

از آن‌جا که هیچ ناشری در کشور ما از شبکه‌های توزیع بی‌نیاز نیست، همه علاقه‌مند به شرکت در این طرح‌های ملی هستند. بنابراین باید همه‌ی جوانب قضیه به خوبی سنجیده شوند و همه‌ی ارگان‌ها و نهادها را مشارکت داد.

به نظر شما برگزاری این نمایشگاه‌ها با چه مشکلات دیگری روبه‌روست؟

■ مشکل اصلی این نمایشگاه‌ها آن است که یکسویه برگزار می‌شود. یعنی

منادی تربیت به تنهایی این بار سنگین را به دوش می‌کشد، در حالی که اگر معتقدیم این طرح ملی است، باید با هم‌فکری و هماهنگی نهادهای کتاب وزارت آموزش و پرورش و ارگان‌های دیگری که نقش مؤثر و درجه اولی در حوزه‌ی کتاب دارند، برگزار شود و آن‌ها در این زمینه فعال باشند و به صورت حاشیه‌ای با آن‌ها برخورد نکنند؛ مانند اتحادیه‌ی ناشران، بخش کتاب «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» ناشران بزرگ درون آموزش و پرورش مثل انتشارات مدرسه، انتشارات کانون پرورش فکری کودک و نوجوان...

این نهادها و ارگان‌ها باید در اجرا و کیفیت‌بخشی به این حرکت بزرگ فرهنگی سهیم باشند. نمایشگاه باید به گونه‌ای برگزار شود که در سراسر کشور، همه‌ی نهادهای فرهنگی که با کتاب سروکار دارند، آن را متعلق به خود بدانند. اگر بخواهیم این حرکت را ملی بنامیم و در سطح ملی از آن دفاع کنیم، باید بکوشیم همه‌ی طرف‌های ذی‌نفع را مشارکت دهیم تا به نظر نرسد که نمایشگاه متعلق به جای خاصی است. الان متأسفانه احساس می‌شود که به جای خاصی تعلق دارد.

البته این مشکل اساسی فرهنگی کشور ماست که همه می‌خواهند انفرادی و با پرچم‌های شخصی‌شان کار کنند. در حالی که اگر نیت، نیت فرهنگی است، باید با همدلی و هم‌فکری یکدیگر کار را پیش ببریم.

کیفیت کتاب‌های نمایشگاه‌های منادی تربیت چگونه است؟

■ کیفیت کتاب‌ها مطلوب است، اما متأسفانه در سال‌های اخیر برخی کتاب‌های کمک آموزشی

مشکل اصلی
این نمایشگاه‌ها
آن است که یکسویه
برگزار می‌شود

و کمک درسی نیز وارد نمایشگاه شده‌اند. که از استانداردهای آموزشی بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند. گرچه دانش‌آموزان به این کتاب‌ها نیز احتیاج دارند، اما ما نباید مروج این‌گونه کتاب و دیگر کتاب‌هایی باشیم که مورد تأیید «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» نیستند.

کتاب‌های نمایشگاه چگونه انتخاب می‌شوند؟

■ در سال‌های گذشته، انتخاب کتاب به صورت متمرکز انجام می‌شد. یعنی کارشناسانی کتاب را انتخاب می‌کردند و به استان‌ها می‌فرستادند. ولی چند سالی است که روند انتخاب کتاب تغییر کرده است. به این صورت که انتشارات منادی تربیت، کتاب‌های ناشران دیگر را به نمایش می‌گذارد و کارشناس کتاب استان‌ها، کتاب‌های موردنظرشان را برای استان خود سفارش می‌دهند. البته این شیوه آفت‌هایی هم دارد و باید آسیب‌شناسی شود. به نظر بنده، تلفیقی از انتخاب کتاب از سوی کارشناس کتاب استان و «هیئت بررسی کتاب‌ها» که اعضای آن از سوی وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین می‌شوند، دقیق‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

آیا کتاب‌ها برای حضور در این نمایشگاه احتیاج به مجوز دارند؟

■ خیر. مجوز وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی برای چاپ، برای حضور کتاب‌ها در نمایشگاه کافی و معتبر است. اما از آن‌جا که در مدارس مسئله حساس‌تر است، کارشناسی کتاب‌ها باید دقیق‌تر و محدودتر صورت پذیرد.

به نظر شما یک نمایشگاه استاندارد باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

■ از جمله نکاتی که باید به آن توجه داشت، زمان نمایشگاه است. یعنی دامنه‌ی زمانی نمایشگاه باید کاملاً مشخص باشد. همچنین مکانی که نمایشگاه در آن‌جا برگزار می‌شود، از لحاظ نورگیری، تهویه و سایر عوامل مناسب باشد. در زمینه‌ی چیدمان کتاب‌ها نیز باید دقت داشت که بیشترین آثار و کتاب‌ها در معرض دید باشند. همچنین باید تا حد امکان، همه‌ی آثار چاپ شده برای مخاطبان در نمایشگاه ارائه شوند و نمایشگاه سطح گسترده‌ای از کتاب‌های مخصوص مخاطبان را پوشش دهد.

از دیگر مسائلی که باید به آن توجه داشت، مسئله‌ی مالی نمایشگاه است که باید کاملاً شفاف باشد. یعنی هزینه‌ای که ناشر باید بپردازد، امکاناتی که نمایشگاه در اختیار او قرار می‌دهد، تخفیفی که در نمایشگاه برقرار است و مواردی از این دست، همگی باید شفاف و روشن باشند.

نمایشگاه‌هایی که انتشارات منادی تربیت برگزار می‌کنند، این استانداردها را دارند؟

■ به نظر من ۶۰ درصد رعایت می‌شود و ۴۰ درصد نمی‌شود.

بهبتر است که کتاب‌ها از سوی مرجعی در آموزش و پرورش توصیه شوند تا از هر نوع آشفتگی در زمینه‌ی انتخاب کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی جلوگیری شود

همیشه پای تبلیغ در میان است!

بهتر نیست خود ناشران ارتباطشان را با مدارس حفظ کنند؟

■ نه. من این کار را به صلاح نمی‌دانم.

چرا؟

■ چون ناشران خیلی شخصی عمل می‌کنند و این باعث می‌شود اوضاع، هم از نظر مالی و هم از لحاظ فرهنگی به شدت آشفته شود. اصلاً صلاح نیست که آموزش و پرورش با تعدادی از ناشران به صورت مستقیم در تعامل باشد. این برای مدارس و آموزش و پرورش مشکل ایجاد می‌کند.

اگر قرار باشد ناشران به طور مستقیم با مدارس در ارتباط باشند، همه سعی می‌کنند که کتاب خوبشان به مدرسه‌ها راه پیدا کند. به همین منظور شروع می‌کنند به یارگیری و تبلیغات و کارهایی از این قبیل. در حالی که ممکن است کارشناسان آموزشی و تربیتی صلاح ندانند که دانش‌آموزان از فلان کتاب استفاده کنند.

در حال حاضر، ناشران بزرگ فهرست و نمونه‌ی کتاب‌های خود را به مدارس می‌فرستند، اما قدرت تشخیص و تعداد کسانی که می‌توانند کتاب‌ها را بررسی و درباره‌ی آن‌ها تصمیم‌گیری کنند، در همه‌ی مدارس کشور یکسان نیست. مثلاً ممکن است در یک مدرسه، کیفیت کتابی مطلوب تشخیص داده شود، در حالی که اصلاً وزارت‌خانه آن را رد کرده باشد. بنابراین بهتر است که کتاب‌ها از سوی مرجعی در آموزش و پرورش توصیه شوند تا از هر نوع آشفتنگی در زمینه‌ی انتخاب کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی جلوگیری شود.

پیشنهاد شما برای بهتر شدن این نمایشگاه‌ها

چیست؟

■ قبل از هرچیز باید توجه داشت که مهم‌ترین مشکل ما در حوزه‌ی کتاب، بخش توزیع است. اگر ما شبکه‌های توزیع مناسب داشتیم که کتاب را درست، سالم و به موقع به همه‌جا می‌رساندند، هیچ وقت مردم به نمایشگاه بین‌المللی هجوم نمی‌آوردند. هرچند نمایشگاه کتاب برای اهل فرهنگ

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۲۳



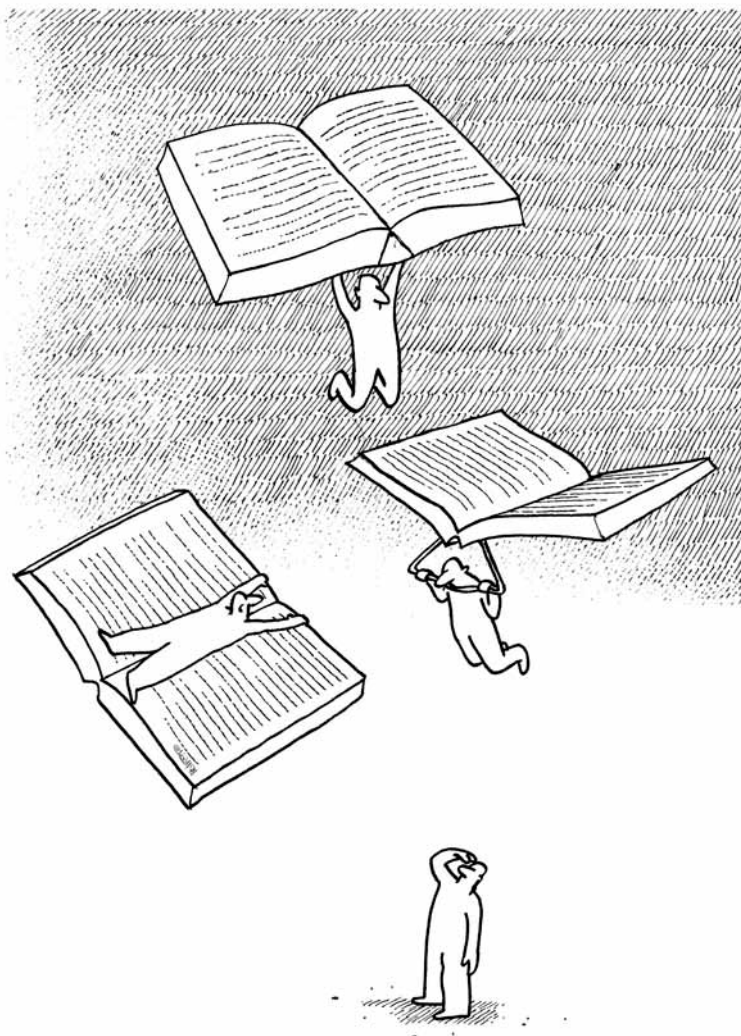
نوعی جشن فرهنگی است، اما به صورت کامل رفع نیاز نمی‌کند. کسی که اهل کتاب و مطالعه باشد، در طول سال به کتاب احتیاج پیدا می‌کند و نمی‌تواند همه‌ی نیازهایش را در نمایشگاه کتاب برطرف کند.

پس تا وقتی شبکه‌ی توزیع مناسب وجود ندارد، نمایشگاه‌ها در زمینه‌ی سازمان کتاب به مخاطب حرف اول را می‌زنند. حال اگر این نمایشگاه‌ها هم حالت انحصاری و تبلیغی به خودشان بگیرند، قطعاً کار، نیمه‌تمام و ناقص است و بیشتر رنگ و بوی تبلیغی دارد تا فرهنگی. پیشنهاد شخص من این است که انتشارات منادی تربیت، تعاملاتی را در سطح آموزش و پرورش نهاده‌ی نه و تقویت کند و مشکلات مربوط به نمایشگاه‌ها توسط جمعی از اهالی کتاب، یعنی کسانی که در رابطه با کتاب در کشور و در سطح ملی کار می‌کنند، مطرح، و حل و فصل شود؛ مانند اتحادیه‌ی ناشران، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن اولیا و مربیان، و سایر نهادهای ذی‌ربط. باید بتوانیم نمایشگاه‌ها را با هماهنگی، همدلی و هم‌فکری یکدیگر پیش ببریم تا تأثیر موردنظرمان را هم داشته باشد.

نقش معلمان را در زمینه‌ی کمک به دانش‌آموزان برای انتخاب کتاب، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ نقش بسیار مهمی دارند. حتی با وجود رسانه‌های گسترده‌ای که امروزه در جامعه حضور دارند، هنوز هم معلمان نقش اول را بازی می‌کنند. اگر معلم به کتاب و کتاب‌شناسی علاقه‌مند باشد، قطعاً می‌تواند اولین و مؤثرترین راهنمای دانش‌آموزان باشد. اما مسئله‌ی فراموش شده، ارتباط بخش کتاب آموزش و پرورش با معلمان است. به همین دلیل هم ناشران بیشتر به سراغ معلمان می‌روند و حتی از لحاظ مالی نیز امتیازهایی برایشان مشخص می‌کنند. درحالی که اگر آموزش و پرورش به صورت نظام‌مند با معلمان ارتباط داشته باشد، به آن‌ها ارزش و بها دهد و در جمیع جوانب برایشان اعتبار قائل شود، خود معلم با کمک نهادهای کتاب درون آموزش و پرورش، کتاب‌ها را با دید باز انتخاب و با دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کند.

متأسفانه وزارت‌خانه برای ارتباط با معلمان در زمینه‌ی کتاب، برنامه‌ی خاصی ندارد حتی در دوره‌هایی، برای معلمان نقش درجه اولی قائل نبوده. در صورتی که معلمان رزمنده‌ی خط مقدم و معماران جامعه هستند و دیگران همگی کارگرانی‌اند که باید مصالح مورد نیاز را به دست آنان برسانند تا دانش‌آموز، آن‌گونه که مورد نیاز کشور است، تربیت شود. این معلم است که چهره به چهره با دانش‌آموز- که موضوع تعلیم و تربیت است- ارتباط دارد. بنابراین هر کاری که در آموزش و پرورش انجام می‌دهیم و در پی هر نوع تحول آموزشی و پرورشی که باشیم، باید معلم را جدی بگیریم و در درجه‌ی اول به سراغ او برویم.



۲۹۹۰۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۲۵

گفت و گو با مسعود سریع القلم، معاون فرهنگی نشر شهر

یاران مهربان آیند همی

لطفاً خودتان را معرفی کنید و توضیح مختصری درباره‌ی سابقه‌ی کارتان در نشر شهر بدهید؟

■ بنده مسعود سریع القلم، معاون فرهنگی «نشر شهر» هستم. پنج سال است که در این مرکز فعالیت می‌کنم. هفتمین دوره‌ی «نمایشگاه یاد یار مهربان» امسال برگزار شد. بنده نیز از دومین دوره‌ی برگزاری وارد نشر شهر شدم.

روند برگزاری نمایشگاه یاد یار مهربان چگونه است؟

■ برگزاری نمایشگاه در چند دوره‌ی اخیر نسبت به اوایل متفاوت بوده است. در دوره‌ی دوم قاعده‌ی جدیدی را برای برپایی نمایشگاه قرار دادیم. قبل از دوره‌ی دوم، مدارس به ما مراجعه می‌کردند و ما دفترچه‌هایی را تهیه کرده بودیم و برای آن‌ها بارکدی می‌زدیم. بعد از این که سیستم دفترچه‌ها را بازخوانی می‌کرد، ما از درخواست مدارس مطلع می‌شدیم و کتاب‌های



مورد نیاز آن‌ها را به ناشران سفارش می‌دادیم. این فرآیند زمان‌بر و پیچیده بود و چند ماه زمان می‌برد. یعنی ما باید می‌رفتیم کتاب‌ها را تهیه می‌کردیم، آن‌ها را در انبار قرار می‌دادیم و کتاب‌ها را بنا به درخواست هر مدرسه بسته‌بندی می‌کردیم و تحویل می‌دادیم.

ما این روند را تغییر دادیم. از ناشران خواستیم به نمایشگاه بیایند و کتاب خودشان را هم بیاورند تا ما هم به اتفاق مسئولان مدرسه به نمایشگاه برویم و کتاب درخواستی مدرسه را به آن‌ها تحویل بدهیم. ما تقریباً از دوره‌ی دوم، یعنی از سال ۱۳۸۴ این کار را انجام دادیم.

علاوه بر این، نرم‌افزار عملیاتی یاد یار مهربان را نیز تغییر دادیم. گاه پیش می‌آمد که مدرسه از نمایشگاه مبلغی خرید می‌کرد که بیش از اعتبارش بود. بعد ناچار این خرید اضافی به غرفه‌ها برگردانده می‌شد. این وضع از سال ۱۳۸۴ به بعد تغییر کرد. ما فقط برای تجهیز کتابخانه‌های مدارس کتاب عرضه می‌کنیم. در حال حاضر ناشر کتاب را به نمایشگاه می‌آورد و با خرید هر کتاب از غرفه، از اعتبار مدرسه کم می‌شود و با آخرین کتاب که خریداری می‌شود، دیگر هیچ اعتباری برای مدرسه باقی نمی‌ماند.

آیا شما بر انتخاب کتاب برای نمایشگاه، نظارت می‌کنید؟

■ ببینید اگر نظارت به معنای ممیزی کردن باشد، خیر. به این دلیل که ما مکانی برای ممیزی کتاب در کشور داریم. بنابراین نیازی نیست که ما کتاب را ممیزی کنیم. ولی در انتخاب کتاب کارشناسی می‌کنیم یعنی فراخوان می‌دهیم و تعدادی کتاب به دبیرخانه‌ی ما می‌آید و بررسی می‌کنیم که چه کتابی در حد دانش‌آموز و مدرسه است.

کتاب‌ها را چگونه بررسی می‌کنید؟

■ کارشناسانی از آموزش و پرورش، شهرداری تهران و وزارت ارشاد، یک گروه سه نفره را تشکیل می‌دهند. این گروه بررسی می‌کند که آیا کتاب از معیارهای لازم برخوردار است و آیا کارایی لازم را برای مدرسه و دانش‌آموز دارد یا نه. بعد کتاب‌های تأیید شده انتخاب و در نمایشگاه عرضه می‌شوند.

آیا کارشناسان را شما انتخاب می‌کنید؟

■ ما طی مکاتبه با آموزش و پرورش و وزارت ارشاد، این امکان را به آن‌ها می‌دهیم که کارشناس خودشان را معرفی کنند. در مجموع، شهرداری از اشخاصی که در حوزه‌ی کتاب توانایی و شناخت کافی دارند، استفاده می‌کند.

انتخاب شش هزار مدرسه‌ای که برای حضور در نمایشگاه انتخاب می‌کنید، بر چه

کارشناسانی
از آموزش و پرورش
شهرداری تهران و وزارت
ارشاد، یک گروه سه نفره
را تشکیل می‌دهند. این گروه
بررسی می‌کند که آیا کتاب
کارایی لازم را برای مدرسه
و دانش‌آموز دارد یا
نه

اساسی است؟

■ ما آن‌ها را انتخاب نمی‌کنیم. ما یک بانک اطلاعاتی از مدارس شهر تهران داریم و هر سال اطلاعات این بانک را با اطلاعات سازمان آموزش و پرورش مقایسه می‌کنیم. هم برای مدارس دعوت‌نامه می‌فرستیم و هم فراخوان عمومی می‌دهیم. آموزش و پرورش بخش‌نامه می‌کند. البته ما یک سلسله مدارس تازه تأسیس و تعدادی هم مدارس منحل شده داریم که برای آن‌ها جایگزین می‌گذاریم. مدارس برحسب دوره‌ی تحصیلی از اعتبار آن دوره استفاده می‌کنند.

نظام اطلاع‌رسانی شما برای ناشران چگونه است؟

■ ناشران از طریق فراخوان روزنامه‌ی همشهری اطلاع پیدا می‌کنند. در این هفت دوره برگزاری وزارت ارشاد در دوره‌های پنجم و هفتم با ما همکاری و مشارکت کرده است. ما وقتی به جمع‌بندی می‌رسیم، برای اجرای کار مصوبه‌ی شورای شهر را می‌گیریم؛ چون بودجه را آن‌ها باید تصویب کنند. از طریق فراخوان عمومی این کار را انجام می‌دهیم.

یک مرکز نظارت و بازرسی در شهرداری وجود دارد که به ما کمک کردند، کتاب نامناسبی به نمایشگاه نیاید. کتاب‌های نامناسب را از سطح فروش خارج می‌کنیم

تجربه‌های پشت سر، موفقیت‌های پیش رو

مشکلات عمده‌ای که در برپایی نمایشگاه دارید، کدام‌اند؟

■ تا قبل از دوره‌ی ششم، یکی از مشکلات عمده‌ی ما، محل برگزاری نمایشگاه بود. دوره‌ی اول در مرکز آفرینش‌های هنری، دوره‌ی دوم در خانه‌ی هنرهای ایرانی، و دوره‌های سوم تا پنجم در مصلا برگزار شد. اما در دو دوره‌ی اخیر از محل دائمی نمایشگاه شهرداری استفاده کردیم که از لحاظ دسترسی هم خوب است.

مشکل دوم زمان برگزاری نمایشگاه است. ما امسال به این نتیجه رسیدیم که برای برگزاری نمایشگاه باید زمان آن را در تقویم بگنجانیم. بنابراین هفته‌ی کتاب را انتخاب کردیم. در دوره‌های قبل زمان‌های متفاوتی را انتخاب کردیم که شیوه‌ی خوبی نبود. وقتی زمان معلوم باشد، برای مدارس هم جا می‌افتد که در هفته‌ی کتاب شهرداری هم چنین برنامه‌ای دارد.

به هر صورت، ستاد سیاست‌گذاری نمایشگاه به این نتیجه رسید که از دوره‌ی هفتم به بعد، نمایشگاه کتاب در هفته‌ی کتاب برگزار شود و این موضوع دلایل زیادی هم دارد. یکی این که هفته‌ی کتاب با نمایشگاه ما ارتباط موضوعی دارد. دیگر این که تزریق کتاب جدید به کتابخانه‌های مدارس در ابتدای سال تحصیلی جدید باید انجام گیرد. یعنی وقتی ما در آبان ماه به مدارس کتاب جدید می‌دهیم، دانش‌آموز و دبیر می‌توانند از این کتاب‌ها تا خرداد ماه سال بعد

استفاده کنند. البته یکی از ضوابط نمایشگاه ما این است که برای مثال، در نمایشگاه سال ۱۳۸۸ کتاب‌های سال ۱۳۸۶ به بعد عرضه می‌شود. ما آیین‌نامه‌ای هم برای ناشران داریم. برای مثال، صحافی کتاب باید با شرایط سنی دانش‌آموزان دوره‌ی تحصیلی مربوط به آن هم‌خوانی داشته باشد.

این ضوابط همیشه در نمایشگاه یاد یار مهربان رعایت شده‌اند؟

■ می‌دانید که یک مرکز نظارت و بازرسی در شهرداری وجود دارد که به ما کمک کردند، کتاب نامناسبی به نمایشگاه نیاید. کتاب‌های نامناسب را از سطح فروش خارج می‌کنیم. البته با حجم دو میلیون نسخه کتاب در نمایشگاه، طبیعی است که با مشکل روبه‌رو شویم، ولی سعی می‌کنیم که مشکل را به حداقل برسانیم. یعنی وجود گروه نظارت و بازرسی باعث می‌شود که ضوابط نمایشگاه زیر سؤال نرود.

ضوابط کارشناسانی که کتاب‌ها را بازرسی می‌کنند، چیست؟

■ عملکرد آن‌ها سلیقه‌ای و فردی نیست. شاخص‌هایی قرار داده‌ایم و دوستان براساس آن شاخص‌ها، کتاب‌ها را بررسی می‌کنند. ما سه کارشناس از سه نهاد داریم. یکی آموزش و پرورش که کتاب‌ها به آن‌جا می‌رود، دیگری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که مجوز نشر کتاب را صادر می‌کند، و سوم شهرداری است که هزینه و سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین این سه کارشناس حق دارند که کتاب‌ها را کارشناسی کنند و کتابی را که مناسب است، برای مدرسه انتخاب کنند.

آیا کتاب‌های کمک‌آموزشی هم در نمایشگاه عرضه می‌شوند؟

■ تقریباً ما هر سال امکانی را فراهم کرده‌ایم که مدیران یا نمایندگان مدارس بتوانند هنگام مراجعه به نمایشگاه، از یک سلسله عناوین مشخصی برای معلمان مدارس کتاب انتخاب کنند تا معلمان هم بتوانند از کتابخانه‌ی مدارس بهره بگیرند. ما در نمایشگاه کتاب کمک درسی، برای مثال تست، نداریم، ولی کتابی را که به ارتقای سطح علمی دانش‌آموز کمک کند، به نمایش می‌گذاریم.

۲۹۹/۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۲۹



طبقه‌بندی انتخاب کتاب‌های نمایشگاه چه‌طور است؟

■ یکی از انتقادهایی که هر سال به نمایشگاه وارد می‌شد این بود که معلم در نمایشگاه با حجم زیاد کتاب مواجه می‌شود؛ مثلاً ۱۵۰۰۰ جلد کتاب از ۴۰۰ ناشر. این مانع انتخاب کتاب به درستی می‌شود و معلم ناچار از روی سلیقه کتاب انتخاب می‌کند. برای حل این مشکل، امسال یک بخش موضوعی ایجاد کردیم. امسال ما پس از ارسال کتاب‌ها توسط ناشران و پس از بررسی کارشناسان، کتاب‌ها را براساس موضوع طبقه‌بندی کردیم. حاصل کار را در نمایشگاه عرضه کردیم و از مسئولان مدرسه خواستیم که به بخش موضوعی نمایشگاه مراجعه کنند. این کار باعث شد که مسئولان با مراجعه به این بخش، با صرف وقت کمتر بتوانند از همه‌ی کتاب‌ها بازدید و خرید کنند. در ضمن، ما دو کارشناس کتاب‌داری را هم در این بخش قرار داده بودیم تا به اشخاصی که می‌خواهند کتاب بخرند، کمک کنند.

کتاب‌های برگزیده‌ی جشنواره‌ی رشد هم در نمایشگاه عرضه می‌شوند؟

■ خیلی از ناشران تأکید دارند که از کتاب‌های برگزیده‌ی جشنواره‌ی رشد استفاده شود. هم‌چنین، ما به ناشران اجازه دادیم که نماینده‌ای را درون غرفه بگذارند تا به خریداران کتاب را راهنمایی کنند.

آیا از ناشران تخفیف هم می‌گیرید؟

■ بله. این تخفیف را صرف فضاسازی و برگزاری نمایشگاه می‌کنیم. ما از ناشران براساس فروش در نمایشگاه و با توجه به جدول خاصی، تخفیف می‌گیریم. ما معمولاً نشست‌های صمیمانه‌ای با ناشران برگزار می‌کنیم و ضوابط نمایشگاه را به آنان اعلام می‌کنیم. اگر هم تغییری در برگزاری نمایشگاه به وجود آمده باشد، به اطلاعشان می‌رسانیم. جدول تخفیف را هم اعلام می‌کنیم. همه‌ی ناشران از این جدول به علت آن‌که زیر عرف بازار است، راضی هستند. معمولاً تخفیف عرف در بازار بین ۴۰ تا ۴۵ درصد است. ما معمولاً حداکثر تخفیفی که از ناشران در نمایشگاه می‌گیریم، ۳۰ درصد است.

غیر از شهرداری، «انتشارات منادی تربیت» هم برای مدارس نمایشگاه برگزار می‌کند. نظرتان درباره‌ی این نمایشگاه‌ها چیست؟

■ کار خوبی است. هر کاری که برای مدارس انجام شود، پسندیده است. منادی تربیت به عنوان ناشر وابسته به وزارت آموزش و پرورش عمل می‌کند. انتشاراتی مثل انتشارات منادی تربیت یا «انتشارات مدرسه» هم خدماتی به مدارس می‌دهند، ولی چون تعداد مدارس زیاد است و آن‌ها بودجه‌ی کافی ندارند، شهرداری هم به کمک آن‌ها آمده است. در چند سال اخیر، انجام کارهای فرهنگی در کشور اوج گرفته و کاملاً ملموس است. شما اگر

دهه‌ی ۱۳۷۰ را از لحاظ حمایت فرهنگی بررسی کنید، می‌بینید که حمایت‌های پنج سال گذشته با آن سال‌ها قابل مقایسه نیست. اما این حمایت‌ها باید نظام‌مند شوند. ضروری است بین شهرداری تهران و سازمان‌های حمایتی دیگر، از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تفاهم خوبی برقرار شود. ما امیدواریم که بتوانیم یک سطح پایین‌تر، یعنی پیش‌دستانی‌ها یا مهدکودک‌ها را هم پوشش دهیم. با توجه به افزایش مهدکودک‌ها، شاید بشود یک کار پایه‌ای انجام داد.

ما امیدواریم که بتوانیم پیش‌دستانی‌ها یا مهدکودک‌ها را هم پوشش دهیم. با توجه به افزایش مهدکودک‌ها، شاید بشود یک کار پایه‌ای انجام داد

برپایی نمایشگاه برای دوره‌های تحصیلی پایین‌تر، مثل پیش‌دستان، جزو برنامه‌های آینده‌ی شماست؟
بله.

مهم‌ترین ویژگی نمایشگاه یاد یار مهربان چیست؟

تکریم ارباب رجوع. یعنی ما سعی می‌کنیم فضای مناسبی را فراهم کنیم و به نماینده‌ی مدرسه احترام بگذاریم. ما همیشه کوشیده‌ایم خودمان را نقد کنیم. یعنی از دوره‌ی دوم که من مسئول بودم تا دوره‌ی هفتم که چند ماه پیش برگزار شد، ما فقط در فکر برگزاری هرچه بهتر نمایشگاه بوده‌ایم.

سوزنی به خود!

مهم‌ترین نقد خودتان از نمایشگاه چه بوده است؟

ما در سال گذشته (۱۳۸۷)، برای اطلاع‌رسانی به شدت دچار مشکل شده بودیم. ولی امسال، هم تلویزیون، هم رادیو و هم تبلیغات شهری، پوشش خوبی از لحاظ اطلاع‌رسانی به ما دادند. مشکل بعدی، کوتاه بودن وقت نمایشگاه است. یک هفته کوتاه است و بعضی از مدارس نمی‌توانند حضور پیدا کنند.

از جمله نقاط قوت نمایشگاه این است که ما فرقی بین مدرسه‌ی دولتی و غیرانتفاعی نمی‌گذاریم. اعتقاد داریم که مدرسه‌ی غیرانتفاعی باری از دوش دولت برمی‌دارد.

شنیدیم که نظرسنجی هم داشته‌اید. نظرسنجی شما از بازدیدکنندگان نمایشگاه چگونه بوده است؟

ما به دو صورت و از دو دستگاه نظرسنجی کردیم. یکی خودمان نظرسنجی کردیم و دیگری «مرکز نظارت و بازرسی فرهنگی - هنری» به شیوه‌ی مستقیم این کار را انجام داد؛ یعنی از مدیر مدرسه سؤال می‌کند. همه‌ی این‌ها در سیستم ثبت می‌شود. ناگفته نماند، در سال ۱۳۸۷، ۸۶/۷ درصد از بازدیدکنندگان، از نمایشگاه رضایت داشتند.

گفت‌وگو با یوسف یعقوبی فر، مدیرعامل مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت

همه چیز درباره‌ی منادی تربیت



لطفاً ما را با تاریخچه‌ی مؤسسه‌ی منادی تربیت آشنا کنید.

■ بنده یوسف یعقوبی فر، مدیرعامل «مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت»، ناشر وابسته به معاونت پرورشی و تربیت‌بدنی آموزش و پرورش و مشاور معاون پرورشی هستم. مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت برای تحقق اهداف پرورشی تأسیس شده است و می‌کوشد در زمینه‌ی فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی گام‌های مؤثری بردارد. در این راستا به عنوان یک نشر وابسته به وزارت آموزش و پرورش، به تولید کتاب‌های دینی، تربیتی، پرورشی و اخلاقی می‌پردازد.

در حدود سه سالی که بنده در مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت حضور داشته‌ام، حدود ۳۰۰ عنوان کتاب تولید کرده‌ایم و گذشته از این، به تجدید چاپ کتاب‌ها پرداخته‌ایم.

منادی تربیت بعد از آمدن من، حدود ۱۷۰ عنوان کتاب تولید کرده است؛ یعنی هر سه روز یک عنوان کتاب جدید داشته‌ایم.



حضور شما در منادی تربیت چه امتیازاتی داشته است؟

■ در زمان حضور این حقیر، در زمینه‌ی کتاب و مطالعه و ارتقای نرخ مطالعه‌ی غیردرسی دانش‌آموزان و معلمان، گام‌های مؤثری برداشته شده است. در زمینه‌ی برگزاری نمایشگاه‌های کتاب، طرح ملی ده‌هزار نمایشگاه کتاب در ده هزار مدرسه و دو سال بعد، طرح سی‌هزار نمایشگاه در سی هزار مدرسه را برگزار کردیم. طی سه سال، برگزاری چهار دوره نمایشگاه را شاهد بودیم. این جای خوشبختی دارد. حدود ۵/۵ میلیارد تا ۷ میلیارد کتاب برای مدارس آموزش و پرورش کشور ارسال کردیم. در سال ۱۳۸۸، کتاب‌هایی که شورای بررسی ما برای دانش‌آموزان و معلمان مناسب اعلام کردند، ۹۰۵۰ عنوان بود که نسبت به سال قبل رشدی تقریباً ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد. از این تعداد ۲۷۲۶ عنوان مربوط به دوره‌ی ابتدایی، ۱۳۵۷ عنوان مربوط به دوره‌ی راهنمایی و ۴۹۲۲ عنوان مربوط به دوره‌ی متوسطه بوده است.

حضور ناشرین در نمایشگاه چگونه بوده است؟

■ تعداد ناشرین شرکت کننده در نمایشگاه در سال ۱۳۸۷، معادل ۴۰۶ ناشر بود، ولی در سال ۱۳۸۸، تعداد آن‌ها به ۴۸۵ مؤسسه رسید. این نشان‌دهنده‌ی اقبال ناشرین به مؤسسه‌ی منادی تربیت است. ما هیچ ممانعتی برای حضور ناشرین نداشته‌ایم. کتاب‌ها را براساس انتخاب استان‌ها ارسال می‌کنیم و به همین دلیل، استقبال استان‌ها از مؤسسه‌ی منادی تربیت بیشتر شده است. نکته‌ی مهم این است که در سال‌های گذشته ناشرین مدنظر بودند، اما در سال‌های اخیر کتاب مدنظر است و استان.

نحوه‌ی انتخاب کتاب‌ها برای هر استان چگونه است؟

■ ما فهرست کتاب‌ها را در اختیار مدارس و کارشناسان ادبی استان قرار می‌دهیم و آن‌ها هستند که براساس نیاز مدرسه‌ها انتخاب می‌کنند. بنا به گزارش‌هایی که می‌فرستند، تاکنون رضایت نسبی و بعضی رضایت کامل داشته‌اند.

منادی تربیت از چه سالی کار نشر را شروع کرد؟

■ از بدو تأسیس کار نشر را شروع کرد، البته به نام «انتشارات تربیت» و وظیفه‌ی تولید و تدوین کتاب‌های معاون پرورشی را برعهده گرفت.

سی‌هزار نمایشگاه کتاب در سی‌هزار مدرسه کشور

روند برپایی سی‌هزار نمایشگاه در سی‌هزار مدرسه چگونه است؟

■ در نیمه‌ی اول اردیبهشت ماه مقدمات فراخوان، را فراهم می‌کنیم. در جلسه‌ای با حضور

فهرست
کتاب‌ها را در اختیار
مدارس و کارشناسان
ادبی استان قرار می‌دهیم و
آن‌ها هستند که براساس
نیاز مدرسه‌ها انتخاب
می‌کنند

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۳۳



امسال
از بین ۲۳۸۰۰ عنوان
کتاب، ۹۰۰۵ کتاب برای
دانش آموزان مناسب
شناخته شد

اعضای هیئت مدیره مؤسسه فرهنگی منادی تربیت مطرح می‌کنیم که امسال می‌خواهیم طرح سی‌هزار نمایشگاه کتاب را برگزار کنیم. این موضوع را با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در میان می‌گذاریم و تفاهم‌نامه‌ای را امضا می‌کنیم. بعد از تصویب این طرح ملی که سی‌هزار نمایشگاه کتاب در سی‌هزار مدرسه برگزار شود، فراخوانمان را در نیمه‌ی اول تیرماه به روزنامه‌های کثیرالانتشار می‌دهیم. در این فراخوان اعلام می‌کنیم که کتاب‌های کودک و نوجوان سه سال اخیر را می‌پذیریم، البته در سال‌های اخیر کتاب‌های تجدید چاپ شده نیز داشتیم.

بعد از فراخوان، ناشرین یک نمونه از کتاب‌هایشان را به فروشگاه مرکزی منادی تربیت می‌آورند که مسئول تحویل کتاب‌هاست و کتاب‌ها را براساس موضوع طبقه‌بندی و چینش می‌کند. شورای بررسی وزارت آموزش و پرورش و کارشناس مسئول ادبی این وزارت‌خانه، از طریق رایزنی با افرادی که در حوزه‌ی کتاب‌شناسی خیره هستند، ظرف مدت ۲۰ روز کتاب‌های مناسب را به ما معرفی

می‌کنند.

امسال از بین ۲۳۸۰۰ عنوان کتاب، ۹۰۰۵ کتاب برای دانش‌آموزان مناسب شناخته شد. نمایشگاه متمرکزی در تبریز برپا کردیم و از کارشناسان ادبی و کتاب‌شناس هر استان دعوت کردیم تا ببینند و کتاب‌هایی را که مناسب منطقه و مدرسه‌شان است، انتخاب کنند. آن‌ها فهرستی از کتاب‌ها تهیه کردند و به ما تحویل دادند.

مسئولین منادی تربیت، پس از مرتب کردن فهرست‌ها و وارد کردن آن‌ها به سیستم رایانه‌ای، براساس برنامه‌ی تطبیقی که در سیستم وجود دارد، کتاب‌ها را «تیراژبندی» می‌کنند. امسال یک هفته قبل از برگزاری نمایشگاه کتاب، همه‌ی کتاب‌ها به استان‌ها فرستاده شدند و در معرض دید عموم قرار گرفتند.

انتشارات منادی تربیت چند عنوان کتاب برای نمایشگاه فرستاده است؟

■ ۳۰۰ عنوان کتاب.

از کتاب‌هایی که شما می‌فرستید، برای تجهیز کتاب‌خانه هم استفاده می‌شود؟

■ بخشی از کتاب‌های نمایشگاه که توسط دانش‌آموزان خریداری می‌شود. بخشی را نیز مسئولین مدرسه برای استفاده در کتاب‌خانه می‌خرند. اگر از کتاب‌های فرستاده شده مجدداً درخواست کنند، برای آن‌ها می‌فرستیم.

آیا منادی تربیت بر برگزاری نمایشگاه‌ها در مدارس هم نظارت دارد؟

■ خیر. اولاً، ما نیروی انسانی لازم را برای نظارت نداریم. ثانیاً، منادی تربیت مجری طرح است

و معاون پرورشی استان‌ها مسئولیت نظارت را برعهده دارد.
چرا با نهادهای داخلی آموزش و پرورش برای بهتر برگزار شدن نمایشگاه‌ها همکاری نمی‌کنید؟

■ بارها این بحث مطرح شده و تصمیماتی هم گرفته شده است؛ اما هیچ یک از سازمان‌ها در عمل به تصمیمات وفادار نمی‌مانند. ما همین پیشنهاد را به «انتشارات مدرسه» دادیم، اما بنا به دلایلی که داشتند، قبول نکردند.

کارشناسان انتخاب کتاب توسط چه سازمانی انتخاب می‌شوند؟

■ معاون پرورشی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش برای افراد زبده و خبره ابلاغیه می‌فرستد و شورای بررسی کتاب تشکیل می‌شود. دبیر این ستاد را وزارت آموزش و پرورش تعیین می‌کند.

معیارهای یک نمایشگاه استاندارد چیست؟

■ تعدد عناوین و متنوع بودن کتاب‌ها، و هم‌چنین تنوع ناشرین می‌تواند در برگزاری نمایشگاه استاندارد منطقه‌ای اثرگذار باشد.

۲۹۹۱

زمستان ۱۳۸۸

۳۵



قفسه‌ی کتاب‌های کمک آموزشی کجاست؟

آیا از کتاب‌های کمک آموزشی نیز در نمایشگاه استفاده

می‌شود؟

■ حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کتاب‌های نمایشگاه، کتاب‌های کمک آموزشی هستند. البته ناگفته نماند که حدود ۲۵ درصد هم به کتاب‌های کمک درسی اختصاص دارد. یعنی درصد کتاب‌های کمک درسی بیشتر از کمک آموزشی است.

بالاترین آمار فروش مربوط به چه نوع کتاب‌هایی است؟

■ سال گذشته کتاب‌های علمی رتبه‌ی اول و کتاب‌های مذهبی

و ادبیات داستانی به ترتیب رتبه‌ی دوم و سوم را به خود اختصاص دادند. امسال نیز کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان و داستانی بیشترین فروش را داشتند.

نحوه‌ی قرارداد شما با ناشرین

چگونه است؟

■ با ناشرین قرارداد نمی‌بندیم، بلکه

کتاب‌ها را به صورت امانت می‌گیریم. بعد از برگزاری نمایشگاه‌ها و این که استان‌ها پول کتاب‌ها را به ما دادند، ما نیز بدهی ناشرین را می‌پردازیم. لازم به ذکر است که امسال چند عامل باعث بدحسابی ما با ناشرین شد؛ از جمله هزینه‌ی اجاره‌ی انبار و دیگر هزینه‌های اجرایی طرح. در حال حاضر ما ۶۰ میلیون به ناشرین بدهکاریم و ۹۰ میلیون از استان‌ها طلب داریم. در اولین فرصت که طلبمان را گرفتیم، بدهی‌مان را تسویه می‌کنیم.

برای خرید کتاب از ناشر چند درصد تخفیف می‌گیرید؟ و این تخفیف چه می‌شود؟

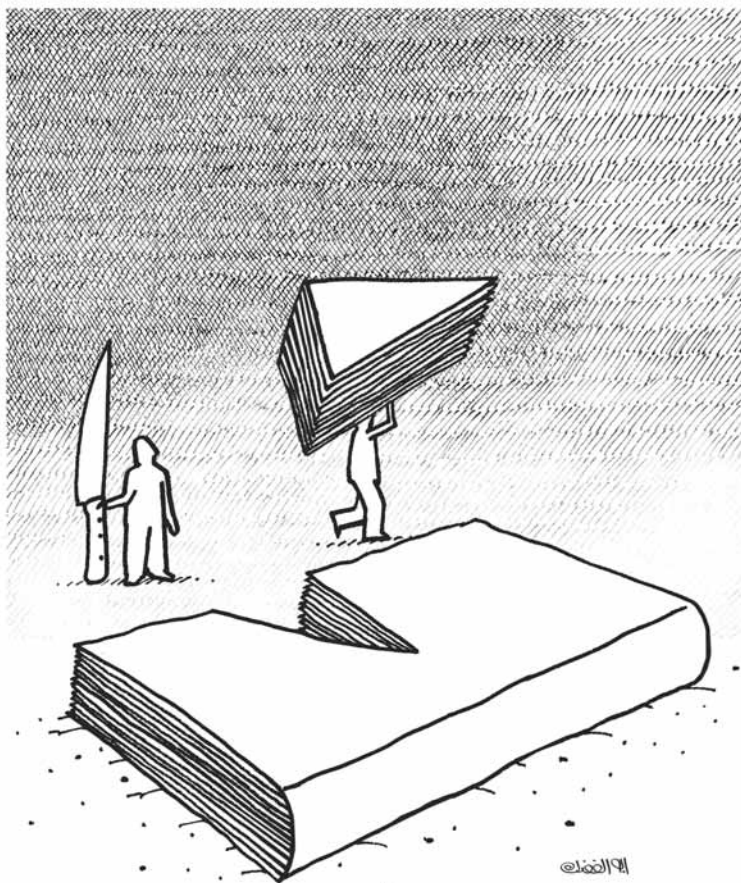
■ پایین‌ترین درصد تخفیف ۱۵ درصد و بالاترین آن ۴۰ درصد است. ۴۰ درصد تخفیف مربوط به کتاب‌هایی چون کتاب‌های مرجع، کتاب‌المیزان و فرهنگ‌نامه‌ها می‌شود. کتاب‌های «انتشارات علمی و فرهنگی» و «جهان رایانه» نیز تخفیف بالایی دارند. اما تقسیم‌بندی مبلغ حاصل از تخفیف‌ها به این ترتیب است که ۲۰ درصد به دانش‌آموزان برای خرید کتاب تخفیف می‌دهیم و ۱۲/۵ درصد حق‌الزحمه‌ی عوامل اجرایی است که در کل ۳۲/۵ درصد می‌شود.

تعداد کارکنان منادی تربیت ۲۳ نفر است. برگزاری نمایشگاه، از زمان فراخوان تا اجرای کامل طرح، هزینه‌ی زیادی را در برمی‌گیرد و فقط ۷/۵ درصد برای ما می‌ماند. همان‌طور که می‌بینید، برای مجری طرح، اجرای سی‌هزار نمایشگاه در سی‌هزار مدرسه مقرون به صرفه نیست. البته ناگفته نماند که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هزینه‌ی ۱۰ درصد از حجم عملیات را می‌پردازد.

جمعی از ناشرین به بالا بودن درصد تخفیف اعتراض دارند. چون می‌گویند از آن‌ها تخفیف بالا می‌خواهند، کتاب‌های مفیدشان را در نمایشگاه عرضه نمی‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

■ این اعتراض را وارد می‌دانم. باید بگویم که ناشران کتاب خوب و مناسب را ارائه می‌دهند، ولی هنگام تحویل، تعداد مورد نیاز ما را تأمین نمی‌کنند. کتاب خوب همان روزهای اول فروخته می‌شود و اگر تعداد بیشتری بخواهیم، ناشر نمی‌دهد. در عین حال، بعضی از کتاب‌های خوب هم اصلاً به نمایشگاه نمی‌آید؛ مثلاً کتاب گران‌قیمت، و ما نمی‌توانیم کتاب گران‌قیمت را در کارتن ۱۰۰ عنوانی کتاب قرار دهیم، زیرا چنین کتابی جای ۲۰ عنوان کتاب را می‌گیرد.

در هر حال، ما می‌کوشیم کتاب‌هایی را به جامعه‌ی دانش‌آموزی ببریم که براساس نیاز دانش‌آموزان و در راستای تحقق اهداف وزارت آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت اسلامی باشد.



۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۳۷

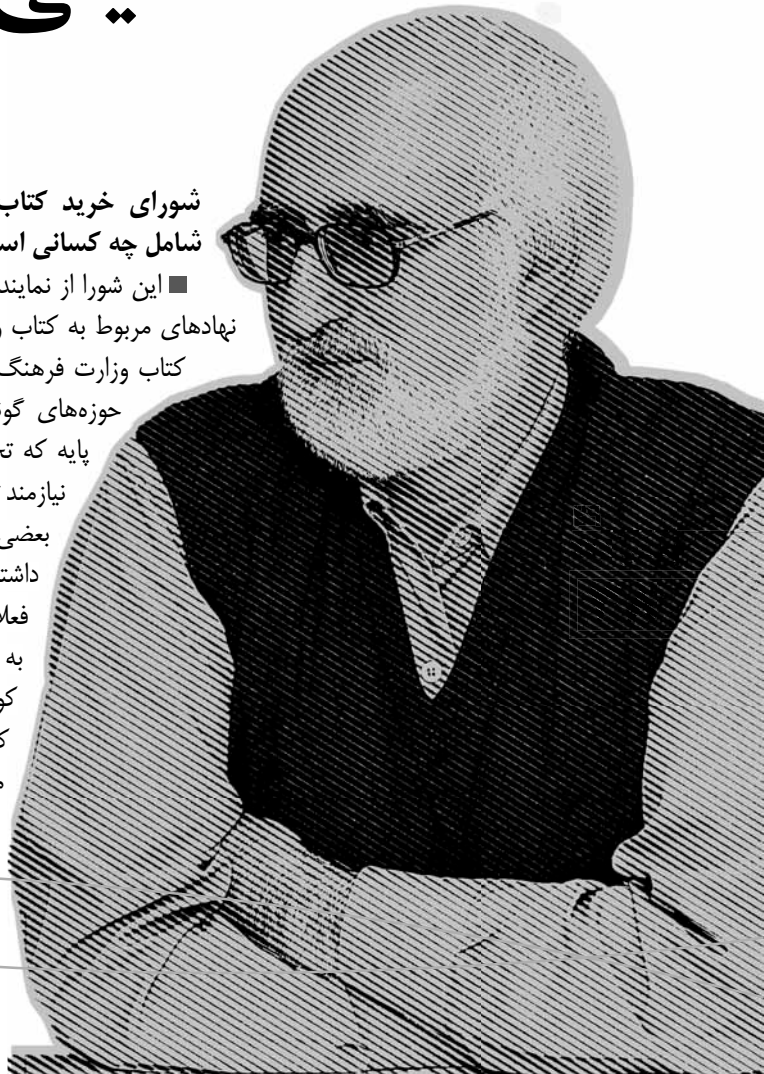
ابو القاسم

گفت‌وگو با جواد محقق، مسئول شورای خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کتاب‌های کمک‌درسی «حمایتی» نیستند

شورای خرید کتاب وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی
شامل چه کسانی است؟

■ این شورا از نمایندگان انجمن‌های نویسندگان، نمایندگان نهادهای مربوط به کتاب و کتابخانه، برخی از مسئولان حوزه‌ی کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز کارشناسانی در حوزه‌های گوناگون، اعم از علوم انسانی، تجربی و پایه که تخصص‌های ویژه دارند و انتخاب کتاب نیازمند تخصص آن‌هاست تشکیل شده است. در بعضی دوره‌ها، ناشران هم در این شورا نماینده داشتند که هرچند ماه یک‌بار تغییر می‌کرد و فعلاً بنا به دلایلی حذف شده است. بنده هم به عنوان نماینده‌ی «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان» به شورا معرفی شدم که پس از مدتی با رأی‌گیری دیگر اعضا مسئولیت آن برعهده‌ام قرار گرفت.



اعضای شورا نماینده‌ی کدام نهادها هستند؟

■ بعضی از اعضا ثابت نیستند و به تناسب نیازهایی که پیش می‌آیند، به شورا دعوت می‌شوند تا طبق تخصصشان، علمی بودن کتاب‌ها را برای خرید تأیید کنند. اما اعضای ثابت شامل نماینده‌ی کتابخانه‌های مساجد، نماینده‌ی کتابخانه‌های قرآنی، نمایندگان تشکل‌های مربوط به نویسندگان (مشخصاً انجمن قلم و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان) و تعدادی از مسئولان ادارات مربوط به کتاب معاونت فرهنگی. تا چندی قبل هم نهاد کتابخانه‌های عمومی نیز در شورا نماینده داشت، اما در حال حاضر جزو مجموعه‌ی ما نیستند و خودشان مجزا خرید می‌کنند. البته این نمایندگان گاهی تغییر می‌کنند اما نمایندگی هم‌چنان پابرجاست.

هم‌چنین، از حدود یک‌و‌سال نیم پیش قرار بر این شد که هزینه‌ی خرید کتاب‌های حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌های دانشگاهی هم به خودشان پرداخت شود. هر چند در این روش ممکن است تیم‌هایی که به انتخاب کتاب گمارده می‌شوند، به بازار کتاب اشراف نداشته باشند، اما در هر صورت اعتقاد بر این بود که آن‌ها زمینه‌ی تخصصی و کتاب‌های مورد نیازشان را بهتر می‌شناسند. به همین دلیل هم بودجه‌ی خرید کتاب به خودشان پرداخت شد.

روند انتخاب کتاب‌ها در شورا چگونه است؟

■ قبل از این که بنده مسئول شورا بشوم، تقریباً همه‌ی کتاب‌ها توسط نمایندگان همه‌ی نهادهای گفته شده ملاحظه و انتخاب و خریداری می‌شد. اما به نظر من این روش ایراداتی داشت؛ از جمله نبود نگاه تخصصی در انتخاب کتاب‌ها، به همین دلیل از زمانی که بنده مسئولیت شورا را به عهده گرفتیم، در نحوه‌ی انتخاب کتاب تغییراتی ایجاد کردم.

یکی از این تغییرات، تقسیم کار و بررسی تخصصی کتاب‌هاست. به این معنی که کتاب‌های حوزه‌های متفاوت را متخصصان و کارشناسان همان حوزه بررسی می‌کنند و با توجه به تخصص، تحصیلات، اطلاعات کتاب‌شناسی و شناختی که از نویسنده و ناشر دارند، دست به انتخاب کتاب برای کتابخانه‌ها می‌زنند. یعنی حالا هر موضوع کارشناس خودش را دارد. مثلاً کتاب‌های پزشکی توسط یکی از استادان دانشکده‌های پزشکی بررسی می‌شود یا کتاب‌های قرآنی را مسئول کتابخانه‌های قرآنی کشور که دکترای علوم قرآنی است بررسی می‌کند. به همین ترتیب کتاب‌های حوزه‌های دیگر هم توسط دست‌اندرکاران همان حوزه بررسی و انتخاب می‌شود.

علاوه بر این، گاهی قراردادهایی میان وزارت ارشاد و برخی نهادها اعم از دانشگاه‌ها، مساجد، مؤسسات فرهنگی و ... منعقد می‌شود که برای برگزاری جشنواره، مسابقه یا فعالیت دیگری که

کتاب‌های

حوزه‌های متفاوت را

متخصصان و کارشناسان

همان حوزه بررسی می‌کنند و

با توجه به تخصص، تحصیلات،

اطلاعات کتاب‌شناسی و شناختی

که از نویسنده و ناشر دارند،

دست به انتخاب کتاب

می‌زنند

دارند تعداد قابل توجهی کتاب هدیه شود. در این صورت هم با توجه به قرارداد منعقد شده بین ارشاد و نهاد مربوطه، کتاب‌ها توسط شورا انتخاب و خریداری می‌شوند.

تغییرات شورای خرید کتاب

درباره‌ی تغییرات دیگری که بعد از مسئولیت شما در شورا ایجاد شده است

هم توضیح بدهید.

■ از دیگر تغییراتی که ایجاد شد، خرید از ناشران دولتی بود. قبل از مسئولیت بنده، فقط از ناشران بخش خصوصی کتاب خریداری می‌شد. به نظر من این روش هم اشتباه بود. به این دلیل که بخشی از بهترین کتاب‌های ما در حوزه‌های گوناگون، توسط ناشران دولتی منتشر می‌شود. مثلاً در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، «کانون پرورش فکری کودک و نوجوان»، «انتشارات مدرسه»، «منادی تربیت»، در زمینه‌ی کتاب‌های دانشگاهی، «انتشارات سمت»، در زمینه‌ی علوم دینی انتشارات حوزه‌ی علمیه و دفتر تبلیغات اسلامی یا بوستان کتاب و چند ناشر دیگر، بهترین کتاب‌های حوزه‌ی خودشان را منتشر می‌کنند. با خرید نکردن از این ناشران، مخاطبان ما از بخشی از بهترین کتاب‌های منتشر شده در کشور محروم می‌شدند. در حالی که حتی مخاطب کتاب‌خوان ماست که بهترین‌ها و مناسب‌ترین‌های عرصه‌ی تولید کتاب را در کتاب‌خانه‌ها بیابد. به خصوص که بسیاری از ناشران بخش خصوصی، به علت کم‌توانی فنی و مالی، ممکن است نتوانند کتاب‌های پرهزینه را منتشر کنند. با توجه به این دلایل، این قاعده را با گفت‌وگوهایی که با معاونت فرهنگی وزارت ارشاد داشتیم، تغییر دادیم و حوزه‌ی ناشران را عام‌تر و گسترده‌تر کردیم.

تغییر عمده‌ی دیگری که ایجاد شد، در رابطه با مراجعه‌ی ناشران به شورا بود. در گذشته ناشران برای ارائه‌ی آثارشان شخصاً به شورا مراجعه می‌کردند و همین موضوع، باب گفت‌وگوهای بعضاً نامطلوب، ارتباطات خاص و گاهی اصطکاک‌ها را پیش می‌آورد. از سوی دیگر، طبیعتاً ناشری که بیشتر مراجعه می‌کرد، کارش پیش می‌افتاد. در حالی که برخی ناشران، به خصوص آنان که در شهرستان‌ها بودند، کمتر می‌توانستند مراجعه کنند. به همین دلیل ممکن بود کتاب‌هایشان کمتر در معرض دید و توجه باشند در نتیجه دوباره کتاب‌ها برای بررسی به شورا فرستاده می‌شد. برای جلوگیری از این قضیه و احقاق حق ناشرانی که در شهرستان‌ها بودند یا کمتر مراجعه می‌کردند؛ به عنوان سومین تغییر شورای خرید را هم منتفی کردیم. در حال حاضر کتاب‌ها مستقیماً از

کتاب‌ها
مستقیماً از ناشران
تحویل گرفته نمی‌شوند.
از همان سهمیه‌ای که برای
وزارت ارشاد ارسال می‌کنند، یک
نسخه هم به شورا فرستاده
می‌شود و مورد بررسی قرار
می‌گیرد

ناشران تحویل گرفته نمی‌شوند. از همان سهمیه‌ای که برای وزارت ارشاد ارسال می‌کنند، یک نسخه هم به شورا فرستاده می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ضمن قبل از مسئولیت بنده، شورا فقط کتاب‌های چاپ اول همان سال را می‌خرد. تغییر دیگری که من ایجاد کردم این بود که به صورت موردی، از کتاب‌های چاپ سال‌های قبل هم خریداری می‌کنیم. مثلاً زمانی که کتابخانه‌ی جدیدی تأسیس می‌شود، ما از کتاب‌های چاپ سال‌های قبل هم مقداری برایشان خریداری می‌کنیم. در غیر این صورت، از بسیاری از کتاب‌های خوب سال‌های قبل محروم می‌مانند.

بعضی چون از موضوع مطلع نیستند، گاهی شورا را متهم می‌کنند که از بعضی ناشران، کتاب‌های قدیمی می‌خرند. در حالی که این کار قانونی است، و برای غنی کردن کتابخانه‌های تازه تأسیس انجام می‌شود.

هم‌چنین است خرید کتاب‌های خسارتی از ناشرانی که به علت حادثه‌هایی مثل آتش‌سوزی یا آب‌گرفتن انبار و ... نیازمند بازسازی خودشان هستند.

میزان خرید هر کتاب چگونه تعیین می‌شود؟

■ تعیین تعداد کتاب برعهده‌ی نمایندگان نهادهای عضو شورا است. به این صورت که به تناسب کتابخانه‌های تحت پوششان، کتاب انتخاب می‌کنند. گاهی ممکن است همه‌ی اعضا از یک کتاب سفارش بدهند، که طبیعی است در این صورت تعداد بیشتری از آن کتاب خریداری می‌شود که البته باز برخی به علت ناآگاهی، شورا را به ارتباطات خاص با برخی ناشران متهم می‌کنند.

در هر صورت خرید همه‌ی کتاب‌ها به یک اندازه نیست. مثلاً کتاب‌های حوزه‌ی کودک و نوجوان، به علت گستردگی مخاطب، بیشتر خریداری می‌شوند. ولی از یک کتاب فنی یا پزشکی خاص، چون مخاطب عمومی ندارد، طبیعتاً خرید محدودتری صورت می‌گیرد. علاوه بر این‌ها، گاهی وزارت ارشاد طبق قرارداد یا توافق، از طرح‌هایی که نیازمند کتاب هستند، حمایت می‌کند. به این ترتیب که نهادی طرحش را در ارشاد توجیه می‌کند و شورا نیز با توجه به نیاز آن نهاد، برای خرید کتاب اقدام می‌کند.

مهجوری تعریف کتاب کمک آموزشی

کتاب‌های آموزشی در خریدهای شورا چه جایگاهی دارند؟

■ من معتقدم که اصلاً کتاب غیرآموزشی نداریم و هر کتابی به نوعی مطلبی را آموزش می‌دهد. ما هنوز در کشور تعریف درستی از کتاب آموزشی نداریم. یعنی وقتی می‌گوییم کتاب آموزشی، غالباً منظورمان کتاب کمک‌درسی است؛ یعنی کتابی که محتوایی نزدیک به کتاب

درسی دارد. مثل تست یا حل المسائل.

در هر صورت، شورا معمولاً کتاب‌های کمک‌درسی را نمی‌خرد و این‌گونه کتاب‌ها در زمره‌ی کتاب‌های حمایتی وزارت ارشاد نیستند. اما سال گذشته، بنا به تقاضای نهاد کتابخانه‌های مساجد کشور، مبنی بر خرید کتاب‌های کمک‌درسی به خصوص در حوزه‌ی دبیرستان، وزارت ارشاد رقمی حدود سه میلیارد تومان را به این امر اختصاص داد.

این نهاد استدلال می‌کرد که مراجعه‌ی تعدادی از دانش‌آموزان به کتابخانه‌هایشان، برای استفاده از این‌گونه کتاب‌هاست و اگر بتوانیم این نیاز دانش‌آموزان را در کتابخانه‌ها برطرف کنیم، دانش‌آموزان به تدریج با کتاب و کتابخانه هم انس می‌گیرند و مراجعه‌ی آن‌ها به کتابخانه مستمر می‌شود.

با این که من مخالف این خرید بودم و تا مدتی هم فهرست کتاب‌ها را به عنوان مسئول شورا، امضا نکردم، اما چون قرارداد بسته شده بود و قرار هم نبود این کار تداوم پیدا کند، نهایتاً خرید انجام شد.

کتاب‌های کمک‌آموزشی را هم که مستقیماً به کتاب‌های درسی مرتبط نیستند، اما به صورت غیرمستقیم در جهت تمهید و گسترش برنامه‌ی درسی هستند، در همان طرح خریدهای شورا برای کودکان و نوجوانان تهیه می‌کنیم.

چرا شما با خرید کتاب‌های کمک‌درسی مخالف بودید؟

■ من معتقدم اگر کسی به این کتاب‌ها نیاز داشته باشد، نیازش تمام وقت است و نمی‌تواند کتاب را فقط برای یک هفته از کتابخانه به امانت بگیرد. برای مثال، اگر کتاب تست باشد، باید تست هر درس را هم‌زمان با همان درس زد که لازمه‌اش همراه داشتن یک‌ساله کتاب است و گاه این اتفاق هم داخل خود کتاب‌ها می‌افتد. یعنی کتاب دست خورده می‌شود و خلاصه برای نفر بعدی چندان قابل استفاده نخواهد بود. هم‌چنین، بسیاری از کتاب‌هایی که به عنوان کتاب کمک‌درسی منتشر می‌شوند، از نظر کارشناسان جدی آموزش و پرورش، برای آموزش مضر قلمداد می‌شوند. من مایل نبودم که به عنوان یک معلم، در این کار کمک کرده باشم.

«رشد» در شورا

آیا شورای خرید کتاب وزارت ارشاد، در زمینه‌ی خرید کتاب‌های برگزیده‌ی جشنواره‌ی رشد برنامه‌ی خاصی دارد؟

■ قاعده‌ی کلی شورا، خرید کتاب‌های برگزیده‌ی جشنواره‌های گوناگون وزارت ارشاد مثل کتاب سال و کتاب فصل کتاب جلال و پروین و ... است که به تناسب نوع و رشته‌ی کتاب،

خریداری می‌شود. با وجود این که شورا از لحاظ قانونی موظف نیست که جشنواره‌های دیگر را پوشش بدهد، اما در حال حاضر این قاعده به جشنواره‌های دیگر نیز تسری پیدا کرده است. یعنی شورا کتاب‌های دیگر جشنواره‌ها را هم تا آن‌جا که منافی مبانی فرهنگی کشور نباشند، خریداری می‌کند.

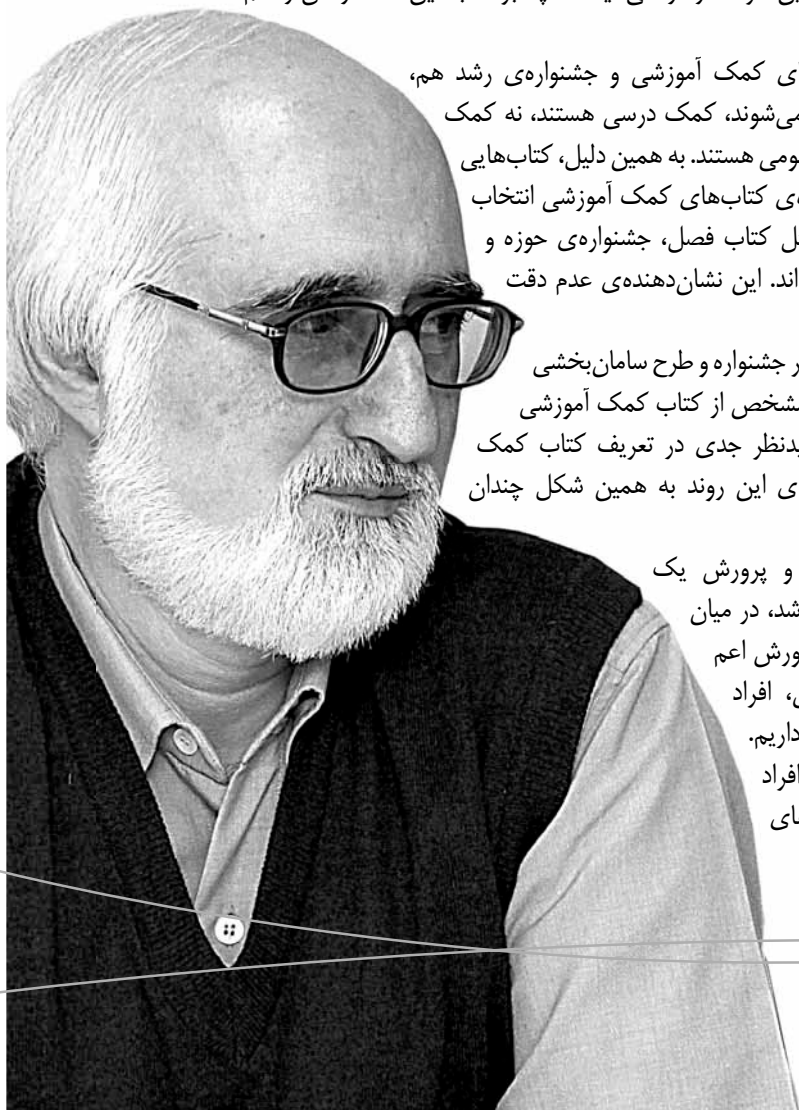
از نظر شما، به کار طرح سامان‌بخشی و جشنواره‌ی رشد چه اشکالاتی وارد است که باید حل شوند تا این طرح تأثیر بهتری بگذارد؟

■ حوزه‌ی کتاب‌های کمک درسی و فراتر از آن، کتاب‌های کمک آموزشی، حوزه‌ی پول‌سازی است. به همین دلیل هم اغلب کسانی که دنبال سود بردن هستند، به نوعی از این بازار سوء استفاده می‌کنند. میدان دادن به این افراد کار درستی نیست، چه برسد به این که آثارشان را هم بخریم.

در طرح سامان‌بخشی کتاب‌های کمک آموزشی و جشنواره‌ی رشد هم، بخشی از کتاب‌هایی که انتخاب می‌شوند، کمک درسی هستند، نه کمک آموزشی. گاهی حتی کتاب‌های عمومی هستند. به همین دلیل، کتاب‌هایی که در دوره‌های گوناگون جشنواره‌ی کتاب‌های کمک آموزشی انتخاب شده‌اند، در جشنواره‌های دیگر مثل کتاب فصل، جشنواره‌ی حوزه و دیگر جشنواره‌ها هم انتخاب شده‌اند. این نشان‌دهنده‌ی عدم دقت در تحدید موضوع است.

من معتقدم مهم‌ترین نقدی که بر جشنواره و طرح سامان‌بخشی وارد است، همین نداشتن تعریف مشخص از کتاب کمک آموزشی است. به نظر می‌آید، زمان تجدیدنظر جدی در تعریف کتاب کمک آموزشی فرا رسیده است و ادامه‌ی این روند به همین شکل چندان مقبول نیست.

پیشنهاد می‌کنم که آموزش و پرورش یک گروه کتاب‌شناسی جدی داشته باشد، در میان جمعیت دست‌اندرکار آموزش و پرورش اعم از کارشناسان، مؤلفان و معلمان، افراد کتاب‌خوان و کتاب‌شناس خوبی داریم. می‌توان گروه چندنفره‌ای از این افراد را شناسایی کرد که با معیارهای



بسیار دقیق، اولویت‌های جشنواره، نمایشگاه‌های کتاب، خرید وزارت ارشاد برای مدارس و دیگر فرصت‌ها را تعیین کنند.

آیا شورای خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به طور اختصاصی برای کتاب‌خانه‌های مدارس هم خرید می‌کند؟

■ در سال تحصیلی گذشته، طبق قراردادی که معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، با وزارت آموزش و پرورش بسته بود، قرار شد از ۳۰ میلیارد تومان بودجه‌ی خرید کتاب، پنج میلیارد تومان کتاب، برای کتاب‌خانه‌های مدارس خریداری شود. اما متأسفانه وزارت آموزش و پرورش در استفاده از این بودجه ناتوان عمل کرد. یعنی ساز و کار اداری-اجرایی که می‌باید از این فرصت استفاده می‌کرد، درست عمل نکرد.

من در آن زمان مسئول کتاب «دفتر انتشارات کمک آموزشی» و نیز مسئول شورای خرید وزارت ارشاد بودم. اما با وجود تلاش‌هایی که کردم، نتوانستم ترتیبی بدهم که خرید مناسبی صورت بگیرد. در نهایت بعد از همه‌ی گفت‌وگوها و اعتراض‌ها، دوستانی معرفی شدند که در یک فرصت محدود و از روی فهرست کتاب بدون این‌که آن‌ها را ببینند، انتخاب کردند!

یکی از ضعف‌های این روش آن بود که دوستان از کمیت و کیفیت کتاب آگاه نمی‌شدند و صرفاً از روی نام کتاب و با حدس و گمان انتخاب می‌کردند. این روش ضعف دیگری هم داشت. ما برای این‌که بدانیم از هر کتاب چند نسخه و برای کجا می‌خواهیم، باید از عدد و رقم مدارس و نیازهای کتاب‌خانه‌های مدارس مطلع می‌بودیم که چنین نبود. سرانجام از پنج میلیارد تومان بودجه‌ی اختصاص داده شده به کتاب‌خانه‌های مدارس، سه میلیارد تومان کتاب خریداری شد، اما با این کیفیتی که گفتیم.

می‌بینید که مشکل همیشه پول و بودجه نیست و گاهی هم ضعف مدیریت و نداشتن سازوکار مناسب است.

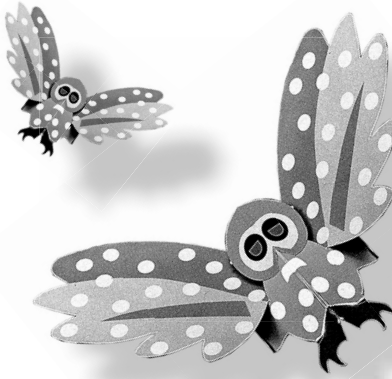


© الففول

۲۹۹۱۹۲

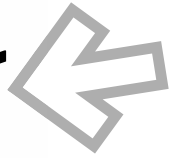
زمستان ۱۳۸۸

۴۵



کودکان پیش دبستانی

و گونه‌های کتاب آموزشی (بخش ۱)



جمال‌الدین اکرمی

اشاره

آموزش دوران پیش‌دبستانی در آمادگی‌ها و مهدکودک‌های ایران، به گمان بسیاری از کارشناسان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، کامل‌ترین دوره‌ی آموزش کودک ایرانی (به مفهوم استمرار دوران کودکی تا ۱۸ سالگی) به شمار می‌رود؛ کودکانی که حداقل ۱۲ سال از دوران آموزش خود را در دبستان، راهنمایی، دبیرستان و ... پشت نیمکت‌های پرمشق و تکلیف می‌گذرانند.

نخستین دلیل برجستگی روند آموزش و پرورش پیش‌دبستانی در ایران را باید حضور مدیریت غیردولتی در کنار مدیریت دولتی، هم‌چون آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی قلمداد کرد. مدیریت خصوصی، در زمینه‌ی انتخاب و جای‌گزینی کتاب‌های مورد نیاز خود، آزادی عمل بیشتری داشته است؛ امکانی که به فراخور آن، دست ناشران خصوصی را نیز در این رویکرد باز گذاشته است. گذشته از نگاه کیفی به کتاب‌های موجود در بازار کتاب، امکان رقابت نیز شرایطی را فراهم آورده است تا تنوع کتاب‌های آموزشی و غیر آن در این زمینه، بیشتر و فراگیرتر باشد.

دلیل دیگر این ادعا را باید در روش آموزش، یا به اصطلاح امروزی آن «فراگیری» مفاهیم موردنظر در مراکز پیش‌دبستانی جست‌وجو کرد؛ نهادهایی که در انتخاب روش‌های فراگیری نیز، به فراخور انتخاب کتاب و ارتباط‌های کاربردی آن، از آزادی عمل بیشتری نسبت به مدارس برخوردار هستند و منتظر تصمیم‌گیری نهادهای دولتی نمی‌مانند. این امکان به مدیریت خصوصی اجازه داده است، از کاربردی‌ترین روش‌ها در کار تعلیم و تربیت کودکان پیش‌دبستانی بهره گیرد.

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۴۶

تدوین «واحدهای کار»، در حال حاضر در دورترین و کوچکترین مراکز پیش‌دبستانی نیز به رسمیت شناخته شده است و استفاده از بازی و هنرهای کاربردی در گونه‌های متفاوت آن، به عنوان ابزاری شوق‌انگیز و کودک‌پسند برای فراگیری اهداف واحدهای کار، ناگزیر جلوه می‌کند. امکان بهره‌جویی از رویکردهای هنری در گونه‌های متفاوت نقاشی، نمایش، سرگرمی‌های سازنده (کاردستی)، سفالگری و حتی موسیقی، که امکان بهره‌گیری از آن‌ها در شرایط امروز آموزش و پرورش ما بسیار محدود است، به مدیریت این نهادها اجازه داده است، از کاربردی‌ترین روش‌های ممکن در گسترش فراگیری مفاهیم در میان کودکان بهره‌جویند؛ امکانی که پس از حضور کودک در دبستان، و سپس مدرسه‌ی راهنمایی و دبیرستان، به حداقل می‌رسد و بهره‌گیری از مفاهیم نظری به شیوه‌های مدرسه‌ای و مشق و نیمکت و تخته سیاه، کودک را در حصارهای خشک و قدیمی آن اسیر می‌کند؛ روشی که حتی در آموزش دانشگاهی ما نیز کم‌وبیش دنبال می‌شود.

جایگاه کتاب در فرایند آموزش پیش‌دبستانی

تنوع کتاب‌های منتشر شده توسط ناشران خصوصی، هرچند امکان بهره‌جویی‌های غیراستاندارد و غیرکیفی را نیز به دنبال داشته. اما فقیرترین و سودجوترین ناشر کتاب‌های پیش‌دبستانی را نیز مجبور به قدم گذاشتن در عرصه‌ی رقابت و پیروی از «واحدهای کار» و استفاده از رویکردهایی چون: رنگ‌آمیزی، نمونه‌سازی، دست‌ورزی، و فراگیری مهارت‌هایی چون: سامان‌دهی، مفاهیم قیاسی، شکل‌های هندسی، تضادها و غیره کرده و تولید مجموعه کتاب‌هایی چون: الفبا آموز، زبان آموز، عددآموز، رنگ‌آموز و غیره را در دستور کار آن‌ها قرار داده است.

با این امید که فعالیت‌های دولتی تنها در راستای تقویت و کیفیت بخشی به تلاش‌های مدیران، مربیان و ناشران سخت‌کوش در این زمینه به کار گرفته شود، نه تضعیف و محدود کردن آزادی عمل آنان، در این جا به جایگاه کتاب‌های آموزشی و گونه‌های آن در روند آموزش پیش‌دبستانی پرداخته می‌شود.



گوناگونی کتاب‌های پیش‌دبستانی

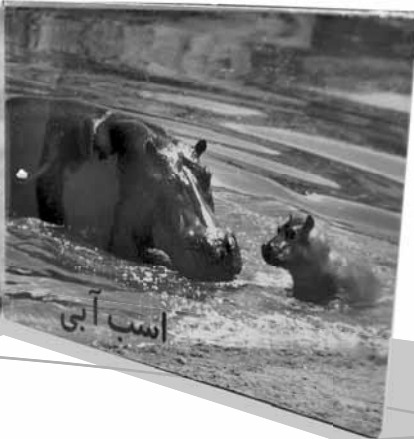
کتاب‌های کودکان، به فراخور ارزش‌گذاری متن و تصویر، به دو گونه‌ی فراگیر: «کتاب‌های مصور»^۱ و «کتاب‌های تصویری»^۲ تقسیم می‌شود.

در کتاب‌های مصور، بار اصلی پیام کتاب به عهده‌ی متن است و تصویر کامل‌کننده‌ی عناصر محتوایی متن به شمار می‌رود. وجود متن‌های نسبتاً طولانی در کتاب‌های مصور سال‌های پایانی دبستان یا نوجوانان، ضرورت و کارایی تصویر را کاهش می‌دهد. در کتاب «کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن»، اثر ثریا قزل ایاغ، استاد و پژوهشگر ادبیات کودکان می‌خوانیم: «در کتاب مصور، تصویرها نقش محوری ندارند، بلکه برای متن، نقش آن‌ها تکمیل‌کننده است.»

اما در کتاب‌های تصویری، بار اصلی روایت به عهده‌ی تصویر است. در این‌گونه کتاب‌ها یا متنی دیده نمی‌شود و یا تنها برای کامل کردن تصویر به کار می‌آید. کودک در این‌گونه کتاب‌ها، اصطلاحاً «تصویرخوانی» می‌کند و از راه پی‌گیری رویدادهای شکل گرفته در تصویرهای پیاپی، «پیرنگ» متن را درمی‌یابد. پری نودلمن، منتقد ادبیات کودکان، معتقد است: «کتاب تصویری کتابی است که از طریق مجموعه‌ای از تصاویر مرتبط به هم یا متنی کوتاه، یا بدون متن قصه‌گویی می‌کند یا اطلاعاتی را منتقل می‌سازد»^۳ [قزل ایاغ].

یگی والن - لویت (۱۹۸۴) معتقد است نخستین واکنش بیشتر خردسالان به کتاب تصویری، به طور عمده فیزیکی است؛ مانند زمانی که کودک اندازه، شکل، بافت و بخش‌های متحرک یک جسم ناآشنا را مورد بررسی قرار می‌دهد. کودک ممکن است برای شناختن کتاب، آن را در دهانش بگذارد و یا حتی آن را سر و ته ورق بزند [نورتون].

در کتاب تصویری «سلام»، اثر پرویز کلانتری، کودک در هر مرحله افرادی را سرگرم کار می‌بیند و در هر تصویر بعدی با نمایی روبه‌رو می‌شویم که کودک با گفتن «سلام!» نگاه آن‌ها را متوجه‌ی خود می‌سازد. اشاره به مفهوم سلام و ایجاد ارتباط با دیگران، یک مفهوم آموزشی است که کتاب با تصویرهای پی‌درپی، به هدف فراگیری آن نزدیک می‌شود.



• نمونه‌ای از کتاب واشو (POP-UP)



در کتاب تصویری «چه می‌بینم، چه هست؟» اثر ماریا انریکو آگوستینلی، کودک نخست با تصویرهایی نیمه‌تمام از پدیده‌های متفاوت روبه‌رو می‌شود. سپس با دیدن هر کدام از تصویرها، حدس‌هایی در مورد ماهیت تصویر می‌زند و در صفحه‌ی بعدی با تصویر تمام‌نمای آن روبه‌رو می‌شود و مفهوم آموزشی کتاب را در مورد شناخت جانوران دنبال می‌کند.

«تصویرخوانی»، مهم‌ترین ویژگی کتاب‌های تصویری است. فرایندی که کودک را پیش از خواندن متن احتمالی کتاب، به فضاسازی‌ها و شخصیت‌های تصویری علاقه‌مند می‌سازد و غالباً در انتخاب کتاب دل‌خواهش تأثیر می‌گذارد.

کتاب‌های تصویری، به ویژه کتاب‌های بدون متن^۴ یا با متن کم^۵، نخستین کتاب‌هایی هستند که در دسترس کودکان قرار می‌گیرند. «کتاب‌های مقوایی»^۶ با تصویرهای بزرگ و جزئیات کم، کودکان خردسال را با شکل کلی حیوانات و پدیده‌ها آشنا می‌سازند. «کتاب‌های حمام»^۷ فرصتی پیش می‌آورد تا کودک هنگام آب‌بازی‌های خود، کتاب را نیز به بازی بگیرد و تصویرهای کتاب را هم‌بازی‌های خود بینگارد. تصویرهای کتاب «واشو» (پاپ‌آپ)، با گشوده شدن صفحات کتاب، از میان آن بیرون می‌زنند و باورپذیری کودکان خردسال را در پذیرش ابعاد فضایی داستان افزایش می‌دهند.

تصویرهای برجسته در کتاب‌های پارچه‌ای و حسی-لمسی، فرصتی برای کودک پیش می‌آورند تا از طریق لمس کردن، بافت واقعی اشیاء و بدن جانوران را دریابد. کتاب‌های اسباب‌بازی «کتاب-بازی‌ها» نیز فرایند کتاب‌خوانی و تصویرخوانی کودک را با رویدادهای بازی‌گونه و سرگرم‌کننده دنبال می‌کنند. در کتاب‌های زبانه‌ای متحرک که نوعی کتاب-بازی هستند، کودک با کشیدن یک زبانه، رویدادهای تازه‌ای در تصویر پدید می‌آورد و خود را در تغییر وضعیت روایت متن شریک می‌کند. هم‌چنین، کودکان در خانه، مهدکودک و آمادگی‌ها فرصتی به دست می‌آورند تا با ورق زدن کتاب‌های عددآموز، الفبای آموز و کتاب‌های مفهومی، دانش‌های تازه‌ای به دست آورند. گوناگونی شکل در فرایند تولید کتاب‌های تصویری برای خردسالان و کودکان، از چنان جلوه‌ها و تنوعی برخوردار است که هیچ کودکی توان چشم‌پوشی از کتاب را ندارد. تنوع قطع و

کاربرد کتاب‌های امروز، به کودک این امکان را می‌دهد که در هر کدام آن‌ها، سلیقه‌ی تازه‌ای را برگزیند و به آن دل ببندد. بازدید کوتاهی از غرفه‌ی کتاب‌های تصویری کشورهایی چون تایوان و کره در نمایشگاه سالانه و بین‌المللی بولونیای ایتالیا و فرانکفورت آلمان، تنوع بی‌شمار و زیبایی خیره‌کننده‌ی این گونه کتاب‌ها را به نمایش می‌گذارد.

در این‌جا به گونه‌هایی از کتاب‌های تصویری برای کودکان، به ویژه کودکان پیش‌دبستانی، اشاره می‌شود.

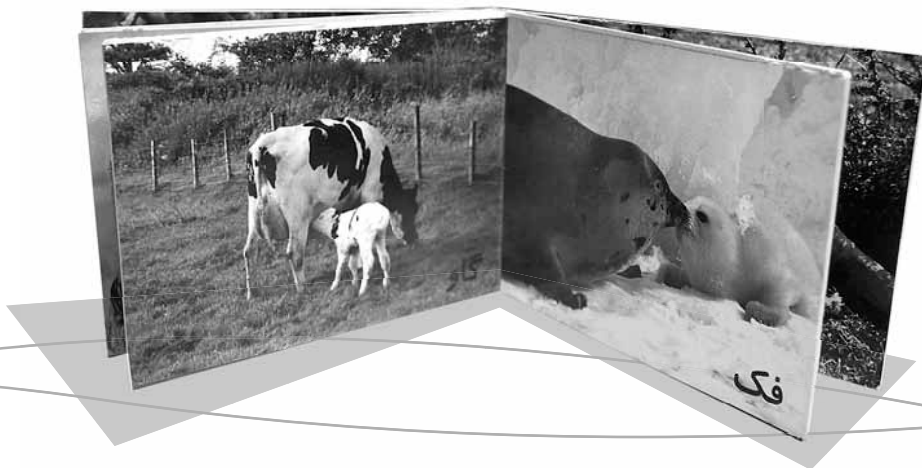
کتاب‌های مقوایی^۸

این گونه کتاب‌ها با تصویرهای بزرگ، صفحات کم و ورق‌های سخت و مقوایی، برای نوزادان و کودکان خردسال (تا سه سال) فراهم می‌شود. کتاب‌های مقوایی معمولاً ۶ تا ۱۲ صفحه و از مقوای کلفت و بادوام ساخته شده‌اند. رنگ‌های به کار برده شده در تصویرهای کتاب، بیشتر از رنگ‌های بدون سایه-روشن، خوش‌فام و ترکیبی تشکیل شده‌اند و طراحی‌های آن بسیار ساده و بدون جزئیات است. در کتاب مقوایی، به جز چند واژه، از متن خبری نیست و مقوایی بودن صفحات به کودک امکان می‌دهد که با آن بازی کند. بسیاری از کتاب‌های **دیک برون**، تصویرگر برجسته‌ی کودکان، هم‌چون «سیندرلا» و «می‌فی در برف» به این روش تهیه شده‌اند. کتاب آموزشی «رنگ‌ها» اثر **امیر مفتون**، از جمله کتاب‌های مناسبی است که به صورت مقوایی چاپ شده است.

مجموعه‌های دنباله‌دار در فراهم‌سازی کتاب‌های آموزش مقوایی با عنوان‌هایی چون: جانوران، گل‌ها و گیاهان، اشیاء و غیره به کودکان امکان می‌دهند شکل پدیده‌های اطراف خود را بشناسند و برای رویارویی با حضور واقعی آن‌ها در شرایط آینده آماده شوند.

کتاب‌های حمام

کتاب‌های حمام از صفحات نرم و ضخیم، پلاستیکی و قابل انعطاف ساخته شده‌اند و کودک می‌تواند آن‌ها را به عنوان هم‌بازی خود به حمام ببرد. مقاومت صفحات این‌گونه کتاب‌ها در برابر





• نمونه‌هایی از کتاب‌های شکلی



رطوبت و

دهان زدن کودک،

سبب می‌شود که کودک ارتباط

نزدیکی با آن‌ها برقرار کند و با تصویرهای بسیار

ساده و ابتدایی آن‌ها آشنا شود. درون مایه‌ی کتاب‌های حمام بیشتر

آموزشی است تا داستانی و هدف آن‌ها آشنایی کودک با پدیده‌های پیرامونی به

زبان غیرداستانی است.

کتاب‌های شکلی^۹

برش روی جلد و صفحات کتاب‌های مقوایی و غیرمقوایی به صورت‌های گوناگون، به گونه‌ای

که به شکل یک گل یا حیوان یا خانه درآمده باشد، برای کودکان بسیار جالب و دیدنی است.

در این کتاب‌ها، شکل به کار گرفته شده برای برش کتاب، کودک را با درون مایه‌ی کتاب آشنا

می‌کند و فرایند کتاب‌خوانی از همان دیدن شکل نخستین کتاب، آغاز می‌شود. دیدن کتاب‌هایی

به شکل ماهی، کفش‌دوزک، کامیون، خانه و غیره برای کودکان خردسال جالب و دوست‌داشتنی

است. در کتاب «تولد»، با طراحی **سیاوش ذوالفقاریان**، کودک با مراحل گوناگون رشد جوجه

در تخم آشنا می‌شود.

کتاب- بازی‌ها^{۱۰} (کتاب‌های اسباب‌بازی)

کتاب- بازی‌ها از گونه‌های متفاوتی برخوردارند و پدیده‌ی بازی، زمینه‌ای برای گرایش کودکان

به این گونه کتاب‌ها به شمار می‌رود. در برخی از این کتاب‌ها، کودک با رویدادی بازی گونه در

کتاب آشنا می‌شود و فرایند بازی، او را به دنبال کردن درون مایه‌ی کتاب می‌کشاند. کتاب

«مازن»، اثر **فرشید مثقالی**، کتاب- بازی مناسبی برای کودکان سه تا شش سال است. در کتاب

مازن که فرایند واژه‌سازی و زبان‌آموزی را برای کودک دنبال می‌کند (واژه‌ی «مازن» از بخش

نخست واژه‌ی «ماهی» و بخش دوم واژه‌ی «گوزن» تشکیل شده است)، ساده‌ترین گونه‌های

واژه‌سازی را به دنیای خیال‌انگیز کودکان پیش‌دستانی می‌کشاند و به آن‌ها امکان می‌دهد که جانوری خیالی با بدن ماهی و پاهای گوزن ببینند.

جابه‌جا شدن نیمه‌ی بالایی و پایینی صفحات کتاب، نه تنها به پیدایش جانوران تازه و عجیب و غریب می‌انجامد، بلکه ساختن نام ناآشنا و ساختگی حیوان جدید نیز از راه ترکیب واژه‌ها امکان‌پذیر می‌شود. در کتاب‌های «دالی» و «سلام»، اثر پرویز کلاتری، کوتاه شدن لبه‌ی صفحات کتاب به شکل یک در میان، به کودک امکانی تازه برای بازی می‌دهد. امکان چرخاندن تصویرها برای یافتن مکان زندگی جانوران در کتاب علمی-آموزشی «حیوانات و محیط زیست ایران»، اثر پرویز ایزدپناه، یک سرگرمی ساده‌ی علمی را در اختیار کودکان قرار می‌دهد. صفحات کتاب «هفت کمان هفت رنگ»، با طراحی هوشنگ محمدیان نیز به گونه‌ای بریده شده‌اند که کودک با ورق زدن صفحات منحنی کتاب، رنگ‌های رنگین‌کمان را از یکدیگر جدا می‌کند. در کتاب-بازی «جادوی رنگ‌ها»، اثر سعید رضایی، کودک فرصت می‌یابد با قرار دادن طلق‌های رنگی ضمیمه‌ی کتاب به روی تصویرها، رنگ‌های تازه‌ای بسازد.

برخی از تصویرگران نام‌آور جهان، همچون والتر کرین، کالدات، اریک کارل و لئولونی، توجه ویژه‌ای به جایگاه کتاب-بازی‌ها در دنیای کودکان خردسال نشان داده‌اند. والتر کرین نزدیک به ۳۰ کتاب برای بازی کودکان طراحی کرده است.

«کتاب‌های زبانه‌ای متحرک»^{۱۱} گونه‌ای کتاب-بازی با زبانه‌هایی در لبه‌ی صفحات مقوایی کتاب هستند، و به حرکت درآوردن زبانه‌ها، بخش‌هایی از تصویر، همچون برگ درختان، بال پرنده‌ها و سر حیوانات را به حرکت در می‌آورد و به این ترتیب کودک با فرایند آموزشی یا داستانی متن به شکل حرکت آفرینی آشنا می‌شود. در کتاب «آبله مرغان»، اثر شن رودی، کنش خاراندن بدن توسط یک کودک بیمار، از طریق زبانه‌های متحرک، به رویداد جالبی تبدیل شده است.

استفاده از موسیقی در «کتاب‌های موزیکال»^{۱۲} که با فشار یک دکمه صورت می‌گیرد و آهنگ ترانه‌ای آشنا، شعرها و تصویرهای کتاب را همراهی می‌کند، سبب می‌شود کودک با صداهای طبیعت، صدای حیوانات، صدای وسایل حمل‌ونقل و غیره آشنا شود.

کتاب‌های تاشو^{۱۳} «آکاردئونی-پلکانی» و کتاب‌های درپچه‌ای

کتاب‌های تاشو، به صورت صفحات تاخورده پدیدار می‌شوند و تصویرهای روایی پی‌درپی به صورت نمایش پرده‌ای در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.





فراهم‌سازی کتاب‌های تاشو در شکل‌های کهن و سنتی آن نیز از نمونه‌های فراوان در کشورهای گوناگون هم‌چون ژاپن برخوردار است. برخی از کتاب‌های ادیانگ، تصویرگر چینی - آمریکایی و وارژا لاواته، تصویرگر سویسی از این ویژگی برخوردارند.

کتاب‌های دریچه‌ای نیز کتاب‌هایی هستند که مانند دریچه از دو سو باز می‌شوند و کودک، تصویرها و متن کتاب را در هر بخش از آن دنبال می‌کند.

کتاب‌های واشو^{۱۴} (پای‌آپ)

در برخی کتاب‌ها، با گشودن ورق‌های کتاب، تصویرهای برش خورده از سطح افقی کتاب جدا می‌شوند و به صورت برجسته در می‌آیند. در این گونه کتاب‌ها، کودکان با فرایند شگفت‌انگیز تصویرهای بیرون زده‌ای روبه‌رو می‌شوند که در آن دیواره‌ی برج‌ها و قلعه‌ها از سطح افقی کاغذ برمی‌خیزند، درخت‌ها به شکل عمودی قرار می‌گیرند و عناصر تصویری، فضای بالای صفحات کتاب را اشغال می‌کنند. باورپذیری رویدادها و فضا‌سازی واقعی‌تر، به کودکان خردسال این امکان را می‌دهد که پا به قلمرو تصویرهای کتاب بگذارند و با اهداف روایی و آموزشی متن روبه‌رو شوند.

تصویرهای کتاب واشو، به محض بسته شدن ورق‌های کتاب، دوباره در جایگاه خود قرار می‌گیرند و حس فضایی آن تا بازخوانی دوباره به فضای افقی کتاب محدود می‌شود.

تصویر در کتاب‌های واشو، از دو بعد طول و عرض برخوردار است و حس معماری دیوارها، درختان، انسان‌ها، جانوران و پدیده‌ها، کودکان را با تناسب موجود میان اجرای تصویر آشنا می‌کند و امکان ساختن قلعه‌ها، جنگل‌ها و دیگر فضاهای تصویری را فراهم می‌سازد. کتاب واشو «بروکلین»، یک اثر برجسته‌ی هنری - مهندسی است که مناطق مهم بروکلین نیویورک را نشان می‌دهد. تصویرهای سه‌بعدی و پیچیده‌ی این کتاب، بازارچه‌ی ارتش، جزیره‌ی کرنی، موزه‌ی هنر بروکلین و دیگر چشم‌اندازهای زیبای شهر را در خود گنجانده‌اند. هنرمندان و طراحان برجسته‌ای هم‌چون موریس سن‌داک و رابرت سابورا در آماده‌سازی تصویرهای سه‌بعدی این کتاب شرکت جسته‌اند.

کتاب‌های برجسته^{۱۵}

استفاده از سطوح برجسته با عمق بخشیدن به تصویر، به کودکان امکان می‌دهد که از طریق لمس کردن، بافت‌ها و برجستگی‌های سطوح تصویری را حس کنند. بسیاری از تصویرهای

این گونه کتاب‌ها از طریق کلاژ پارچه، کاغذ و اشیای دیگر شکل می‌گیرند. کاربرد مستقیم این اشیاء به ویژه در کتاب‌های دست‌ساز، در روند شکل‌گیری تصویرها، به کودک امکان می‌دهد که افزون بر یاری جستن از ویژگی‌های دیدن در باورپذیری بافت و سطوح تصویری، از امکان لمس کردن و دست زدن به تصویر در فرایند نزدیک شدن به ماهیت تصویرها نیز بهره جوید.

در «کتاب‌های پفکی»^{۱۶}، تصویرها با استفاده از مواد شیمیایی و صنعتی، به صورت نرم و برجسته روی صفحات مقوایی کتاب ظاهر می‌شوند و امکان تازه‌ای برای ارتباط لمسی کودک فراهم می‌آورند. هرچند بافت برجسته‌ی این تصویرها، همان بافت واقعی پدیده‌ها نیست، ولی نوعی جذابیت آفرینی است که در گرایش کودک به کتاب تأثیر دارد.

کتاب‌های برجسته‌ی حسی - لمسی^{۱۷}

این گونه کتاب‌ها، هم‌چون کتاب‌های زبانه‌ای متحرک، از مجموعه «کتاب‌های مشارکتی»^{۱۸} به شمار می‌روند و کودک از طریق امکانات لمسی و دیداری، به تصویرخوانی روی می‌آورد. بافت‌های قابل لمس، اشیاء و گل‌هایی که می‌توان بوی آن‌ها را حس کرد و نیز جابه‌جا کردن قطعات تصویری، کودک را در موقعیت ارتباط نزدیک‌تر با موضوع قرار می‌دهد. کتاب «پت خرگوش کوچولو» که کتابی کلاسیک در این گونه به شمار می‌رود، از کودکان می‌خواهد در آینه نگاه کنند، به بازی «دالی - موشه» پردازند و احساس دست زدن به یک ریش زبر را تجربه کنند.

فریبا کیهانی، زهرا فرمانی و مهین محبوبی، از جمله هنرمندانی هستند که در فراهم‌سازی کتاب‌های حسی - لمسی و پارچه‌ای^{۱۹} تلاش ورزیده‌اند و با فراهم‌سازی کتاب‌هایی که در آن‌ها از بافت پارچه، کاغذ، گونی و اشیاء استفاده شده، تصویرهایی آفریده‌اند که به صورت کتاب‌های دست‌ساز آماده‌سازی شده‌اند و کودکان کم‌توان را در فرایند آشنایی با پدیده‌های پیرامونشان یاری می‌دهند. کتاب «گل یا پوچ»، کتابی پارچه‌ای است که از موفقیت‌های جهانی برخوردار است و در آن با استفاده از یک بازی ساده‌ی کودکانه، مفهوم‌های آموزشی به کودک منتقل می‌شود. این گونه آثار، به ویژه برای کودکان نابینا و کم‌توان، کاربردهای درخشانی دارند.

کتاب‌های تصویری حسی - لمسی با سطوح برجسته‌ی تصویری، به کودکان نابینا امکان می‌دهند که از لمس تصویرها لذت ببرند و آن‌هایی را که در خواندن حروف چاپی توانا نیستند، برای یادگیری خواندن از راه خط بریل آماده می‌سازند. درک تصویر برای کودکانی که به طور مادرزاد دچار نابینایی هستند، بسیار دشوار است. تبدیل پدیده‌ها به شکل‌های ساده‌ی هندسی، به کودکان خردسال نابینا کمک می‌کند که بدون پشت سر گذاشتن تجربه‌های دیداری، شخصیت‌ها و پدیده‌ها را در شکل‌های هندسی و به گونه‌ای ساده و مجازی، بازشناسی کنند. تصویرهای

کتاب‌های حسی - لمسی وارژا لاواته، معلم و نویسنده‌ی برجسته‌ی سویسی، این امکان را در سطحی فراگیر در اختیار کودکان نابینا قرار می‌دهد.

با فراهم سازی کتاب‌های دست‌ساز لمسی، کودکان از راه حس بساواپی، تصویرخوانی می‌کنند. کتاب آموزشی «این چیه؟» اثر آلن جنسن و دیگران، از نخستین کتاب‌های حسی - لمسی برای کودکان نابیناست که در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسید. عناصر تصویری این کتاب به شکلی خاص و بافتی ویژه برای کودکان آماده‌سازی شده است. استفاده از علائم زبانی به شکل تصویرهای کدگذاری شده به جای متن، به کارگیری تصویرهای جدید را در کتاب‌های مورد توجه کودکان ناشنوا و یا کم‌شنوا و هم‌چنین کودکان کم‌توان، ضروری ساخته است.

در کتاب «زبان دست‌ها» (با دست‌هایمان حیوانات باغ‌وحش را بسازیم)، اثر مری بت و جرج آنکونا، افزون بر آموزش تصویری حیوانات باغ وحش، از شکل‌های اشاره‌ای برای بیان شکل‌های حیوانات استفاده شده است. نشانه‌های تصویری (پیکتوگرام^{۲۰}) کتاب‌های آنیتا یوهانسون، نویسنده و طراح سوئدی، توسط کودکان به سادگی قابل درک است. متن ساده‌ی این کتاب‌ها به کمک نشانه‌های تصویری می‌آید، بدون آن که در کتاب از تصویرهای معمولی و رنگی که در کتاب‌های عادی دیده می‌شود، خبری باشد - براساس تجربه‌های به دست آمده، کتاب‌هایی که با نشانه‌های تصویری پیکتوگرام همراه هستند، راه را برای زبان‌آموزی کودک باز می‌کنند و کودک توانایی‌های خود را در یادگیری زبان باور می‌کند.

تصاویر کتاب «در بزَن»، اثر کلارا تیدهولم، برای کودکانی که از بیماری «سندروم دان» رنج می‌برند، بسیار مناسب‌اند و همراه سی‌دی در اختیار کودکان قرار داده می‌شوند. این تصاویر به شیوه‌ی برجسته آماده سازی شده‌اند.

تصویرهای کدگذاری شده در روش «بلیس»^{۲۱} برای کودکان کم‌توان به گونه‌ی علائم راهنمایی و رانندگی آماده می‌شوند. کودک مفاهیم موضوعی

تصویرها را از راه نشانه‌های انتخاب شده، دریافت می‌کند. تلاش‌های «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در چاپ کتاب‌هایی به زبان بریل، در مجموعه این فعالیت‌ها قرار دارد.

جولای ۲۰۱۹

زمستان ۱۳۸۸

۵۵

کتاب و آسبو

به مرغ ماهی خوایم
ماهی زیاد دوست دارم
بلنگام رو آیم
به موجه، رختخوابم

نرم و سفید
قشنگم و خوش اندام
به من می‌کن پرند
بال و نوکم بلند

ممنون فصل بهار
داره راه رفتنم
کلاغ پر سیاه منم



کتاب‌های کاربردی^{۲۲}

کتاب‌های کاربردی، مجموعه‌ای از کتاب‌های مشارکتی‌اند که کودکان و نوجوانان را به فعالیت‌های متقابل فرا می‌خوانند. این مجموعه کتاب‌ها که بیشتر به میدانه‌ی کتاب‌های علمی و «غیرتخیلی»^{۲۳} اختصاص دارد، روش‌هایی را برای ساختن شکل‌های گوناگون در برمی‌گیرد. تصویرهای این‌گونه کتاب‌ها بیشتر با طراحی، عکس و نمونه‌سازی همراه‌اند؛ به گونه‌ای که کودک و نوجوان با دیدن تصویرها و طراحی‌ها، به روش ساخت نمونه‌ها پی می‌برد. با وجود این، نگاه تجسمی هنرمند در شکل‌گیری نمونه‌های ساخته شده، از ویژگی‌های گرافیکی برخوردار است و جلوه‌هایی از نگاه‌های هوشمندانه و خلاق را به کودکان نشان می‌دهد. در کتاب‌هایی چون «برگ‌ها» و «پارچه‌ها»، اثر مرتضی اسماعیل سهپی، «فلزها» اثر بهراد امین سلمانسی، «پرها»، «سنگ‌ها» و «دکمه‌ها» اثر ابوالفضل همتی آهویی، «شکل‌سازی با کاغذ روزنامه» اثر نیره تقوی، «تکه کاغذهای رنگی» اثر علی‌خدایی، «تخم‌مرغ‌ها» و «میوه‌ها» اثر حمید ترابلی، با رویکردهایی از این دست روبه‌رو می‌شویم که مربی با استفاده از امکانات پیرامونی و اغلب دورریختنی کودک، به او در ساختن شکل‌های گوناگون یاری می‌رساند؛ فرایندی که باعث تقویت مهارت‌های ذهنی و دست‌ورزی کودک می‌شود و گسترش مفهوم «تولید» و «ساختن» را به دنبال دارد.

1. Picture story Books
2. Picture Books
3. Illustrated Books
4. Nonalphabet picture Books
5. Almost- wordless Books
6. Board Books
7. Plastic bathtub Books
8. Board Books
9. Shape Books
10. Toy Books
11. Flap Books
12. Music Books
13. Folding Books
14. Pup-up Books
15. Excellent Books
16. Pudgy Books
17. Textile Books
18. Participation Books
19. Cloth Books
20. Pictogram
21. Bliss
22. Applied Books
23. Nonfiction

۱. نورتون، دونا. شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها (از روزن چشم کودک). ترجمه‌ی منصوره راعی و دیگران.
۲. مجموعه مقالات پژوهش‌نامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان (شماره‌ی ۱۱ و ۱۲)
۳. مجموعه مقالات کتاب ماه کودک و نوجوان.
۴. ویژه‌نامه‌ی جشنواره‌ی ادبیات کودک و نوجوان (ارویا- تهران)، ۱۳۸۳.
۵. قزل ایاغ، ثریا. ادبیات کودکان و ترویج خواندن. انتشارات سمت. تهران.

6. children's literature in the Elementry school). Charlotte s. Huck, Susan Hepler, Janet Hickman, ..., Mc Growhill Publications.
7. children and book. Zena Zutherland, the University of shicago, Longman, 1997, USA.



مناسب ولی نه برای کودکان

نگاهی به کتاب «قصه‌ای به شیرینی عسل»، نوشته‌ی شکوه قاسم‌نیا
کتاب برگزیده‌ی نخستین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد

● بهروز رضایی کهریز

اشاره

شکوه قاسم‌نیا، ۵۴ سال پیش، یعنی در سال ۱۳۳۴ در تهران زاده شد. با آن‌که در رشته‌ی «علوم سیاسی» (دانشگاه شهید بهشتی) درس خوانده است، پس از انقلاب، به ادبیات کودک و نوجوان رو آورد و اکنون با گذشت سی سال فعالیت ادبی و هنری و انتشار ده‌ها اثر، می‌توان گفت به یکی از ستون‌های این خانه بدل شده است.

خانم قاسم‌نیا به‌مانند دو سه چهره‌ی دیگر این عرصه، مانند **جعفر ابراهیمی**، **مصطفی رحماندوست** و **افسانه شعبان‌نژاد**، حضوری موفق در هر دو عرصه‌ی شعر و داستان دارد و در هر دو زمینه، در زمره‌ی گروه پیشتاز قرار می‌گیرد. او تجربه‌های ویژه و پرشماری نیز در ترانه‌سرایی دارد که البته از زیرشاخه‌های شعرش به‌شمار می‌آید. کتاب‌های این نویسنده بارها، توسط جشنواره‌های گوناگون برگزیده شده‌اند؛ از جمله او جایزه‌ی دوره‌ی بیست و یکم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را برای «هلی فسقلی در سرزمین گول‌ها» (پیدایش، ۱۳۸۱)، به عنوان بهترین کتاب داستانی کودک سال ۱۳۸۲ از آن خود کرد. پیش از آن هم کتاب‌های «گلک چه مهربان

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۵۸



است» و «پارحسنى و ننه کوچیکه و دختر نارنج و ترنج» از سوى کتاب سال جزء آثار برتر معرفى شده بودند.

گذشته از این، او در عرصه‌ی مطبوعات کودک و نوجوان نیز فعالیت چشم‌گیری داشته است. در سال‌های پس از انقلاب، مدتی مدید، از نویسندگان مجله‌ی کیهان بچه‌ها و اعضای شورای سردبیری این مجله بود. ضمناً سال‌هایی چند، بخش «شاپرک» این مجله‌ی هفتگی را سردبیری کرد. تجربه‌ی موفق دیگر او در عرصه‌ی مطبوعات کودک، سردبیری مجله‌ی «گلک» بود که در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۶۰ به جمع مطبوعات کودک و نوجوان پیوست و حضوری کوتاه، ولی درخشان داشت. بعدها نیز امتیاز ماهنامه‌ی «شباب» (برای جوانان) را گرفت که موفقیت زیادی کسب نکرد. حضور او در جایگاه سردبیری مجله‌ی «رشد کودک»، که از مهر ۱۳۸۸ آغاز شده، در ادامه‌ی همین دسته از فعالیت‌های او قابل ذکر است.

زندگی اجتماعی خانم قاسم‌نیا یک جنبه‌ی دیگر هم دارد که نسبت به دیگر عرصه‌های فعالیت او کم‌رنگ‌تر می‌نماید و آن فعالیت در کسوت ناشری است. او مدیر مسئول انتشارات «کتاب‌های ارغوانی» است که در حوزه‌ی کتاب کودک و نوجوان و ادبیات ترجمه فعالیت می‌کند. مجموعه کتاب‌های ترانه‌های عموپورنگ (که اتفاقاً سراینده‌ی آن‌ها خود خانم قاسم‌نیاست) از کتاب‌های این ناشر است.

درباره‌ی کتاب

کتابی که از آن حرف می‌زنیم، قصه‌ای است درباره‌ی زندگی پیامبر اسلام، حضرت محمد (صلوات الله علیه و آله). این قصه، مطابق تاریخی که نویسنده در پایان آن آورده، نخستین بار در سال ۱۳۶۳ نوشته شده و ابتدا به صورت یک قصه‌ی دنباله‌دار در مجله‌ی «شاپرک» (ضمیمه‌ی ویژه‌ی کودکان مجله‌ی هفتگی کیهان بچه‌ها) به چاپ رسیده است؛ ولی برای آن که انتشارات معتبر «سروش» آن را با تصویرهای محمدعلی بنی‌اسدی به شکل کتاب درآورد، باید چهارده سال می‌گذشت (۱۳۷۷). هشت سال نیز زمان لازم بود تا برای بار دوم (۱۳۸۵) چاپ و منتشر شود و شمارگان کتاب در مجموع به ۱۳ هزار نسخه برسد. این کتاب ۹۰ صفحه‌ای، به ۳۴ فصل کوتاه تقسیم شده است و هر بخش، پاره‌ای از قصه‌ی زندگی پیامبر(ص) را تا بعثت او روایت کرده است.

کتاب مذکور ضمن آن که در نخستین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد (۱۳۷۹) برگزیده شده، لوح زرین «دوازدهمین جشنواره‌ی کتاب کودک و نوجوان» کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (آبان ۱۳۸۵) را نیز از آن خود کرده است.



ناگفته نماند که کتاب به تازگی (۱۳۸۷) با همین نام و البته به همراه دو قصه‌ی دیگر از همین نویسنده، «کاش یکی قصه‌اش را می‌گفت» و «یارحسنی و ننه کوچیکه و دختر نارنج و ترنج،» توسط نشر «تکا» به زیور طبع آراسته شده است.

اشتباه در تشخیص گروه سنی مرتبط

چنان‌که گفته شد، قصه، روایت زندگی پیامبر اسلام، حضرت محمد (صلوات الله علیه و آله)، با زبانی ساده است. این کتاب، در نخستین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد (آبان ۱۳۷۹)، که مختص دوره‌ی ابتدایی بود، به عنوان کتاب آموزشی برگزیده‌ی بخش تعلیم و تربیت دینی انتخاب شد. داوران جشنواره، دلیل انتخابشان را «جذابیت و تأثیرگذاری و ایجاد حس نزدیکی و ارتباط صمیمانه‌ی کودک با شخصیت پیامبر اسلام (ص) و نگاهی تازه به روایت تاریخ» دانسته بودند؛ موضعی که متأسفانه چندان قابل دفاع نیست.

کتاب با جملاتی کودکانه آغاز می‌شود: «یکی بود، یکی نبود. در روزگاران قبل، تقریباً ۱۴۰۰ سال پیش از این مردی بود به نام عبدالمطلب. او در جایی، فرسنگ‌ها دورتر از این‌جا که تو زندگی می‌کنی، زندگی می‌کرد. نام شهرش مکه بود. نام قبیله‌اش قریش بود. عبدالمطلب هشت پسر داشت. از میان هشت پسر او یکی از همه زیباتر، شجاع‌تر و مهربان‌تر بود. او عبدالله بود.» اما این نثر و این ادبیات رفته رفته، هم به لحاظ موضوع، هم به لحاظ پرداخت، به عرصه‌های نوجوانان و جوانان نزدیک می‌شود. مقصود من بیش از آن‌که متوجه زبان قصه باشد، به نوع روایت، حس‌ها و مضامین مندرج در قصه برمی‌گردد و در این صورت نباید انتظار داشت ارتباط لازم بین کودک و قصه برقرار شود.

خانم قاسم‌نیا در آن سال‌ها، البته نویسنده‌ای تازه‌کار بود و قطعاً در دامنه‌های کوهی بود که اکنون بر فراز قله‌ی آن ایستاده است؛ اما این تنها دلیل رخ دادن این اتفاق نیست. اساساً در آن سال‌ها تلقی عمومی از ادبیات کودک، بالاتر از آن چیزی بود که امروز هست. شاید فضای انقلاب و مطالعات فراوان کودکان ما در آن روزها و حضور فعالشان در بحث‌های انقلابی این نگاه را تشدید می‌کرد. اما تمام ماجرا این نیست. اساساً رفتن به سراغ موضوعی چنین، هم از این‌رو که به مقدس‌ترین باورهای ما بازمی‌گردد و هم از این‌رو که قرار است به زبان کودکان بازگفته شود، بسیار سخت است و وقتی می‌کوشیم تا آن را به زبان داستان و همراه با جزئیاتی بیان کنیم که معمولاً در روایت‌ها نقل نمی‌شود یا اگر شده، به‌ندرت و با زبان و نگاه بزرگسالانه بوده است، کار دشوارتر هم می‌شود.

مشکل این‌جاست که نویسنده وقتی از زندگی پیامبر یا امام معصوم می‌نویسد، نمی‌تواند



پرنده‌ی خیال خود را رها بگذارد تا به هر جا که خواست بال بکشد. به عبارت دیگر، نویسنده در نوشتن چنین قصه‌هایی تنها می‌تواند از «تخیل محدود» کمک بگیرد. او نمی‌تواند هر سخن یا رفتاری را به معصوم (علیه السلام) نسبت دهد؛ زیرا مقام عصمت مختصاتی دارد و رفتارها یا گفتارهایی را می‌طلبد که با وجود تمام شباهت‌هایی که به انسان‌های دیگر دارد، نباید اشتباهی در آن‌ها راه یابد. در فقه شیعه، قول و فعل و رفتار معصوم، حجت شرعی برای انجام دادن یک عمل دینی یا ترک آن است؛ حتی «تقریر» معصوم، اگر اجبار و اکراهی در میان نبوده باشد، حجت تلقی می‌شود و تقریر یعنی کسانی در برابر معصوم کاری را انجام داده‌اند و او چیزی نگفته و اعتراضی نکرده است. در این صورت، نویسنده حتی باید در توصیف رفتار و گفتار شخصیت‌هایی که در حضور پیامبر و امام نقش‌آفرینی می‌کنند، مراقب باشد.

نویسنده‌ی قصه‌ی مذهبی، از همین تخیل محدود، تنها جایی می‌تواند کمک بگیرد که سندی برای ماجرا در دست نباشد. در غیر این صورت، نویسنده باید نقش مورخ را ایفا کند و به تعارضی که در نوشته‌ی خود با تاریخ ایجاد کرده است، پاسخی درخور بدهد. از سوی دیگر هیچ‌کس انتظار خواندن یک متن تاریخی را از قصه‌نویس ندارد یا نباید داشته باشد. اگر کسی می‌خواهد تاریخ بخواند، باید به سراغ کتاب‌های دیگر و نویسندگان دیگر برود.

در هر حال در چنین قصه‌هایی، تنها نقشی که نویسنده ایفا می‌کند، پر کردن فضای خالی روایت‌های موجود و ایجاد زمینه‌ی لازم برای واقعی نمودن رویدادهاست. برای انجام چنین کاری، برخورداری از هنر نویسندگی و قدرت توصیف هم کافی نیست. نویسنده‌ی مذهبی، برای

فضاسازی مناسب و بافتن زمینه‌ی مناسب، هم باید با فضایی که روایت در آن اتفاق می‌افتد مؤانست کافی داشته باشد، هم با شخصیت‌های مذهبی و طرز فکر و رفتار آن‌ها.

در هر حال، «قصه‌ای به شیرینی عسل» مناسب کودکان نیست؛ البته در این باور، نویسنده نیز با ما همراه و موافق است و گواه روشن بر این موافقت، قرار دادن آن به همراه دو قصه‌ی نوجوانانه‌ی دیگر و چاپ آن‌ها در کتابی با شکل و شمایل



بزرگسالانه‌تر توسط نشر «تکا» است که سال پیش رخ داده است.

آیا این کتاب، یک کتاب آموزشی است؟

پاسخ این پرسش، پیداست که مثبت است. گرچه با کتاب قصه سروکار داریم، اما موضوع آن حقیقی و واقعی است. موضوع آن، تخیل صرف و آفریده‌ی ذهن نویسنده نیست. ما با قصه به ما هو قصه سروکار نداریم؛ نوشته شده است تا مخاطب را با سرگذشت پیامبر اسلام (ص) آشنا کند. از این رو بی‌تردید در حوزه‌ی آموزش قرار می‌گیرد.

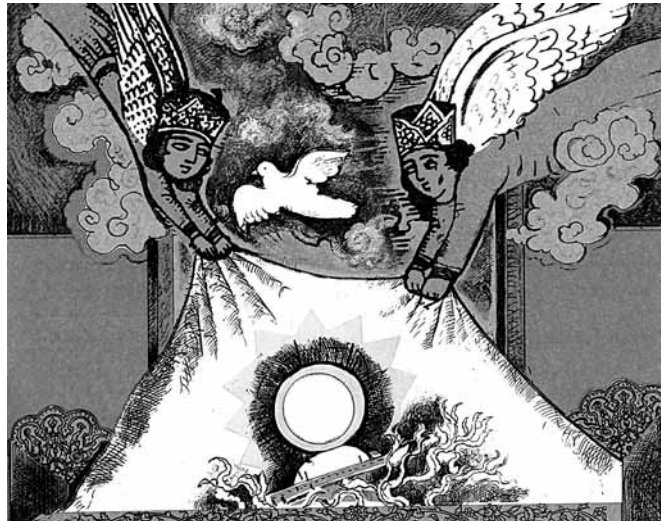
چرا داوران قصه را برگزیده‌اند؟

حتی اگر همه‌ی آن چیزهایی را که درباره‌ی زمان آفرینش داستان گفتیم، روا تلقی کنیم، ۱۵ سال بعد از آن، زمانی که ادبیات کودک به پیشرفت‌هایی چشمگیری نائل شده است، گزیدن چنین قصه‌ای به عنوان کتاب برتر گروه سنی کودک (دوره‌ی ابتدایی) از سوی داوران نخستین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی، چه توجیهی دارد؟

به نظر من، راز چنین اتفاقی شیفتگی داوران نسبت به کتاب است که البته به چند دلیل رخ داده است: سابقه‌ی نویسنده‌ی اثر که از چهره‌های ممتاز ادبیات کودک به شمار می‌رود؛ چاپ چهار رنگ تصاویر و ظاهر کتاب (که در آن زمان تصاویر رنگی تقریباً تنها از ویژگی‌های کتاب‌های کودک بود)؛ ادبیات روان آن؛ و نمایش قدرتمندانه‌ی هنر نویسنده در پر کردن فضای خالی.

نویسنده برای رسیدن به این مقصود، با هنرمندی تمام از وجود زنانی که در زندگی پیامبر نقش آفرینی کرده‌اند، کمال استفاده را برده است. نویسنده، خود یک زن است و منطقاً در بیان احساسات زنانه تواناتر. او از حضور زنان، تقریباً در تمام طول داستان با مهارت کافی بهره گرفته است. به‌واقع بهانه‌ای یافته تا خود به جای آن‌ها بنشیند و از دریچه‌ی چشم آن‌ها، بزرگ شدن پیامبر را روایت کند.

فصل مهمی از کتاب به بیان احساسات مادرانه‌ی آمنه نسبت به کودکش می‌گذرد. آمنه باید از تنها





کودک خود، آن‌هم از شوهری که در آغاز جوانی برای همیشه ترکش کرده است، دو سال تمام دور باشد؛ آن‌هم کودکی چنین دوست‌داشتنی و دلربا. بدیهی است تب و تاب مادرانه‌ی او فضایی بسیار عاطفی به داستان می‌بخشد. پس از او نوبت به نقش‌آفرینی **حلیمه** می‌رسد و کشاکشی که بین او و مادر کودک شکل می‌گیرد. باز هم آمنه و درگذشت تأثرانگیز او در برابر چشمان فرزندش؛ بعد حضور **فاطمه** دختر اسد و همسر **ابوطالب** که البته کمرنگ است و بالاخره رخ نمودن بانو **خدیدجه**. شاید اگر قصه با آغاز مبعث پیامبر پایان نمی‌پذیرفت، می‌توانست از چشم دختر یا دختران او و بعد هم همسرانش قصه با همین جذابیت ادامه یابد. در هر حال، تصور من این است که این صحنه‌ها، به دلیلی که گفتم، از تأثیرگذارترین صحنه‌های داستان برای هر خواننده‌ای است.

اما تنها توجیه ممکن‌ی که برای انتخاب چنین کتابی باقی می‌ماند، این است که داوران احتمالاً تنها به این اندیشیده‌اند که اطلاعات موجود در کتاب، در سطح کدام گروه سنی است و بر اساس برنامه‌ی درسی، متناسب با برنامه‌ی کدام پایه است.

ناگفته نماند که داستان، در فصل نوجوانی و جوانی پیامبر با شتاب بیشتری پیش می‌رود و دیگر از توصیف‌های جزئی فصل‌های آغازین اثر خبری نیست.

چند اشکال کوچک

نویسنده‌ی داستان‌های مذهبی باید بکوشد اثری که می‌آفریند، حتی الامکان دقیق و خالی از اشکال باشد. همان‌طور که گفتم این به‌خاطر حساسیت ماجراست و ربطی به تازه‌کار یا کهنه‌کار بودن نویسنده ندارد. البته هر جا که قرار است قصه‌ای بر اساس واقعیت نوشته شود و نویسنده به واقعیت متعهد بماند، تطبیق ماجرا با واقعیت بیرونی، خود به نیروی مضاعف نیاز دارد. در قصه‌های غیر مذهبی کار اندکی آسان‌تر است؛ چون می‌توان بخشی از نقایص احتمالی را به گردن تخیل انداخت. اما چنین کاری درباره‌ی قصه‌های مذهبی بسیار دشوار است و باید در بیان هر جمله و هر عبارت کمال احتیاط را به کار برد و اگر با همه‌ی مراقبت‌ها، چنین اتفاقی رخ داد، در چاپ‌های بعدی آن را اصلاح کرد.

در قصه‌ی ما نیز به گمان من این اتفاق چند جا رخ داده است. با این حال بسیاری از آن‌ها قابل چشم‌پوشی هستند و در کلیت قصه تأثیری ندارند. تنها یک اشتباه، علی‌رغم چهار بار انتشار قصه، هم‌چنان باقی مانده است که بسیار تعجب‌آور هم هست.

همه می‌دانیم که حلیمه دو دختر دارد و یک پسر. پسر او شیرخواره و چندماهه است و از همین روست که می‌تواند به پیامبر هم شیر بدهد. نویسنده هم همین را می‌گوید. اما در کمال





ناباوری، هنگامی که حلیمه محمد را از مادر او تحویل می‌گیرد و به میان قبیله‌اش بازمی‌گردد، ما با پسر دیگری در داستان روبه‌رو می‌شویم (فصل ۱۲، جدایی) که دست کم سه چهار سالی سن دارد: «حلیمه به طرف قبیله‌اش رفت. پسر کوچکش او را دید. جلو دوید و گفت: مادر زود باش. می‌خواهیم برویم. اثاث را بسته‌ایم. حلیمه گفت: آمدم. بعد بقیه‌ی لباس‌های محمد را به دست او داد و گفت: این هم بار داداش کوچولوی تازه‌ی توست. زود بدو و برو آن را در میان اثاث جا بده.

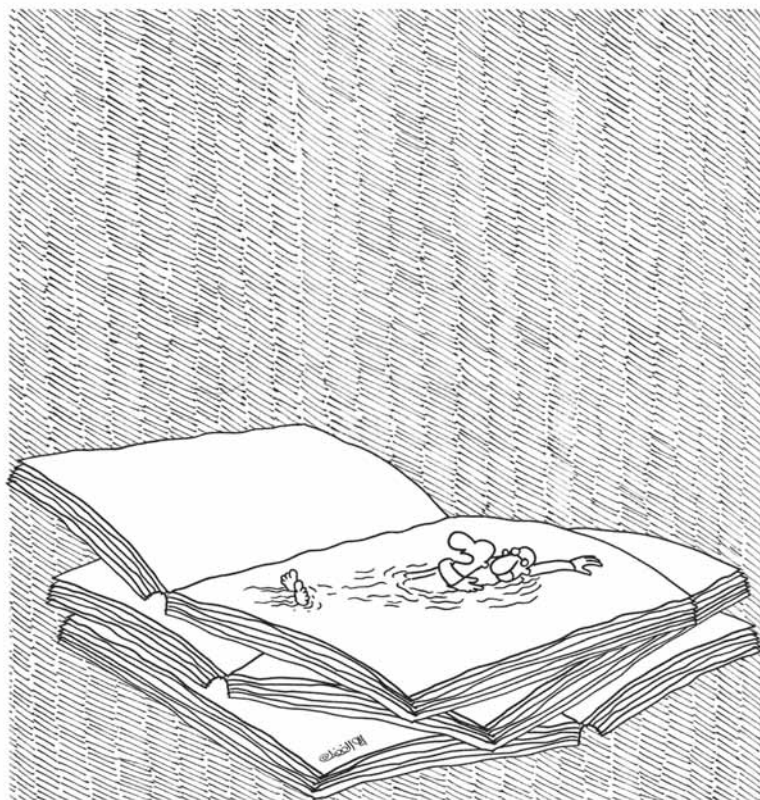
پسرک با شیطنت گفت: داداش کوچولویم باید یک بوس به من بدهد تا بارش را ببرم.» همین کودک را چند روز بعد، وقتی که قبیله به صحرا بازگشته است، ببینید: «در نگاه حلیمه غم و رنج موج می‌زد. حلیمه به پسر خودش و پسر آمنه نگاه کرد. هر دو گرسنه بودند. از گرسنگی انگشت می‌مکیدند. هر دو شیر می‌خواستند.»

این پسر کوچک تنها در همین فصل نقش‌آفرینی می‌کند و از آن پس از کل داستان رخت برمی‌بندد.

اما نمونه‌هایی هم از آن اشکال‌های کوچک را نقل کنم:

در همین فصل نویسنده می‌کوشد توصیف‌هایی از وضعیت معیشت قبیله‌ی «سعد» به دست دهد. وقتی حلیمه و شوهرش به محل اسکان قبیله می‌رسند، حارث مجبور می‌شود گوسفندی را بکشد که داشته از گرسنگی تلف می‌شده است (ص ۴۰). اما همان شب بر سر سفره‌ی شام، غذای این خانواده نان خشک آب‌زده و چند دانه خرماست (ص ۴۱). طبعاً منطقی‌تر بود که این خانواده دست کم برای همان شب و حتی برای دو سه شب بعد از آن، مثلاً کله‌پاچه یا سیرابی یا دل‌وجگر که در آن زمان، معمولاً غیر قابل نگاه‌داری بود، داشته باشند.

نمونه‌ی دیگر مربوط به سفر پیامبر به شام است. نویسنده می‌گوید سفر به شام برای پیامبر یک مدرسه بود. وقتی او چنین جمله‌ای را در داستان می‌آورد، خواننده منتظر می‌شود تا نشانه‌هایی از این ادعا را ببیند. اما این انتظار برآورده نمی‌شود. توضیح نویسنده درباره‌ی صحرا و تأثیر آن بر ذهن و روان پیامبر به مراتب بیش از شام است. با این حال از این سفر به مدرسه تعبیر می‌کند.



۲۹۹۱۹۳

زمستان ۱۳۸۸

۶۵

گوشه‌هایی از تلاش برای تصویرگری مجموعه‌ی خواندنی‌های علمی
(برگزیده‌ی بیست‌وششمین دوره‌ی کتاب سال)

زیباست این کتاب!

حسین نوری

اشاره

مقاله‌ای که می‌خوانید، حاوی گوشه‌هایی از تجربه‌های مدیر فنی مجموعه‌ی «خواندنی‌های علمی» است. این مجموعه در ۲۵ جلد و در پنج سطح که برای پایه‌های اول تا پنج ابتدایی مناسب است (برای هر سطح پنج کتاب) در مدت دو سال تولید شده‌است. چاپ اول این مجموعه توسط «انتشارات آموزش علوم» در سال ۱۳۸۶ منتشر شد و در سال ۱۳۸۷ به عنوان کتاب برگزیده‌ی بیست و ششمین دوره‌ی کتاب سال انتخاب شد. این مقاله با هدف ارائه‌ی یک الگو و بیان باید و نبایدهای تصویرگری و یا صفحه‌آرایی کتاب‌های علمی کودکان نوشته شده‌است. بلکه می‌خواسته است، فزاینده‌ی کوتاهی و خواندنی‌را از فرایند پرزحمت و دوست‌داشتنی، در مسیر تجربه‌ای تازه در این زمینه بیان کند. به هر حال خواندن این مقاله خالی از لطف نیست.

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۶۶

انگیزه

هنگامی که دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی بودم، به لطف تشویق‌های پدر و مادرم، مطالعه‌ی کتاب یکی از علاقه‌های اصلی من بود. گشت زدن در مغازه‌های کتاب‌فروشی خیابان انقلاب و دست‌فروش‌هایی که در آن زمان به وفور کتاب‌های کمیاب داخلی و خارجی را در کنار پیاده‌رو پهن کرده بودند، یکی از کارهایی بود که هر چند هفته یک‌بار با اشتیاق انجام می‌دادم. جذاب‌ترین کتاب‌ها، یا ترجمه‌ی کتاب‌های خارجی بودند یا اصل کتاب‌های دست دوم خارجی که بین کتاب‌های دست‌فروش‌ها، فراوان دیده می‌شدند. در میان سختی و ول خوردن و سرکشیدن از بین آدم‌هایی که قدشان شاید دو برابر من بود، و تحمل نگاه‌های متعجب و گاه بی‌محلی فروشندگان، همواره یک سؤال ذهن من را آزار می‌داد: «چرا جذاب‌ترین کتاب‌ها ترجمه‌های خارجی هستند؟ مگر ناشران داخلی، خودشان قدرت تألیف و تولید چنین جذابیت‌هایی را ندارند؟ چه چیز ما از آن‌ها کمتر است؟ آیا بزرگ‌تره‌های ما کمتر از آن‌ها دلشان برای کودکانشان می‌سوزد؟»

این موضوع شاید انگیزه‌ای اساسی بود برای تصویرگری و صفحه‌آرایی مجموعه کتاب‌های «خواندنی‌های علمی». مجموعه‌ای که با همکاری دلسوزانه‌ی دوستان و همکاران، در نهایت جایزه‌ی کتاب سال ۱۳۸۷ را در حوزه‌ی علوم و فنون کودکان از آن خود کرد. به نظر من بیشتر از آن‌که این سؤال مطرح باشد که چه عواملی باعث برتری این مجموعه شده است، باید پرسید چه عواملی باعث شده‌اند که این‌گونه کتاب‌ها، در جامعه‌ی ما بسیار انگشت‌شمار باشند، تا این کتاب بتواند در میان سایر کتاب‌هایی که تولید می‌شوند، برجسته شود. در حالی که هنوز این کتاب‌ها با آن چه در

جوان ۲۹۹

زستان ۱۳۸۸

۶۷

مجموعه‌ی خواندنی‌های علمی

اولین مجموعه از کتاب‌های «پروورش مهارت خواندن» در پنج سطح متناسب با کتاب‌های علوم تجربی اول تا پنجم ابتدایی



دنیای امروز ما در سطح ایده‌آل محسوب می‌شود، فاصله‌ی قابل توجهی دارند.

شروع

زمانی که سفارش صفحه‌آرایی این مجموعه به گروه کوچک ما رسید، آن‌چه از طرف ناشر ارائه شده بود، متن تألیف شده‌ی یکی از کتاب‌ها - به عنوان نمونه (راز مواد) - و تصاویری بود که باید از روی یکی از کتاب‌های قدیمی خارجی اسکن می‌شد و در کتاب مورد استفاده قرار می‌گرفت. کیفیت تصاویر با توجه به قدیمی بودن کتاب چندان مطلوب نبود. طبق معمول، آن‌چه ناشر می‌خواست، هزینه‌ی هر چه کمتر بود؛ وگرنه تصاویر مذکور چنگی به دل نمی‌زد.

البته تأکید ناشر و دبیر مجموعه در انتشار این مجموعه بر بالا بردن «مهارت خواندن» در سنین ابتدایی بود، اما صفحه‌آرایی مجموعه‌ای بدون جذابیت بصری برای مخاطبانش که کودکان این جامعه هستند، به هیچ وجه برای ما قابل قبول نبود. پس از مشورت با ناظر هنری مجموعه - خانم فصیحی - تصمیم گرفتیم در حد خودمان تلاشمان را بکنیم تا کاری متفاوت انجام دهیم و پیش کودکانی که این کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند، سربلند باشیم. مشکل این‌جا بود که باید تمام تصاویر را خودمان تهیه می‌کردیم و مصر بودیم که حتی الامکان تصاویر رنگ و بوی ایران را داشته باشند. و این به معنی نیاز به تصویرگری، تصویرسازی، عکاسی و یافتن تصاویر مناسب بود. طرحمان را با ناشر و دبیر مجموعه در میان گذاشتیم. خود طرح طبیعتاً بسیار مورد قبول واقع شد، اما مسئله‌ی اصلی مقدار هزینه‌ی کار و مشکل ما تعیین هزینه بود به گونه‌ای که هم برای ناشر مقبول باشد و هم برای ما به صرفه. از طرفی، آن‌چه که می‌خواستیم انجام دهیم، کاری نو بود که مقیاس چندان مشخصی برای هزینه‌ی آن نداشتیم. البته اگر محدودیتی در هزینه نبود، برای هر کدام از صفحات قیمت عکاسی، تصویرسازی و یا تصویرگری حدوداً مشخص بود. بالاخره قرار شد صفحه‌آرایی و تصویرسازی اولین کتاب را آغاز کنیم تا ارزیابی بهتری از هزینه‌ی آن داشته باشیم.

اولین کتاب

اولین کتابی که به عنوان آزمایش کار تصویرسازی و صفحه‌آرایی آن را شروع کردیم، کتاب «راز مواد» بود که البته نمونه‌ی چندان مطلوبی نبود؛ زیرا تصویرسازی آن راحت‌تر از سایر کتاب‌های این مجموعه بود و تصاویر مرتبط با موضوع آن هم بیشتر در دسترس بود. حجم متنی هم که قرار بود در صفحات کتاب جای داده شود - که توسط ناشر تقریباً مشخص شده بود - به نسبت، مناسب بود. به هر حال، اولین کتاب با حداقل هزینه صفحه‌آرایی شد و هزینه‌ی اولیه را برای

ناشر مشخص کردیم. خوش بختانه ناشر نیز برای بعد فرهنگی و جذابیت کتاب ارزش گذاشت و هزینه‌ی کار را پذیرفت. البته بعدها متوجه شدیم که سایر کتاب‌ها با توجه به موضوع آن‌ها کار و هزینه‌ی بیشتری می‌طلبند که ناشر هم در این مورد همراهی لازم را انجام داد.

تردیدی نیست که تهیه‌ی این مجموعه بدون همکاری و نگرش غیر مادی دو گروه امکان‌پذیر نبود؛ اول ناشر این مجموعه که هزینه‌ی این کار را تقبل کرد. چرا که ناشر می‌توانست با هزینه‌ای بسیار کمتر از آن‌چه برای تولید این کتاب پرداخته‌است - مانند بسیاری از ناشران دیگر - یکی از کتاب‌های فراوانی را که در این زمینه توسط انتشارات مطرح دنیا چاپ شده‌است، به ترجمه بسپارد و تصاویر آماده‌ی همان کتاب را اسکن و چاپ کند. تا نه هزینه‌ی زیادی را متحمل شود و نه مدت زمان زیادی را برای آماده‌سازی کار منتظر شود. دوم همکارانی که با دلسوزی و حداقل هزینه برای تصویرسازی و صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند. صفحه‌آرایی و تصویرسازی هر دو صفحه از این مجموعه کتاب‌ها، زحمتی بیش از تهیه‌ی یک پوستر تبلیغاتی در برداشته است، در حالی که همکاران ما با هزینه‌ای بسیار کمتر و با دلسوزی این کار را انجام دادند.





به هر حال، فرآیند صفحه‌آرایی این مجموعه آغاز شد. طرح کلی کار فراهم آمد و قرار بر این شد که کتاب‌ها در قالب دو صفحه‌ای صفحه‌آرایی شوند و متن و تصاویر هر دو صفحه، روی تصویری پس‌زمینه‌ای، مرتبط با موضوع آن دو صفحه که کل زمینه‌ی صفحات را پر می‌کند، قرار گیرند. محتوای کتاب متنی چندصفحه‌ای بود که در اختیار ما قرار می‌گرفت و طبق قراری که داشتیم، باید در قالب ۱۶، ۲۰ یا ۲۴ صفحه‌ای در قطعی که مشخص شده بود، تقسیم می‌شد.

همین‌جا اولین مسئله که شاید مشکل‌ترین قسمت کار بود، مطرح شد. مسئله این بود که در فرایند تألیف متن این مجموعه، مقدار و چگونگی جای‌گذاری متن در هر صفحه مشخص نشده بود. بنابراین برای هر یک از کتاب‌ها باید ابتدا متن را بر صفحات تقسیم می‌کردیم. از آن‌جا که هر دو صفحه‌ی تصویر پس‌زمینه‌ای مشخصی داشت، باید متن این دو صفحه در ارتباط با موضوع تصویر پس‌زمینه قرار می‌گرفت. اکنون، از طرفی قطع کار که اندکی کوچک‌تر از قطع وزیری در نظر گرفته شده بود، فضای زیادی برای کار به ما نمی‌داد. ضمن این که مخاطب کتاب گروه سنی ابتدایی در نظر گرفته شده بود و لازم بود از فونت درشت‌تر و فضای بازتر بهره بگیریم و از طرف دیگر، تعداد صفحاتی که برای هر کتاب در نظر گرفته بودیم، محدود بود.

البته بعد از این که چند کتاب از این مجموعه را کار کردیم و الگویی از آن‌چه که در نهایت باید تولید می‌شد به دست آمد، در جلساتی که با گروه مؤلفین کتاب داشتیم، قرار بر این شد که مؤلفین کتاب‌ها نیز این الگو را در نظر داشته باشند و برای تقسیم‌بندی متن به ما کمک کنند. اما

مشکل دیگر در تقسیم‌بندی متن کتاب‌ها این بود که چون نمی‌توانستیم برای تصویرگری و یا عکاسی کتاب چندان هزینه کنیم و باید از آرشیه‌های تصویری خودمان و جست‌وجو در اینترنت کمک می‌گرفتیم، مطمئن نبودیم که چه تصویری می‌توانیم برای هریک از صفحات پیدا کنیم. همین موضوع باعث می‌شد که گاه تقسیم‌بندی متن کتاب بعد از صفحه‌آرایی، چند صفحه تغییر کند، و این زحمات همکاران ما را در صفحه‌آرایی دوچندان می‌کرد.

هم‌زمان با تقسیم‌بندی مقدماتی متن کتاب‌ها، باید تصویری را به طور فرضی برای صفحات در نظر می‌گرفتیم. همان‌طور که گفتیم، نمی‌توانستیم تصاویر را به طور قطعی مشخص کنیم. بنابراین باید ابتدا تصویری را فرض می‌کردیم و سپس برای تهیه‌ی تصاویر به جست‌وجو می‌پرداختیم و بعد از این که تا حدودی تصویری که در ارتباط با هر موضوع در دسترس داشتیم یا تهیه آن‌ها امکان‌پذیر بود، مشخص می‌شد، دوباره در باره چیدمان متن و تصاویر با قطعیت بیشتری تصمیم می‌گرفتیم. این مراحل گاه چندبار باید تکرار می‌شد تا به صفحه‌آرایی نهایی برسیم.



بر اساس الگویی که در نظر گرفته بودیم، تصاویر به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شدند.

■ تصاویر بزرگ پس‌زمینه.

■ تصاویر دیگری که در ارتباط با متن و در کنار متن قرار می‌گرفتند.

■ تصاویر مربوط به آزمایش‌های عملی که با عنوان «بخوان، انجام بده، فکر کن» در کتاب

قرار می‌گرفتند.

تصاویر پس‌زمینه

- انتخاب این تصاویر بسیار مشکل بود، زیرا باید مجموعه‌ای از ویژگی‌های زیر را دارا بودند:
- ابعاد و کیفیت آن‌ها به اندازه‌ی کافی بزرگ باشد تا به عنوان تصویر پس‌زمینه قرار گیرند.
- ارتباطی اساسی با موضوع اصلی دو صفحه‌ی کتاب داشته باشند.
- جذابیت تصویری مناسبی به عنوان تصویر اصلی صفحه ایجاد کنند.
- رنگ و پس‌زمینه‌ی خود تصویر به گونه‌ای باشد که برای متن و سایر تصاویر صفحات مشکل به وجود نیورد.
- و سرانجام آن‌چه که در مورد همه‌ی تصاویر و به خصوص تصویر اصلی هر صفحه بر آن تأکید داشتیم، این بود که تصاویر حتی‌الامکان بومی باشند.



در برخی موارد این جست‌وجو کاری بسیار زمان‌گیر می‌شد. برای مثال، یکی از تصاویر که زمان زیادی ذهن مرا اشغال کرده بود، تصویری از زکریای رازی پزشک و دانشمند ایرانی، در حال معاینه‌ی یک بیمار بود. این تصویر در صفحه‌ی ۴ کتاب «راز بیماری» کار شده است. با توجه به موضوع صفحه که درباره‌ی کشف و درمان عامل بیماری‌ها در روزگاران قدیم است، کاملاً جا داشت که تصویری از پزشکان ایران قدیم که برترین پزشکان دنیا بودند، به عنوان تصویر اصلی صفحه قرار بگیرد. به همین خاطر از همان ابتدا به یاد تصویری از زکریای رازی در حال معاینه یک بیمار افتادم که سال‌ها قبل آن را دیده بودم.

جست‌وجو در اینترنت نتیجه‌ای جز چند تصویر کوچک نداشت. با توجه به این که تصویر در

قالب یک نقاشی بود، در کتاب‌هایی که آثار تصویرگران قدیمی ایرانی را داشتند، جست‌وجو کردم تا تصویری بزرگ و باکیفیت از موضوع مورد نظر پیدا کنم که آن هم فایده‌ای نداشت. ظاهراً به جز همین تصاویر کوچک اینترنتی چیز دیگری یافت نمی‌شد و باید از همین‌ها استفاده می‌کردیم و با تکنیک‌های نرم‌افزاری، کمی کیفیت تصویر را بهتر می‌کردیم. این تصویر شاید چند هفته ذهن مرا مشغول کرد.

یک روز هنگامی که به آن تصاویر کوچک اینترنتی با ناامیدی نگاه می‌کردم، متوجه نوشته‌ای ناخوانا در کنار یکی از آن‌ها شدم. ظاهراً نام نقاش بود، اما به انگلیسی. بسیار متعجب شدم. نام نقاش را **اپرت تام** به نظر می‌رسید. با جست‌وجو در اینترنت متوجه شدم تصویری که به دنبال آن هستم، اثر یک هنرمند آمریکایی است که نقاشی‌های فراوانی از تاریخ پزشکی کشیده است. خوش‌بختانه تابلوهای وی در فروشگاه‌های اینترنتی به فروش می‌رسید.

اکنون فقط مشکل این‌جا بود که امکان خرید اینترنتی برای ما وجود نداشت، و اگر هم با روش‌هایی می‌توانستیم خرید کنیم، وصول آن در فرصت زمانی که داشتیم، بعید نبود. خوش‌بختانه یکی از دوستان که در لندن مشغول تحصیل بود در انجام این کار کمکمان کرد، بلافاصله با ایمیل از وی تقاضا کردم این تصویر را بخرد و اسکن آن را برایم بفرستد.

در مورد موضوع‌هایی مانند فضا و سیارات، به راحتی می‌توان تصاویر بزرگی در اینترنت یافت، اما در خیلی از موارد، با توجه به شرایط خاصی که تصاویر مورد نظر ما باید می‌داشتند، قضیه به این راحتی نبود. خوش‌بختانه در حال حاضر که این سطور را می‌نویسم، برخی سایت‌های اینترنتی داخل کشور، آرشیو تصویری بزرگی را با قابلیت جست‌وجوی کلمات کلیدی و با قیمتی ارزان در اختیار مراجعان قرار می‌دهند.

برای برخی از تصاویر پس‌زمینه باید از موضوع مورد نظر عکس می‌گرفتیم که آن هم مشکلات و جذابیت‌های خاص خودش را داشت؛ مشکلاتی مانند تهیه‌ی عکس از کارگر پمپ بنزینی که ما را از عکاسی منع می‌کرد و برای عکاسی از ما مجوز می‌خواست، یا نظم دادن به کودکانی که



در مدرسه‌ی فوتبال زیر آفتاب داغ تابستانی، مشغول بازی فوتبال بودند. در مواردی مانند تصاویر طبیعت ایران، دوستان و همکاران تصاویر خوبی در اختیارمان قرار دادند. در مواردی هم که به عکاسی از کودکان نیاز داشتیم، همکاری خانواده‌ها بسیار صبورانه، صمیمانه و دل‌نشین بود، که جا دارد همین‌جا از تک‌تک آن‌ها مجدداً تشکر کنم.

یکی از مواردی که در شرایط زمانی و مالی برای تهیه‌ی کتاب‌ها داشتیم، نهایتاً نتوانست به شکل مطلوب اجرا شود و یکی از نقاط ضعف عمده‌ی این مجموعه به حساب می‌آید، تصویرگری تصاویر پس‌زمینه کتاب‌های سطح اول و دوم بود. بنا بر تصمیمی که با ناشر و دبیر مجموعه گرفته بودیم، قرار شده بود تصاویر پس‌زمینه‌ی کتاب‌های سطح اول و دوم، متناسب با سن پایین مخاطبان نشان تصویرگری شوند. برای این کار با چند نفر از تصویرگران صحبت کردیم و نمونه گرفتیم، اما متأسفانه در آن فرصت زمانی و با هزینه‌ای که در نظر بود، نتوانستیم آن‌گونه که باید جذابیت لازم را برای کتاب‌های این دو سطح ایجاد کنیم. البته باید در این زمینه از خانم **علی‌پور** تشکر کنم که گرچه زمان کوتاهی در اختیارشان قرار دادیم، حداکثر تلاششان را در این راستا با علاقه انجام دادند.

تصاویر آزمایش‌ها

دو نوع تصویر دیگری که برای این مجموعه باید فراهم می‌کردیم، تصاویر آزمایش‌ها و تصاویر همراه متن بودند. این دو زمینه با توجه به اندازه‌ی کوچک‌ترشان مشکلات کمتری داشتند؛ مخصوصاً که در مورد تصاویر آزمایش‌ها از همکاری صمیمانه‌ی کودکان و خانواده‌هایی که از آن‌ها برای تصاویر استفاده می‌کردیم، بهره‌مند بودیم. تنها نکته‌ای که در مورد آزمایش‌ها در برخی موارد کار را مشکل می‌کرد، تدارک شرایطی بود، برای این که آزمایش به خوبی انجام شود تا بتوان تصویر مناسب را از آن گرفت؛ تصویری که گویای رویدادی باشد که اتفاق افتاده است. بعد از پایان صفحه‌آرایی صفحات هر مجموعه، رنگ تصاویر و آرایش تمامی صفحات از نگاه ریزبینانه و حرفه‌ای ناظر هنری مجموعه می‌گذشت. هرچند که در برخی موارد ناچار بودیم با در نظر گرفتن سایر شرایط، دقت‌های موشکافانه‌ی ایشان را در نظر نگیریم!

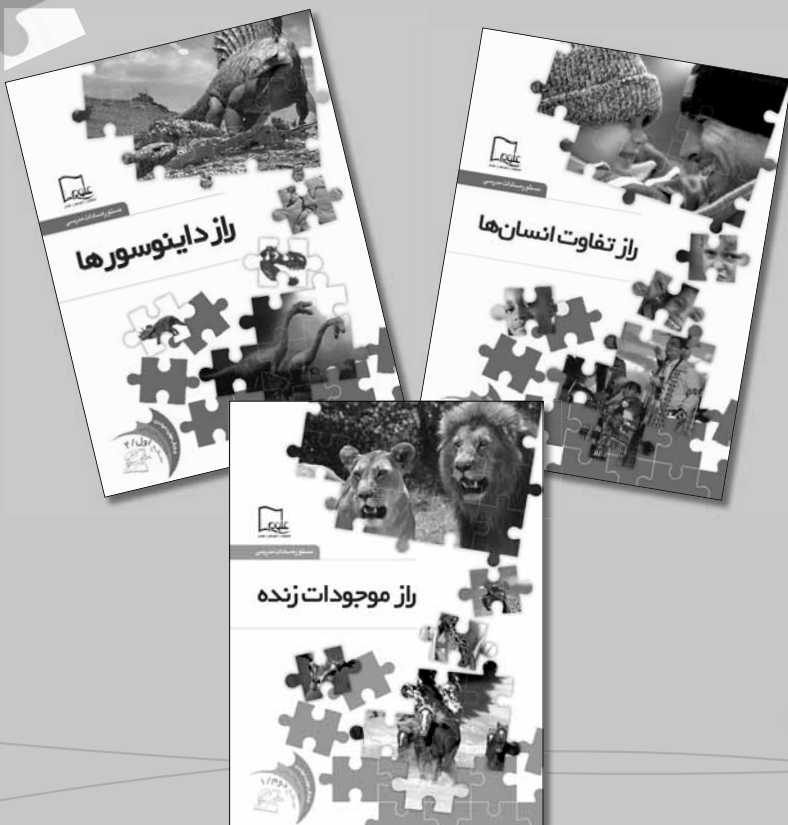
جلد مجموعه

در نهایت طراحی جلد مجموعه از مواردی بود که حساسیت خاصی را می‌طلبد، چرا که جلد کتاب مخصوصاً برای گروه سنی کودک، اولین ارتباط را با مخاطب کتاب می‌گیرد. به همین منظور همکارانمان چند پیش‌طرح (اتود) متفاوت برای جلد کتاب طراحی کردند و با همکاری دبیر مجموعه که به مدارس متفاوتی دسترسی داشتند، از خود مخاطبان کتاب نظرخواهی کردیم. بنابراین طراحی

جلد مجموعه با نظر مخاطبان کتاب، یعنی دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی انتخاب شد. در پایان شایان ذکر است، این مجموعه حاصل کار گروهی با علاقه و دلسوزانه‌ای است که با هدف خدمتی کوچک به جامعه‌ی بزرگ کودکان این سرزمین آماده شد. تجربه‌ی این کار با تمام نقاط ضعفی که طبیعتاً دارد و از دید اهل فن پنهان نیست، نشان دهنده‌ی آن بود که: «ما می‌توانیم، اگر بخواهیم». من بعد از یاری خداوند متعال - که جز به او و با او کاری انجام نمی‌شود - فقط و فقط یک عامل را به طور اساسی در موفقیت نسبی این کار دخیل می‌دانم و آن علاقه‌ی تک‌تک دست‌اندرکاران این مجموعه به تولید مجموعه‌ای با کیفیت، جذاب و بومی برای سرزمین فرزندان بوعلی‌سیناها، رازی‌ها و خوارزمی‌هاست. آنان که در عصر حکومت شاهان و در زیر نور شمع سر کردند، آن شدند، ما که در عصر فناوری سر می‌کنیم شایسته نیست که پسرانی باشیم که نداشته باشند نشانی از پدر!

◀ زیر نویس

1. Robert Thom



۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۷۵

درگفت‌وگو با هادی و سعید غریبی، مؤلفان برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد:

محتوای آموزشی مدارس فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بازار کار نیست



● سمانه آزاد

اشاره

هادی و سعید غریبی، در اولین تجربه‌شان در زمینه‌ی تألیف کتاب، موفق به کسب عنوان کتاب برگزیده در هفتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد شدند. هادی غریبی، برادر بزرگ‌تر و متولد سال ۱۳۵۶ است و دوره‌ی لیسانس را در رشته‌ی «مهندسی کامپیوتر»، در «دانشگاه زنجان» سپری کرده است. سعید غریبی نیز متولد سال ۱۳۵۸ است که در رشته‌ی برق و الکترونیک در «دانشگاه علم و صنعت» تحصیل کرده و پایان‌نامه‌ی دوره‌ی فوق‌لیسانسش نیز در باره‌ی «شناسایی الگو با استفاده از تکنیک‌های پردازش تصویر و شبکه‌های عصبی» بوده است. هادی و سعید غریبی کارشان را با تدریس در زمینه‌های گوناگون اتوماسیون صنعتی آغاز کردند و مدتی بعد تصمیم گرفتند، کتاب جامعی در این زمینه تألیف کنند که علاوه بر پوشش دادن به سطح گسترده‌ای از مخاطبان، نیازهای واقعی آنان را در رابطه با بازار کار تأمین کند. چرا که آن‌ها معتقدند: در مدارس فنی و حرفه‌ای،

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۷۶

آنچه که در بازار کار نیاز است، به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شود. گرچه این دو برادر انرژی و وقت زیادی را صرف حل مشکلات انتشار کتاب خود کرده‌اند، اما هم‌چنان برای ارائه‌ی کتاب‌هایی استاندارد در زمینه‌ی اتوماسیون صنعتی که به قول خودشان حرکت جدیدی در این حوزه خواهد بود، در تلاش‌اند. آنان امیدوارند جشنواره اعتبار و جایگاه واقعی‌اش را پیدا کند و می‌دانند که این مهم محقق نخواهد شد، مگر زمانی که هرکس با هر پست و مقامی، مصمم و معتقد به هدف‌های این جشنواره باشد.

ایده‌ی اولیه‌ی تألیف کتاب شما چگونه شکل گرفت؟

■ **سعید:** ما با هم در زمینه‌های متفاوت اتوماسیون صنعتی تدریس می‌کردیم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم برای گسترش کارمان و بومی‌سازی اتوماسیون صنعتی، در این زمینه کتاب تألیف کنیم.

در زمینه‌ی PLC در بازار کتاب‌های گوناگونی وجود داشتند، اما هیچ کدام کتابی نبود که بتواند طیف‌های متنوع دانش‌آموزان هنرستان‌ها، دانشجویان و حتی کارشناسان را پوشش دهد. البته این مشکل بیشتر کتاب‌ها در زمینه‌ی فنی و حرفه‌ای است که فقط زمینه‌ی خاصی را آموزش می‌دهند و اگر دانش‌آموز یا دانشجویی اطلاعات کافی درباره‌ی کل آن بحث نداشته باشد، قطعاً مشکل خواهد داشت و صرفاً درباره‌ی یک جنبه آموزش خواهد دید.

ما در شروع کار خودمان را جای مخاطب گذاشتیم و به این فکر کردیم که وقتی خودمان وارد این رشته شدیم، با چه مشکلاتی مواجه بودیم. بنابراین تصمیم گرفتیم کتابی تألیف کنیم که از دانش‌آموزان دوره‌ی هنرستان تا دانشجویان را پوشش دهد. هم‌چنین سرفصل‌ها را به گونه‌ای تنظیم کردیم که همه‌ی جنبه‌های اتوماسیون صنعتی را در برق و کنترل شامل شود، برای کسی هم که هیچ اطلاعاتی در این زمینه ندارد، مفید باشد. حتی پیش‌نیازهای لازم را هم تا حدی از کتاب برداشت کند تا در حد امکان جنبه‌ی آموزشی کتاب تکمیل شود.

کتاب راهنمای جامع PLC که در هفتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد به عنوان کتاب برگزیده انتخاب شده است، چه قدر جنبه‌ی کمک آموزشی دارد و چه حجمی از کتاب‌های درسی هنرجویان را در برمی‌گیرد؟

■ **هادی:** از آن‌جا که رشته‌ی اتوماسیون صنعتی و کنترل بسیار وسیع‌تر از یک درس آموزشی



در
نمایشگاه‌هایی که
در مدارس برپا می‌شود
از کتاب‌های برگزیده که
به معیارهای استاندارد
جشنواره نیز نزدیک
است، استفاده شود

۲۹۹/۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸





نقطه‌ی
قوت کتاب این
است که ما سعی نکردیم
کتاب تألیف کنیم، بلکه سعی
کردیم تجربه‌هایمان را در
قالب کتاب به مخاطبان
منتقل کنیم

است، در هنرستان درس مشخصی به نام PCL وجود ندارد و طیفی از درس‌ها که برای آشنایی کلی دانش‌آموزان با اتوماسیون تدوین شده است. اگر چنین کتابی بود، می‌توانستیم به طور کامل مقایسه کنیم. در هر صورت، کتاب ما جنبه‌ی دانش‌افزایی دارد و مباحث مقدماتی آن در کتاب‌های درسی آموزش داده می‌شود. ما در کتابمان به مباحثی توجه کرده‌ایم که با وجود اهمیت فراوان، در کتاب‌های درسی به آن‌ها پرداخته نشده است.

من معتقدم با توجه به کاربرد گسترده‌ای که این رشته در همه‌ی صنایع دارد، باید در آموزش و پرورش بیشتر مورد عنایت قرار بگیرد تا فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها، راحت‌تر و با پیشینه‌ی علمی بهتری وارد بازار کار شوند. در حال حاضر کتاب‌هایی که در این زمینه و خارج از آموزش و پرورش تهیه می‌شوند، بهتر از کتاب‌های درسی هستند که در مدارس آموزش داده می‌شوند.

در مدارس، آن‌چه که واقعاً در بازار کار نیاز است، آموزش داده نمی‌شود. یعنی صرفاً با اتکا به آن‌چه که از منابع آموزشی یاد گرفته می‌شود، نمی‌توان فعالیت مفیدی در بازار کار داشت. به همین دلیل هم، ما در کتاب ابتدا بحث آموزش را در نظر گرفته‌ایم، چون زمینه‌ی درستی وجود نداشت. در کنار آن، مباحثی را مطرح کرده‌ایم که به آموزش کمک می‌کنند.

به نظر تان مهم‌ترین نقطه‌ی قوت کتاب شما چیست؟

■ به نظر من مهم‌ترین نقطه‌ی قوت کتاب این است که ما سعی نکردیم کتاب تألیف کنیم، بلکه سعی کردیم تجربه‌هایمان را در قالب کتاب به مخاطبان منتقل کنیم. یعنی بیشتر مطالب کتاب از تجربه‌های ما در پروژه‌های متفاوت سرچشمه می‌گیرد. هم‌چنین، وقفه‌ای که در انتشار کتاب پیش آمد، به این دلیل بود که نسخه‌ی نرم‌افزاری که کتاب بر محور آن بود، عوض شد و ما برای این‌که مناسب‌ترین کتاب را ارائه دهیم، مجبور شدیم کتاب را به روز کنیم و حتی تصاویر کتاب را تغییر دادیم.

آن‌گونه که از بازخورد مخاطبان متوجه شده‌ایم، یکی دیگر از نقاط قوت کتاب، در زمینه‌ی نوع چیدمان و بیان مطالب است که برای مخاطب جاذبه و کشش دارد. به گونه‌ای که مخاطب احساس می‌کند باید مطلب بعدی را هم بخواند و بیاموزد. من معتقدم دلیل این موفقیت آن است که ما خودمان را جای مخاطب گذاشته‌ایم و فکر کرده‌ایم که اگر خودمان دوباره بخواهیم این مسیر را طی کنیم، چه اطلاعاتی باید در اختیار داشته باشیم که سریع‌تر به هدفمان برسیم.

آیا برگزیده شدن این اثر در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، بر فروش آن تأثیر داشته است؟

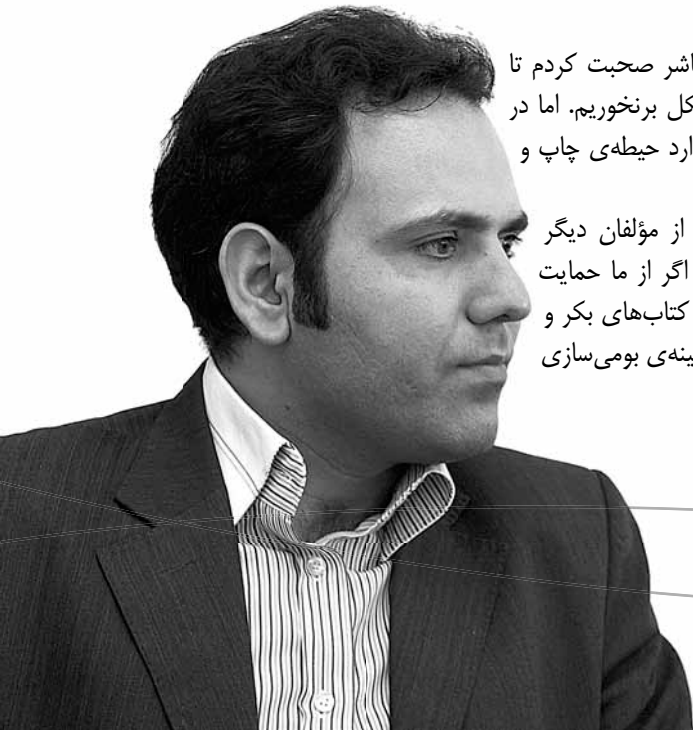
■ کتاب ما زمانی که در جشنواره برگزیده شد، برای چاپ سوم آماده شده بود و فقط روی جلد چاپ چهارم، برگزیده شدن کتاب در جشنواره درج شد. اما قطعاً این موضوع در فروش‌های بعدی تأثیرگذار بوده است. چرا که وقتی جشنواره کتابی را تأیید کند، یعنی مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش نیز هست. بنابراین، برای کسانی که زمینه‌ی قبلی ندارند و بدون تحقیق اقدام به خرید کتاب می‌کنند، مناسب است. به خصوص که بازار پر است از کتاب‌های متنوع که گاه باعث سردرگمی مخاطبان می‌شوند.

به نظر شما خلأیی که در زمینه‌ی کتاب‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وجود دارد، به چه دلیل است؟

■ شاید اگر در راه چاپ کتاب مشکلات کمتری وجود داشت، شاهد خلأ کمتری بودیم. مثلاً ما بیش از سه برابر تألیف کتاب، برای چاپ و حواشی آن انرژی و وقت گذاشتیم. در حال حاضر هم من افرادی را می‌شناسم که در زمینه‌های فنی، تخصص‌های کاربردی دارند و با این که دانش و تجربیاتشان را مدون کرده‌اند، مایل نیستند وارد وادی چاپ و نشر کتاب شوند. چرا که با مشکلات سرراهشان آشنا هستند. اما وقتی ما به آن‌ها قول همکاری و هموار کردن راه را می‌دهیم، استقبال می‌کنند. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم خودمان وارد کار چاپ و نشر شویم؛ به این امید که شاید کمتر با مشکل روبه‌رو شویم.

من برای چاپ کتاب‌هایمان با بیش از ۱۵ ناشر صحبت کردم تا ناشری را پیدا کنم که کم‌کمان باشد و به مشکل برنخوریم. اما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که باید خودمان وارد حیطه‌ی چاپ و نشر شویم و مجوز نشر بگیریم.

در حال حاضر، ما چند کتاب آماده‌ی چاپ از مؤلفان دیگر در زمینه‌ی فنی و حرفه‌ای در دست داریم که اگر از ما حمایت می‌شد، قطعاً با همکاری گروهمان می‌توانستیم کتاب‌های بکر و بسیار خوبی در این حوزه وارد بازار کنیم و در زمینه‌ی بومی‌سازی اتوماسیون صنعتی، گام مؤثری برداریم.



برخی معتقدند که جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد باید قدرت اجرایی و نقش ممیزی داشته باشد و بتواند از انتشار کتاب‌های نامناسب جلوگیری کند. نظر شما چیست؟

■ به نظر من نباید حذفی برخورد کرد. ناشر و مؤلف باید بتوانند آزادانه اثرشان را وارد بازار کنند و مخاطب هم فضای تصمیم‌گیری آزاد داشته باشد و خودش دست به انتخاب بزند. در این صورت مخاطبان، کتاب نامناسب و صرفاً بازاری را که از معیارهای آموزشی کم‌بهره یا بی‌بهره‌اند، حذف می‌کنند. به خصوص که نسل جدید ما آن قدر باهوش است که با ورق زدن کتاب‌ها، مناسب و یا نامناسب بودنشان را تشخیص می‌دهند.

پس لزومی ندارد که ما دست به اقدام حذفی بزنیم. جشنواره باید سیاست‌های تشویقی را پی‌گیری کند و برای مؤلفان انگیزه‌های بیشتری به وجود آورد. اگر هم زمانی قرار بر برخورد حذفی شد، نیازمند معیارهای کاملاً مشخصی خواهیم بود و مطمئناً برخورد سلیقه‌ای با این موضوع، آفت این حوزه خواهد بود.

از جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد چه انتظاری دارید؟

■ مهم‌ترین انتظار ما این است که جشنواره جایگاه و اعتبار واقعی‌اش را میان مردم و همه‌ی نهادها و ارگان‌هایی که به نوعی با آموزش و پرورش در ارتباط‌اند، پیدا کند. شاید اطلاع‌رسانی، به خصوص در رابطه با معیارهای جشنواره، بتواند این نقص را جبران کند. چون تا وقتی که جشنواره به خوبی شناخته نشود، جایگاه واقعی‌اش نیز شناخته نخواهد شد.

ضمن این‌که معیارهای جشنواره باید کارشناسی‌تر و دقیق‌تر باشد و بتواند به طور منصفانه همه‌ی جنبه‌ها را لحاظ کند تا زحمت مؤلف و ناشر، هر دو، دیده شود. شاید کتاب‌های ناشری اصلاً برگزیده نشود، اما با در پیش گرفتن سیاست‌هایی و حذف دغدغه‌های مؤلف، بتوان فضای به وجود آورد که باعث ایجاد انگیزه در تعدادی از مؤلفان شود و به این ترتیب، خلأیی را در بازار پُر کرد. به نظر من این حرکت به خودی خود ارزشمند و قابل تقدیر است.

هم‌چنین من از جشنواره انتظار دارم با حمایت از کتاب‌های برگزیده، به مؤلفان انگیزه‌ی بیشتری برای پوشش دادن معیارهای جشنواره، بدهد.



مثلاً در نمایشگاه‌هایی که در مدارس برپا می‌شود، از کتاب‌های برگزیده که به معیارهای استاندارد جشنواره نیز نزدیک است، استفاده شود. به این ترتیب، ضمن این که کتاب‌های بهتری در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و آن‌ها را از سردرگمی نجات می‌دهد، از ناشر و مؤلف نیز حمایت می‌شود.

پیشنهاد شما برای بهبود برگزاری جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد چیست؟

میان
جشنواره و نهادها
حلقه‌هایی ایجاد شود
تا ناشران و مؤلفانی که
می‌خواهند در راه ارائه‌ی
کتاب‌های استاندارد قدم
بردارند، کمتر با مشکل
مواجه شوند

■ ابتدا بگویم، همین که عده‌ای کارشناس که خودشان درگیر مباحث کتاب هستند، به بررسی کتاب می‌پردازند تا کتاب‌های مناسب مشخص شوند، یک حرکت انگیزشی برای مؤلفان و ناشران است. اما من معتقدم که جشنواره باید روابطش را با برخی نهادها و ارگان‌ها گسترش دهد. نهادهایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حتی دفتر آموزش‌های تخصصی فنی و حرفه‌ای.

به نظر من باید میان جشنواره و این نهادها حلقه‌هایی ایجاد شود تا ناشران و مؤلفانی که می‌خواهند در راه ارائه‌ی کتاب‌های استاندارد قدم بردارند، کمتر با مشکل مواجه شوند در این صورت خود مؤلفان بیشتر راغب می‌شوند که طبق معیارهای جشنواره عمل کنند و مطمئناً به بازوی قوی جشنواره تبدیل خواهند شد.

من به عنوان کسی که کتابش در جشنواره برگزیده شده است، انتظار دارم که دیگر با همان روند سخت و پیچیده‌ی چاپ کتاب روبه‌رو نباشم و این زمانی تحقق پیدا می‌کند که جشنواره با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رابطه برقرار کند.

مطمئنم که اگر هر کس در هر پست و مقامی که هست، مصمم و معتقد به کارش باشد، جشنواره حتماً جایگاه واقعی‌اش را به دست خواهد آورد.

گفت‌وگو با احمد تهوری
کارشناس و مدیر روابط عمومی انتشارات ققنوس

ناشر برگزیده



فاطمه خرفانیان

۱. در تولیدات خود تا چه اندازه به نیازسنجی اهمیت می‌دهید؟

نیازسنجی و در نظر گرفتن علائق مخاطبان و تفکیک گروه‌های سنی، یکی از موضوعات و پارامترهای موردنظر هر انتشاراتی حرفه‌ای است. «انتشارات ققنوس» هم در این راستا طی چند سال گذشته، به ویژه در ایام برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، دست به نظرسنجی‌های متفاوتی زده است که بالطبع به نتایجی هم رسیده‌ایم. هدف ما در وهله‌ی اول، ارزیابی نیاز و علاقه‌ی مخاطبان بود. همان‌طور که می‌دانید، نشر قبل از این که یک کار فرهنگی باشد، یک فعالیت اقتصادی است و ناشر به هر حال باید به فکر بازگشت سرمایه‌اش باشد. ولی این به آن معنا نیست که سیاست‌های کاسبکارانه در نشر رسوخ کند. به همین دلیل و با همین انگیزه، ما سعی کرده‌ایم در تولیدات انتشارات ققنوس به نوعی نظر و نیاز مخاطب را تأمین کنیم.

نتیجه‌ی نظرسنجی ما از خوانندگان حرفه‌ای کتاب‌هایمان این بود که اولاً فهمیدیم نیاز مخاطبان شناور است. علاقه‌مندی آنان در زمان‌های متفاوت از کتب تاریخی و ادبیات-رمان (داستان بلند و مجموعه داستان) شروع می‌شود و در بازه‌های زمانی خاصی، به کتاب‌های فلسفه، روان‌شناسی، حقوق و ... می‌رسد. این جدا از گروه دانشجویان و متخصصینی است که کتاب را به عنوان نیاز اولیه‌ی خود تلقی می‌کنند و در شروع سال تحصیلی، کتاب مورد نیازشان را می‌خرند. لذا با توجه به اهمیتی که به نظرات مخاطبان خود می‌دهیم؛ کتاب‌های تاریخ، فلسفه و ادبیات را در دستور کار تولیدات خود قرار داده‌ایم؛ هرچند نیازسنجی مقوله‌ای دوجانبه است و باید هم نیاز

۲۹۹۱۹۷

زمستان ۱۳۸۸

۸۲

صنعت نشر (ناشران و عوامل مربوطه) و هم نیاز مخاطبان و خوانندگان در آن مدنظر قرار گیرد.

۲. کدامیک از کتابهای شما پر شمارگان تر است؟ آیا این کتابها در کتابنامه‌ی

رشد معرفی یا در جشنواره‌ی کتابهای آموزشی رشد برگزیده شده‌اند؟

به طور معمول، کتابهایی که خوانندگان بیشتری دارند، از شمارگان بالاتری نیز برخوردارند. و با توجه به علاقه‌مندی خوانندگان به کتابهای رمان و تاریخ، این کتابها در شمارگان بالاتری منتشر می‌شوند و حتی گاهی به چاپهای متعددی هم می‌رسند. این کتابهای تاریخی، تحت عنوان «مجموعه‌ی تاریخ جهان» و «مجموعه‌ی ملل» به طور مرتب پس از انتشار برای کتابنامه‌ی رشد ارسال می‌شوند و دوستان هم در این نشریه به معرفی آنها می‌پردازند.

لازم به توضیح است که هفت جلد از کتابهای مجموعه تاریخ جهان به نامهای مصر

باستان، امپراتوری ایران، اصلاحات، رنسانس، امپراتوری آشور، قرون وسطای

اولیه و امپراتوری مغول، در «سومین جشنواره‌ی کتابهای آموزشی رشد»

در سال ۱۳۸۲ و مجموعه‌ی هفت جلدی ملل که به شناخت کشورهای

جهان از نظر سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی می‌پردازد، در آبان ۱۳۸۴

برنده‌ی جایزه‌ی جشنواره رشد شدند و از ترجمه‌ی آنها طی مراسمی

تقدیر به عمل آمد. هم‌چنین، از کتابهای تألیفی «به دنبال فردوسی»،

تألیف آقای محمد حسینی که برای رده‌ی سنی نوجوانان نوشته شده

است هم در «هفتمین جشنواره‌ی کتابهای آموزشی رشد» (آبان ۱۳۸۷)

تقدیر به عمل آمد.

از کتابهای مجموعه

تاریخ جهان به نامهای

مصر باستان، امپراتوری ایران

اصلاحات، رنسانس، امپراتوری

آشور، قرون وسطای اولیه و امپراتوری

مغول، در «سومین جشنواره‌ی

کتابهای آموزشی رشد» تقدیر

به عمل آمد

۳. آیا بین معیارهای مخاطبان و معیارهای داوری جشنواره تناسب و رابطه وجود

دارد؟ مشکل کجاست؟

فکر می‌کنم در این باره باید به معیارهای مخاطبان هم توجه لازم را داشت. به هر حال مخاطب

جوان و نوجوان در حال حاضر نیازمند خلاصه و چکیده‌ای از تاریخ جهان و ایران است که او را

به سمت اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری رهنمون کند. برای مثال، در همین مجموعه‌ی ۶۰ جلدی

تاریخ جهان، گزیده‌ای از رویدادهای مربوط به یک پدیده‌ی اجتماعی یا سیاسی را در یک جلد

ارائه که در انتهای هر کتاب هم، منابع مفصل‌تری برای مطالعه‌ی بیشتر و کامل‌تر به مخاطب

معرفی کرده‌ایم. مشکل شاید آنجا باشد که در داوری‌ها، به تجربه و تخصص مترجم کتاب توجه

کافی و وافی نمی‌شود و ملاک، متن ترجمه شده‌ای است که او توسط ناشر ارائه داده است. گاهی

سابقه‌ی مترجم در دیگر زمینه‌ها مغفول می‌ماند.

۴. آیا به نظر شما می‌توان کتاب‌های ترجمه‌ای را در جشنواره داوری کرد؟ جایزه را باید به چه کسی داد؟ آیا مقایسه‌ی آن‌ها با کتاب‌های تألیفی کار درستی است؟

به هر حال، همه‌ی کتاب‌های انتشارات ققنوس که در جشنواره از آن‌ها تقدیر شده است، ترجمه بوده‌اند و داوران آن‌ها را انتخاب کرده‌اند. داوران به صحت و سقم ترجمه، روان بودن متن ترجمه و ارتباطی که توانسته است با گروه سنی خاصی برقرار کند، حتماً توجه کافی داشته‌اند، که به مترجم و نویسنده‌ی کتاب‌های ما- خانم شاداب و آقای حقیقت‌خواه، محمد حسینی و ... - جایزه داده‌اند.

اما در مورد این که می‌پرسید مقایسه‌ی ترجمه با تألیف کار درستی است یا خیر، به جرئت می‌توانم بگویم، خیر! چرا که حساب ترجمه‌ی یک متن از تألیف جداست. ترجمه یک فن است و اگر مترجم بتواند با زیبایی هرچه تمام‌تر پیام اصلی نویسنده را با درایت و دقت به خواننده منتقل کند، بخشی از وظیفه‌ی خود را انجام داده است. اما در تألیف کار متفاوت است و بحث تولید علم و اندیشه به میان می‌آید که وظیفه‌ی مؤلف را سنگین‌تر می‌کند.

ترجمه
یک فن است و اگر
مترجم بتواند با زیبایی
هرچه تمام‌تر پیام اصلی
نویسنده را با درایت و دقت به
خواننده منتقل کند، بخشی
از وظیفه‌ی خود را انجام
داده است

۵. چه قدر به موضوع آماده‌سازی و کارهای هنری در چاپ کتاب اهمیت می‌دهید؟ آیا این موضوع رابطه‌ای با فروش دارد؟

صفحه‌بندی و صفحه‌آرایی و طرح روی جلد کتاب، بخشی از کارهای هنری آماده‌سازی کتاب است که تأثیر مثبتی روی جلب مخاطب دارد. خواننده وقتی کتابی را در دست بگیرد که از ویرایش خوبی برخوردار باشد، غلط‌های چاپی نداشته و طرح جلد خوبی روی آن نقش بسته باشد، احساس رضایت خاطر می‌کند. لذا انتشارات ققنوس در این باره همیشه سعی کرده است، جوانب حرفه‌ای کار هنری خوب را در آماده‌سازی کتاب‌هایش مدنظر قرار دهد.

۶. چه ویژگی‌هایی در کار شما هست که باعث شده نشر شما برگزیده شود؟

انتشارات ققنوس در سال ۱۳۸۰ ناشر برگزیده‌ی «دوازدهمین نمایشگاه کتاب تهران» شد. دو سال بعد هم در «چهاردهمین دوره‌ی نمایشگاه» از این ما تقدیر به عمل آمد. البته در سال‌های دیگر، کتاب‌های انتشارات ققنوس در شورای کتاب کودک، جشنواره‌های رشد، کتاب فصل، کتاب سال، جایزه‌ی ادبی اصفهان و ... جوایزی را به خود اختصاص داد. لازم است بگویم، کتاب «راهنمای زبان‌های ایرانی»، ترجمه‌ی دکتر رضایی باغبیدی و گروه دیگری از مترجمان، و

۱۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۸۴

«پدیدارشناسی»، نوشته‌ی سیاوش جمادی، در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶ برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال شدند.

اما این که چه ویژگی‌هایی باعث برگزیده شدن نشر ما به عنوان ناشر برگزیده شد را باید از داوران و دست‌اندرکاران این جشنواره‌ها پرسید، ما علاوه بر دقت در انتخاب موضوعات برای چاپ کتاب، به محتوا و کیفیت و نیز کمیت کار هم اهمیت می‌دهیم و سعی می‌کنیم کار در شکل و محتوای مناسبی به دست مخاطب برسد. هم‌چنین در نمایشگاه سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲، غرفه‌آرایی ما نظر مخاطبان و داوران نمایشگاه را جلب کرد.

۷. چه انتظاری از جشنواره‌ی رشد و طرح سامان‌بخشی دارید؟

امیدوارم که جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی بتواند به طور حرفه‌ای هر سال نیاز مخاطبان را که اکثر آن‌ها از دانش‌آموزان و جوانان این مرز و بوم هستند، ارزیابی کند و آن‌ها را در طرح سامان‌بخشی مدنظر قرار دهد و بتواند به طریقی معقول با ناشران فعال در این زمینه تعامل برقرار کند. زیرا این دفتر با توجه به وظیفه‌ای که دارد، می‌تواند نقش مهمی را در این راستا ایفا کند. و به شکل مطلوب، آثار ناشران را به طریقی مقتضی ارزیابی و آن‌ها را دسته‌بندی و تفکیک کند. هم‌چنین بتواند ضمن شناسایی مخاطبان هر کتاب، آثار ناشران را با توجه به تقسیم‌بندی موضوعی آن‌ها به اهل فن و متخصصان آن رشته معرفی کند.

۸. مشکلات، مسائل و موانع کار نشر کتب آموزشی را در چه می‌بینید؟

تعریف کتاب‌های آموزشی دایره‌ای وسیع و فراتر از تصور همگان دارد. شاید به معنای دقیق‌تر بتوان دایره‌ی شمول این تعریف را تا آن‌جا گسترش داد که هر کتاب غیردرسی را آموزشی قلمداد کرد؛ چرا که هر کتابی می‌تواند آموزشی باشد. البته به تقسیم‌بندی‌های رایج و معمول کاری ندارم، زیرا کتاب‌هایی هم هستند که به نظر من سهم‌چندانی در آشنایی و آموزش مخاطبان‌شان با نیازهایشان ندارند. کتاب‌سازی‌های بی‌مورد، جمع‌آوری‌های بیهوده و وقت تلف کن، و کتاب‌های غیرضرور از این جمله‌اند. اما کتاب‌هایی که با اهداف خاص کلاسیک و آموزشی تدوین می‌شوند، در این دسته‌بندی جا نمی‌گیرند.

مقوله‌ی کتاب‌سازی هم از جمله معضلاتی است که خوانندگان علاقه‌مند و جویای درک مطالب بیشتر و مفیدتر را دچار گمراهی می‌سازد. و آن‌ها را از دستیابی به اهداف اصلی کتاب دور می‌کند. این در حالی است که برخی از چنین کتاب‌هایی، در شناس‌نامه‌شان هم، عنوان کتاب آموزشی را یدک می‌کشند. کارشناسان دفتر سامان‌بخشی باید به این موضوع توجه داشته باشند

که در این مواقع با دقت هرچه بیشتری کتاب‌های آموزشی را از دیگر کتاب‌ها بازشناسی کنند. اگر ما بتوانیم درک درستی از نیازهای جامعه‌ی دانشگاهی و دانشجوییمان داشته باشیم و ناشران را به سمت تولید علم و اندیشه سوق دهیم، مطمئن باشید که گام اولیه را در مسیر تفکر نوین و عقلایی و آشنایی نسل جوان با مقوله‌ی آموزش برداشته‌ایم.

۹. آیا در حوزه‌ی فنی حرفه‌ای و کار دانش، نشر شما تولیداتی دارد؟ در این زمینه چه برنامه‌ای دارید؟

انتشارات ققنوس هرچند در موضوعات متنوعی مثل فلسفه، ادبیات، تاریخ، حقوق، روان‌شناسی و ... تولیداتی دارد، اما به دلایلی در این چند سال در حوزه‌ی فنی و حرفه‌ای کتابی نداشته‌ایم. چرا که به هر حال شناسه‌ی نشر ما تا اندازه‌ای ما را مجبور می‌کند که در حوزه‌ی تخصصی خود قدم برداریم. اما این دلیل نشده است که ما از این موضوع غافل بمانیم. بخشی از تولیدات انتشارات ما به علوم خالص و علوم پایه اختصاص داشته است که در زمره‌ی کتاب‌های دانشگاهی و درسی بوده‌اند.

ریاضیات دانشگاهی، هندسه‌ی جبری، و آنالیز عددی، از جمله‌ی این کتاب‌ها هستند که خوش‌بختانه مورد استفاده‌ی بسیاری از دانشجویان این رشته‌ها بوده‌اند.



۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۸۷



نقش معلمین در گسترش جایگاه کتاب‌های آموزشی

جمال‌الدین اکرمی

اشاره

دومین نشست از مجموعه نشست‌های «دفتر انتشارات کمک آموزشی»، به نقش معلمین در گسترش جایگاه کتاب‌های آموزشی اختصاص داشت. در این نشست خانم **اکرم بهرامیان** و **محمد فرخی** به عنوان معلمین فعال که خود مؤلف کتاب‌های آموزشی برگزیده در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد بوده‌اند، به تحلیل این جایگاه پرداختند.

آقایان حسن طاهری و نبی‌اله صادقیان از کارشناسان دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی و نیز **محبت‌اله همتی**، معاون برنامه‌ریزی کتاب دفتر انتشارات کمک آموزشی نقطه نظرات خود را در این زمینه مطرح کرده‌اند.

اکرمی: خانم بهرامیان لطفاً خودتان را معرفی کنید و از تجربه‌تان با بچه‌ها و تألیفاتی که داشته‌اید، بگویید.

بهرامیان: من اکرم بهرامیان هستم. معلم پایه‌ی اول. سی و سومین سال کارم است. کتاب «هفت گام اساسی تا اشنانویسی» را نوشته‌ام که رتبه‌ی سوم جشنواره‌ی رشد را دریافت کرد. این کتاب برای معلم‌ها نوشته شده است؛ معلم‌هایی که دوست دارند بچه‌ها بنویسند. ما با مقوله‌ای به نام «نوشتن» یا «انشا» سروکار داریم که در واقع به نوعی همان فن نوشتن است.

۲۹۹۰۱۹

زمستان ۱۳۸۸





اکرمی: آقای طاهری، شما چه تلاش‌هایی در زمینه‌ی آموزش و ارتباط با بچه‌ها داشته‌اید؟
طاهری: من حسن طاهری هستم. ۴۴ سال سابقه‌ی کار در آموزش ابتدایی دارم. هشت سال کارشناس گروه هماهنگی ابتدایی تألیف کتاب‌های درسی بودم و با برنامه‌های درسی و مسائل مرتبط با آن‌ها آشنا هستم. برخی از مقالاتم در رشدهای تکنولوژی آموزشی، ابتدایی، دانش‌آموز و کودک چاپ شده است. از جمله تألیفات من «به‌کارگیری روش‌های جدید آموزش علوم» است که کتاب برگزیده‌ی جشنواره در دوره‌ی سوم بود.

بیشتر تجربه‌هایم مرتبط با آموزش ابتدایی هستند؛ ایده‌هایی که سعی می‌کنم آن را با بچه‌ها دنبال کنم. از جمله چیزهایی که یاد گرفتم این است که بچه‌ها در حوزه‌ی آموزش زبان می‌توانند از مهارت‌هایی که در زمینه‌ی شعر برخوردارند، کمک بگیرند. مثلاً تلاش بچه‌ها برای پیدا کردن قافیه برای کلماتی که با آن‌ها سروکار دارند، می‌تواند حوزه‌ی فراگیری زبان را گسترش دهد. هم‌چنین، در کاری که با دانش‌آموزان کلاس اول در علوم ابتدایی دنبال کردم، متوجه شدم بچه‌های کلاس اول هم می‌توانند به روش علمی تحقیق کنند. می‌توانند مراحل روش علمی را بفهمند و علمی کار کنند.

اکرمی: خانم بهرامیان، شما کتاب آموزشی را چگونه تعریف می‌کنید؟ چگونه کتاب‌های آموزشی دسته‌بندی می‌شوند و دسته‌بندی‌های آن‌ها چه زیرشاخه‌هایی دارد؟ هم‌چنین، ارتباط کتاب‌های آموزشی با مقوله‌ی «ادبیات» را چگونه می‌بینید؟

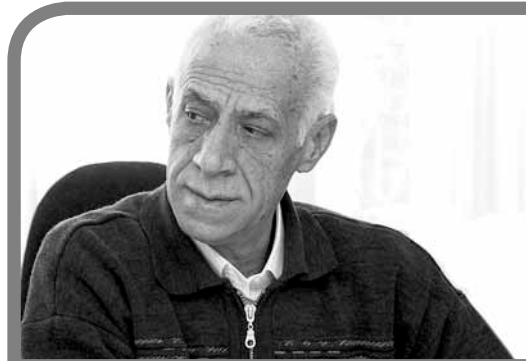
بهرامیان: من بهتر می‌بینم که در اصطلاح کتاب‌های کمک آموزشی، واژه‌ی «کمک» آن را کنار بگذارم. یعنی کتاب‌هایی که به تعبیری مورد قبول عام هستند تا اندازه‌ای هم خاص. به دلیل کاری که با بچه‌ها می‌کنیم و نوع ارتباطی که بچه‌ها با آن کتاب‌ها می‌گیرند، این کتاب‌ها می‌توانند ویژه و خاص باشند. برای من رسیدن به آن دسته از اهداف کتاب‌های درسی که با خود کتاب‌های درسی محقق نمی‌شوند، اهمیت دارد. من نمی‌توانم به وسیله‌ی کتاب‌های درسی، به هدف‌هایی که در آن منظور شده است، برسم.

مثلاً محور کار من برای رسیدن به مفهوم تفریق، این گونه است که یک هفته مانده به درس تفریق، هیچ حرفی از تفریق در ریاضی نمی‌زنم. کتابی هست به نام «ده تا جوجه رفتند تو کوچه» که فکر می‌کنم نوشته‌ی زنده‌یاد **منوچهر احترامی** است. متن این کتاب، شعرواره است و با بچه‌ها خوب ارتباط برقرار می‌کند. موقع شروع کار در کلاس، یک خرده با پا ضرب می‌گیرم و این کتاب را برایشان می‌خوانم. بعد از یک هفته، صفحه‌های کتاب را کپی می‌کنم و پس از آن که بچه‌ها را گروه‌بندی کردم، از آن‌ها می‌خواهم همان‌طور که دارم این شعر را می‌خوانم، آن‌ها واژه‌های مورد نظر را پیدا کنند.

من اعتقاد دارم ابتدا باید زمینه‌سازی لازم اتفاق بیفتد تا بعد از طریق کتاب، کار ادامه پیدا کند. چندان اعتقاد ندارم که از طریق کتاب کار، این موضوع را با بچه‌ها دنبال کنم. به جای این که بعد از درس دادن شروع کنیم به حل تمرین‌ها تا تثبیت یادگیری صورت گیرد، از روش‌های تجربی دیگری استفاده می‌کنم. لزومی ندارد من به سرعت تفریق را درس بدهم و بعد به وسیله‌ی کتاب‌های کار که البته گاهی هم نویسندگان‌شان انسان‌های بزرگی هستند، کار را ادامه بدهم. البته این در جای خودش کار سختی است و زمان زیادی می‌گیرد. طبعاً باید ابتدا به اصول و چارچوبی که نظام آموزشی ما به آن اعتقاد دارد، دست پیدا کنیم و بعد کارمان را گسترش بدهیم.

گاهی بعد از حدود یک یا دو هفته کار تجربی و آماده‌سازی، آن وقت می‌رسیم به متن کتاب درسی. این کاری است که معمولاً در درس‌های دیگر هم دنبال می‌کنم. امکان ندارد درس فارسی را شروع کنم بدون آن که به فرهنگ سخن آقای دکتر **انوری** مراجعه نکنم. برای رسیدن به اهدافم حتماً از این کتاب‌ها کمک می‌گیرم. یا برای تدریس مقوله‌ی عددها، از کتابی مثل «چه کسی اعداد را می‌دانست؟» کمک می‌گیرم. حالا شاید از نظر شما این داستان چندان قوی نباشد. بنابراین کتاب‌های کمک آموزشی برای من «کمک» نیست، محور تدریس من است. هدفم این است که فکر و ذهن بچه‌ها را با مفاهیم آشنا کنم و بعد درس بدهم.

طاهری: درست است که پیدا کردن روش شخصی برای معلم یک اصل است. کتاب‌های تألیفی من در حوزه‌ی آموزش چند سال پشت سرهم چاپ شد. سال چهارم، ناشر باز هم تقاضای تجدیدچاپ داشت، اما من قبول نکردم؛ چون متفاوت فکر می‌کردم. به نظر من، عمر آن کتاب‌ها تمام شده بود و باید جور دیگری به موضوع آموزش نگاه می‌کردم. چند روز پیش، با دانش‌آموزان کلاس سوم یک بحث روان‌خوانی را دنبال می‌کردم.



به کلمه‌ی «ریسیدن» برخوردیم. با کمک بچه‌ها پنبه آوردیم و نخ ریسیدیم تا بتوانیم فراگیری آن واژه را با بچه‌ها دنبال کنیم. در مورد واژگانی که با یک فرایند عملی روبه‌رو هستند، از نظر من باید عملی کار کرد و نباید چندان توضیح داد. آن هم با توجه به این که مخاطبان کودک نمی‌توانند توضیحات بزرگ‌سالانه را چندان درک کنند.

اکرمی: می‌خواهم بحث را به کتاب‌های مفهومی برگردانم؛ یعنی کتاب‌های «Concept Book». خانم قزل ایاغ در کتاب «ترویج خواندن» به کتاب‌های مفهومی اشاره می‌کند؛ مثل «الفبا آموزها»، «عدد آموزها»، «رنگ آموزها» و «زبان آموزها». به خصوص در سال‌های نخست دبستان، بسیاری از کارشناسان این کتاب‌ها را به عنوان شاخه‌ای از ادبیات قلمداد می‌کنند. از جمله، خانم شارلوت هوک و همکارانش در کتاب

«ادبیات کودکان در دوره‌ی دبستان» اشاره می‌کند که در کتاب‌های مفهومی، معمولاً مفاهیم آموزش اعداد، یا الفبا از طریق قصه یا شعر یا سرگرمی دنبال می‌شود. در واقع، بحث کتاب‌های مفهومی را به عنوان شاخه‌ای از ادبیات دنبال می‌کنیم و عمدتاً از طریق تصویر و تصویرخوانی و در کنار کتاب‌های دیگر، موضوع آموزش مطرح می‌شود.

بسیاری از تصویرگران و نویسندگان بزرگ دنیا، مثل اریک کارل یا

ماسانو که برندگان جایزه‌ی نوبل کودکان - اندرسن - هستند، بیشتر هم و

غم خود را روی این گونه کتاب‌ها گذاشته‌اند. حتی می‌توانیم از که‌وتاپاکوفسکا صحبت کنیم که در کتاب‌های تصویری خودش، به عنوان عددآموز، به موضوع آموزش و ریاضی می‌پردازد. هم‌چنین تلاش‌های عباس یمینی شریف برای تألیف کتاب‌های الفبا آموز به صورت شعر، قابل توجه است. نورالدین زرین‌کلک هم، کتاب «آ اول الفباست» را کار کرده. می‌خواهم بپرسم: این کتاب‌ها به عنوان کتاب‌های مفهومی، چه دارند که کتاب‌های درسی فاقد آن هستند؟ چرا کتاب‌های درسی بسنده نیست و ما به اختیار یا به اجبار به سمت کتاب‌های مفهومی گرایش پیدا می‌کنیم و آن را تکمیل‌کننده‌ی روند آموزش برای بچه‌ها می‌دانیم؟

بهرامیان: کتاب‌های درسی، به دلیل محدودیتی که دارند و به آموزش مستقیم می‌پردازند، نمی‌توانند چندان فراگیر باشند. در مقاله‌ای خواندم، مفاهیم کتاب‌های درسی ما برابر کتاب‌های درسی کشوری مثل انگلیس است، در حالی که حجم آن یک سوم کتاب‌های آن‌هاست. یعنی کتاب ما مفهوم زیاد دارد. مثلاً در کتاب‌های کم حجم ما، من معلم به تبعیت از کتاب درسی،

کتاب‌های
درسی، به دلیل
محدودیتی که دارند
و به آموزش مستقیم
می‌پردازند، نمی‌توانند
چندان فراگیر باشند

مصدق را جای‌گزین مفهوم می‌کنم. مثلاً در درس «لانه‌ی جانوران»، اگر تنها به کتاب درسی اکتفا کنیم، فقط به نام‌گذاری‌ها اشاره می‌کنیم. در واقع، کاری که من معلم می‌کنم این است که مفهوم لانه را به بچه نمی‌دهم، بلکه مصداق آن را جای‌گزین مفهوم می‌کنم. اما اگر در کنار کتاب درسی، من کتاب «خانه‌ی جانوران» را به بچه‌ها نشان بدهم، این مفهوم را گسترش داده‌ام. وقتی بچه می‌بیند که سگ آبی چگونه لانه‌اش را مهندسی می‌کند، دیگر آن چهار تا لانه در کتاب درسی را، به مفهوم «لانه» به ذهنش نمی‌سپارد. به دلیل حجم کم کتاب درسی، ما مجبوریم فقط مثال بزنیم.

امیدوارم روزی برسد که در کنار کتاب درسی، کتاب‌های آموزشی هم داشته باشیم. نمی‌گویم که نداریم. اگر به محروم‌ترین جای کشور هم برویم، کتاب آموزشی داریم، ولی باید رغبت مطالعه‌ی این کتاب‌ها را هم داشته باشیم. باید به عنوان معلم خودم را موظف بدانم که به کتاب‌خانه بروم و کتابی را که مثلاً در مورد گرماست، مطالعه کنم و آن را در اختیار بچه‌ها بگذارم.

آموزش و پرورش
متولی تولید نمونه
کتاب‌هایی با عنوان
«خواندنی‌ها» به منظور
تکمیل کتاب‌های
درسی باشد

اکرمی: آقای فرخی، ما در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، در کنار کتاب‌های

درسی مجموعه کتاب‌هایی داشتیم با عنوان «بخوانیم» که مکمل کتاب‌های

درسی بودند. مثلاً، کتاب سوم دبستان یک کتاب همراه داشت با عنوان «بخوانیم

سوم دبستان» که در آن بازی و شعر بود و به نوعی مفهوم کتاب‌های درسی را گسترش

می‌داد. حتی کاردستی و چیزهایی از این دست را هم دربرمی‌گرفت. حجم این کتاب‌های

«بخوانیم» بیشتر از خود کتاب‌های درسی بود و به عنوان مکمل کتاب‌های درسی تألیف

شده بود. به نظر شما، آیا وجود چنین مکمل‌هایی لازم هست؟ اصلاً کتاب درسی ما

چه کم دارد که معلم ناگزیر می‌شود به سمت کتاب‌های مفهومی و آموزشی برود؟ چه

ضرورتی دارد که نظام وزارت‌خانه‌ای به مقوله‌هایی از این دست فکر کند؟

فرخی: کتاب‌هایی که به آن‌ها اشاره کردید و در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ چاپ شده بودند،

به استنباط من در واقع با هدف توسعه‌ی همان مفاهیمی که در کتاب‌های درسی وجود داشت،

نوشته و آماده شده بودند. من هم این کتاب‌ها را دیده‌ام. در واقع کتاب‌های درسی جواب‌گوی

برنامه‌ی یک ساله‌ی آموزشی نبوده و نیست. برخی از مناطق ما به خاطر تفاوت‌های اقلیمی

شاید به توسعه‌ی یک سلسله نکات و مفاهیمی احتیاج داشته باشند که بیشتر با فضای بومی

زندگی خودشان مرتبط باشد. به همین دلیل، بعضی از این کتاب‌ها با گرایش منطقه‌ای و اقلیمی

نوشته شده‌اند. شاید بد نباشد که سازمان آموزش و پرورش متولی تولید نمونه کتاب‌هایی با عنوان

«خواندنی‌ها» به منظور تکمیل کتاب‌های درسی باشد یا منابع مطالعاتی مناسبی را که به تأیید

کارشناسان سازمان رسیده باشد، معرفی کند و امکان دسترسی رایگان به این منابع را برای مخاطبان فراهم آورد. من هم معلم هستم و در پایه‌ی اول دبستان تجربه دارم و با دفتر معاونت آموزش نیز همکاری می‌کنم و با مواردی که دوستان اشاره کردند، روبه‌رو هستیم.

اکرمی: کلیدواژه‌های گفت‌وگویمان را مطرح کردیم: «تعریف کتاب‌های آموزشی» که ما در این جا کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی را با هم مطرح می‌کنیم. به نظر شما، حوزه‌ی تعریف آن‌ها چیست؟ کجا «کتاب آموزشی» از کتاب «کمک آموزشی» و «کمک درسی» جدا می‌شود؟ شما معلمین به عنوان عامل اجرای این مفاهیم در کلاس درس، چه کاری انجام می‌دهید و از چه کتاب‌هایی کمک می‌گیرید؟ حوزه‌ی مراجعه‌ی شما به کتاب‌های کمک درسی چگونه است؟ معلم‌هایی هستند که شاید اصلاً به کتاب‌های آموزشی مراجعه نکنند، ولی معلمینی هم هستند که برای بچه‌ها کتاب می‌خوانند و حتی سر کلاس با اجرای نمایش به اهداف آموزشی دست پیدا می‌کنند. این بحث اصلی ماست. شما از چه کتاب‌هایی استفاده می‌کنید و برای گسترش مفهوم عدد، الفبا، رنگ یا زبان از چه کتاب‌هایی کمک می‌گیرید؟

طاهری: من بیشتر به فعالیت‌ها و فرایندهای یادگیری و یاددهی توجه دارم. اگر این فرایندها به صورت متمرکز به فعالیت‌های خود یادگیرنده متکی نباشند، وجود کتاب‌ها را، اگر نگوییم بی‌ارزش، بسیار کم ارزش می‌دانم و فقط به جمع‌آوری اطلاعات محدود می‌شود. اگر مطالب کتاب با یک نقشه‌ی عالمانه و آگاهانه به سوی مفهوم‌سازی کشیده نشود، آن مطالب در همان ابتدا فقط به صورت خواندنی باقی می‌مانند. این کار هم نیازمند مدیریت مطالعه و فراگیری است.

اکرمی: خانم بهرامیان، کتاب‌هایی که شما به کلاس‌ها می‌برید، آیا واقعاً کتاب کمک‌درسی محسوب می‌شوند؟

بهرامیان: چون رشته‌ی من طراحی آموزشی است، باید قبل از ورود به کلاس، طرح تدریس داشته باشم. پژوهشی داشتم که برنده‌ی سال ۱۳۸۴ جشنواره شد با عنوان «چگونه می‌توان تصویر ذهنی درستی از مفاهیم در ذهن کودکان ایجاد کرد؟» وقتی می‌خواستم به بچه‌های کلاس «آی اول» و «آی غیر اول» را توضیح بدهم، متوجه شدم آن‌ها آی اول را می‌فهمند، ولی از آی غیر اول برداشتشان چیز دیگری است. می‌گفتند: آی دوم، آی سوم و غیره. بنابراین سعی کردم راه دیگری پیدا کنم که این کار به تدوین روش تدریس انجامید. اگر کتابی

۲۹۹/۱۳۰

زمستان ۱۳۸۸

۹۳





به کلاس برده شود، بدون آن که فرایند یادگیری و یاددهی آن در نظر گرفته شود، کتاب کنار می‌رود. با حرف آقای طاهری موافقم. در نظر گرفتن این کتاب‌ها حتماً باید عالمانه باشد. من در حد دانشی که دارم، سعی می‌کنم خیلی جاها هزینه کنم. به کلاس‌های روش تدریس می‌روم و حداقل چند روش برای درست خواندن یاد می‌گیرم. امروزه عصر آتشفشان اطلاعات است. سعی می‌کنم سرعت خواندن بچه‌ها بالا برود. بچه‌های دنیا کتاب می‌خوانند تا آگاه شوند، ولی ما کتاب می‌خوانیم تا بخوابیم. زاویه‌ی دید ما بسته است، در نتیجه فقط به مغز فشار می‌آوریم. مغز دستور می‌دهد: چشم‌ها را ببند و بخواب!

اکرمی: ما هنوز به تعریف و کارکرد ثابتی در این مورد نرسیده‌ایم. در انتقال این مفاهیم به کودک، کتاب درسی واقعاً چه نقشی دارد و چگونه برای این کار برنامه‌ریزی شده است؟ آیا برای این کار سازمان‌دهی مرکزی وجود دارد؟ شما از یک سلسله فعالیت‌های کمک آموزشی برای گسترش فراگیری مفاهیم بهره می‌گیرید که کتاب یکی از آنهاست. کتاب آموزشی چه قدر برای گسترش مفاهیم جا دارد و ما چه طور آن را طبقه‌بندی می‌کنیم؟

فرخی: یک نمونه از کتاب آموزشی موفق «پیک آدینه‌ی فارسی اول دبستان» است که در جشنواره‌ی سال ۱۳۸۴ به عنوان کتاب مناسب انتخاب شد.

شاید بهتر باشد ابتدا تعریفی از کتاب آموزشی داشته باشیم. مطمئناً هر کتابی در مفهوم کلی آن کتاب آموزشی به‌طور عام تعریف می‌شود؛ چون در هر حال، چیزی برای آموختن دارد. ولی تعریف کتاب آموزشی به‌طور خاص، همان تعریفی است که اهل فن ارائه کرده‌اند. آن‌ها این قبیل کتاب‌ها را به سه دسته‌ی اصلی تقسیم کرده‌اند:



■ گروه اول «کتاب‌های آموزشی» هستند که در واقع همان کتاب‌های

درسی‌اند و وجه تمایز آن‌ها از دیگر کتاب‌ها آن است که توسط یک مرجع رسمی آموزشی برای انتقال این مفاهیم انتخاب و معرفی شده‌اند. در کشور ما که منحصراً تولید محتوای این کتاب‌ها در اختیار «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» است، این گونه کتاب‌ها جایگاه خودشان را دارند.

■ بخش دیگری از کتاب‌ها که شاید موضوع اصلی صحبت ما باشند و به عنوان مکمل کتاب‌های درسی قلمداد می‌شوند، «کتاب‌های آموزشی غیردرسی» هستند. شاید عنوان «کمک آموزشی» برای آن‌ها مناسب‌تر باشد. کتاب‌های آموزشی غیردرسی مجموعه کتاب‌هایی هستند که در واقع توسط مرجع رسمی آموزش و پرورش به عنوان کتاب آموزشی معرفی نشده‌اند و می‌توانند یکی از منابعی باشند که به آن‌ها مراجعه می‌شود و به دلیل ماهیتشان، عمدتاً بهره‌برداری از آن‌ها، با آنچه که خود مؤلف در نظر گرفته، متفاوت است. مثلاً به مجموعه کتاب‌هایی برمی‌خوریم که حاوی داستان‌هایی از شاهنامه هستند. شاید مؤلف تصور ذهنی دیگری در تألیف این گونه کتاب‌ها و بازنویسی و ساده‌نویسی آن‌ها داشته باشد، ولی وقتی ماهیت کمک آموزشی این کتاب‌ها را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم به این که این کتاب‌ها می‌توانند در تقویت مهارت‌های خواندن به نوسوادان و بچه‌ها کمک کنند.

این کتاب‌ها قاعدتاً باید خالی از اشکال‌های اساسی و بنیادی باشند تا تضاد و اختلالی در امر فراگیری ایجاد نشود. به همین دلیل این کتاب‌ها را می‌فرستند به سامانه‌ای در «دفتر انتشارات کمک آموزشی» تا مورد ارزیابی قرار گیرند. اگر هدف این باشد که به کارگیری این کتاب‌ها را به عنوان کارافزایی در کنار کتاب‌های درسی برای توسعه‌ی این مهارت‌ها به دانش‌آموزان خود

توصیه کنیم، باید حتی خالی از اشکال رسم الخطی باشند.

■ مورد سوم، کتاب‌های «کمک درسی» هستند. در واقع وجه تمایزشان از دیگر کتاب‌ها این است که باید خودشان را منحصر کنند به چارچوب کتاب‌های درسی که در آن حوزه تعریف شده‌اند.

الان دانش‌آموزان ما این سه گونه کتاب را در فضای مدرسه‌ای و غیرمدرسه‌ای مطالعه می‌کنند. کتاب‌های درسی و کمک درسی که جایگاه خودشان را دارند. اگر تمرکزمان روی کتاب‌های آموزشی غیردرسی یا همان کتاب‌های کمک آموزشی است، لازم است برای گسترش فراگیری آن‌ها در کلاس‌های درس تدابیری اندیشه شود. یکی از کارهایی که می‌توانیم انجام دهیم، تشکیل کتابخانه‌های مدرسه‌ای و کلاسی است. در مدارس ما، فضاهایی به عنوان کتابخانه‌های کلاسی تعریف شده است؛ به‌ویژه در مدارس غیرانتفاعی که می‌دانیم از فضاهای وسیع‌تری برخوردارند. ولی شاخص‌هایی برای ارزش‌یابی این‌که چگونه از این فضاهای آموزشی استفاده شود، در نظر گرفته نشده است. به علاوه چون در ۲۴ ساعت آموزش موظف معلمان که برای تدریس هفتگی در دوره‌ی ابتدایی تعریف شده است، جایگاه مستقلی برای کتابخوانی وجود ندارد، این امر با موانع جدی روبه‌رو می‌شود.

در ۲۴ ساعت
آموزش موظف معلمان
که برای تدریس هفتگی در
دوره‌ی ابتدایی تعریف شده
است، جایگاه مستقلی
برای کتابخوانی
وجود ندارد

برای مثال، معلم باید دانش‌آموز خودش را به فضای کتابخانه ببرد و یا کار کتابخوانی را در کلاس درس انجام بدهد و لابه‌لای هدف‌های برنامه‌ی درسی خود بگنجانند. این به مهارت، علاقه و آگاهی معلم بستگی دارد که بتواند با هماهنگی‌هایی که انجام می‌دهد، در ساعات متفاوت بچه‌ها را به فضای کتاب و کتابخانه ببرد. یکی از روش‌های مناسب برای بهره‌گیری از کتاب‌های آموزشی، فضاهای کلاسی است، یعنی اگر ما بپاییم به ویژه برای دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم که امکان انتخاب کتاب مناسب برایشان دشوار است، امکاناتی فراهم کنیم که مجموعه‌ای از کتاب‌های مناسب به تشخیص معلم و به منظور گسترش فرایند یادگیری در دست‌رس کودک قرار گیرد، به هدفمان که گسترش مفاهیم درسی از طریق کتاب‌های کمک آموزشی است، رسیده‌ایم. دانش‌آموزان پایه‌های سوم، چهارم و پنجم هم می‌توانند از فضاهای کتابخانه‌ای استفاده کنند که نیازمند برنامه‌ریزی وسیع‌تر و فضای بیشتر آموزشی است.

اکرمی: خانم بهرامیان، شما در مدرسه‌تان از چنین کتابخانه‌ای برخوردارید؟

بهرامیان: یک سال با کمک دوستان در مدرسه‌ای که بودم، کتابخانه‌ای درست کردیم که یکی از معلم‌ها از آن به عنوان «کتابخانه‌ی بزرگ کوچک شده» یاد می‌کرد. آموزش و پرورش ما

باید در پی این تفکر باشد که اگر بچه‌ها کتاب‌خوان بار نیابند، وجود بهترین کتاب‌ها هم بی‌ثمر است. هدف اصلی، بهره‌گیری سطحی و سرگرم‌کننده از کتاب نیست، هدف عجین کردن آموزش با رفتارها و اطلاعات بچه‌هاست. حتی برای توضیح ساده‌ی این که دست در دماغ کردن کار زشتی است، به جای تذکر مداوم، می‌توان از یک داستان استفاده کرد.

از آن‌جا که فضای داستان، فانتزی و خیال‌انگیز است، بچه خودش را در آن فضا می‌بیند و ضمن لذت بردن از داستان، نکته‌های پنهان در آن را هم درمی‌یابد. بعد از تمام شدن داستان، مثلاً به بچه‌ها می‌گوییم مثل قهرمان داستان، هر کس این کار را انجام دهد، موهایش سیخ می‌شود. این درس نیست، عجین شدن است. یا تصویرهایی را در اختیار کودک قرار می‌دهیم و می‌گوییم دور کارهایی که ناشایست و زشت است، خط بکش و تصویر کارهای خوب را رنگ کند. باید تفکر این کار قبل از کتاب وارد ذهن کودک شود.

در مصاحبه‌ای با آقای طاهری، در مورد جایگاه خواندن مطالبی خواندم که برایم جالب بود؛ در زمینه‌ی مطالعات بین‌المللی در مورد سواد خواندن، و این که کشور ما رتبه‌ی پایینی در این مورد دارد. با توجه به این رتبه‌ی پایین، مسئله‌ی اصلی این است که ما چگونه می‌توانیم این موانع را برطرف کنیم.

اکرمی: بنابراین شما یک‌جا کتاب را می‌بینید و یک‌جا مفهوم آموزشی را، و معلم را رابط بین کتاب و فراگیری مفاهیم قلمداد می‌کنید. پس اگر معلم خلاق نباشد، این رابطه قطع خواهد شد؛ درست است؟

بهرامیان: این یعنی آگاهی از طراحی آموزش. حالا برای آموزش این مفهوم چه کارهایی باید انجام دهیم و از چه کتاب‌هایی استفاده کنیم، خودش موضوعی است که باید جداگانه مورد بحث و پژوهش قرار گیرد.

اکرمی: خانم بهرامیان، شما به تحصیلات دانشگاهی‌تان اشاره کردید؛ تحصیلاتی که در واقع مرتبط با تعلیم و تربیت است. آیا واحدهایی مرتبط با روش‌های استفاده از کتاب‌های مفهومی و انتقال مفاهیم درسی از طریق کتاب‌های غیردرسی را گذرانده‌اید؟ واحدهایی که به منظور کسب مهارت معلم تدوین شده باشند و در واقع تکمیلی باشند برای بحثی که آقای فرخی مطرح کردند؟

بهرامیان: متأسفانه روش کار دانشگاه‌ها همان ادامه‌ی همان آموزش و پرورش است. استادی داشتیم به نام فرشته مجیب که ادبیات کودک درس می‌داد. قرار بود که برای پاس شدن واحدهایم یک فیلم بسازم، اما دغدغه‌ام روی پژوهش برای درس انشا و روش آموزش آن بود. خانم مجیبی تشویق کرد که روی این موضوع کار کنم. کتاب «هفت گام اساسی برای درس انشانویسی»،

حاصل تلاش آن روزهای من در دانشگاه بود. فیلم من نیمه کاره ماند، ولی کار کتاب تمام شد. استاد پس از مطالعه‌ی پژوهش من، آن را به عنوان واحد جاقفاده‌ی فیلم آموزشی قبول کرد. منظوم این است که در دانشگاه هم خیلی نمی‌شود روی آموزش حساب کرد و بیشتر این سلیقه و تجربه‌ی خود آدم است که مبنای پژوهش قرار می‌گیرد.

اکرمی: شما چه طور آقای فرخی؟ آیا تلاش‌های شما در این زمینه حاصل کار دانشگاهی شماست؟

فرخی: رشته‌ی تحصیلی من با آموزش به‌طور مستقیم مرتبط نبود. رشته‌ی تحصیلی من روان‌شناسی بالینی است اما به‌طور کلی در مورد مباحث یادگیری، یا مواردی که جزو هدف‌های مهارت‌های یادگیری است، ما سرفصل‌های عمومی را می‌خواندیم. اما بیشتر مطالعاتی که من در این زمینه داشته‌ام، بعد از دانشگاه بوده است، وقتی که وارد حوزه‌ی تعلیم و تربیت شدم، کتاب‌های مناسبی در این زمینه مطالعه کردم. به‌خصوص کتاب «یادگیری هوشیار» که فکر کنم امیرکبیر چاپ کرده است، خیلی کم‌کم کرد. از داستان‌های فلسفی هم بهره گرفتیم. این داستان‌ها



جزو نمونه‌های ادبیاتی است و دقیقاً روی درک معانی و مفاهیم و پیام آن‌ها تأکید دارد. این که چه نکته‌هایی در قالب داستان‌های ساده‌ای در ادبیات عامیانه وجود دارد، خیلی تمرکز کردم. در این‌جا لازم می‌دانم به طرح «پرلز» اشاره کنم. روی این موضوع یک کار تحقیقی هم انجام داده‌ام و در همایشی هم درباره‌ی آن صحبت کرده‌ام. طرح پرلز به این موضوع اشاره دارد که در فرایند خواندن، دو مهارت وجود دارد: یک وقت ما برای کسب اطلاعات می‌خوانیم، یک وقت هم هست که خواندن را برای کسب لذت دنبال می‌کنیم. نتایج طرح پرلز در مدارس ما این‌طور نشان می‌دهد که عملکرد نمایندگان دانش‌آموزان ایرانی، به‌ویژه در بخش درک و فهم متون اطلاعاتی، بسیار پایین‌تر از حد معمول است. هر چند هر دو بخش مورد نظر، یعنی هم در زمینه‌ی خواندن متون اطلاعاتی و هم در زمینه‌ی خواندن متون ادبی، میانگین عملکرد دانش‌آموزان مورد آزمون به‌طور معنی‌داری به لحاظ شاخص‌های آماری از میانگین عملکرد جامعه‌ی مورد بررسی پایین‌تر بود، ولی در همین رابطه هم اگر بخواهیم فرق عملکرد درک و فهم متون ادبی را با متون اطلاعاتی مورد بررسی و مقایسه قرار دهیم، دانش‌آموزان ایرانی، در درک و فهم متون ادبی در سطح بهتری قرار داشتند تا در متون اطلاعاتی.

به معلمین توصیه می‌شود، اگر تکالیفی برای افزایش مهارت خواندن به دانش‌آموزان می‌دهند،

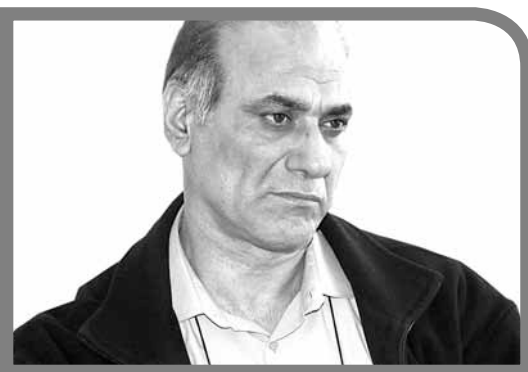
بهتر است به نوعی به مطالعات غیردرسی و کتابخوانی ارجاع داده شود. در واقع، مطالعه‌ی غیرکلاسی و کتابخانه‌ای را نباید به سمت و سویی ببریم که کاملاً به یک تکلیف درسی تبدیل شود. این خیلی مهم است که دانش‌آموزان ما برای کسب لذت هم به سراغ کتاب بروند. حداقل چیزی که می‌توان از کودک انتظار داشت، این است که یک کتاب مصور را بردارد و فقط ورق بزند تا با کتاب و کتابخوانی در همان حد مأنوس شود. این‌ها ترفندها و تدابیری هستند که ناشرین برای به دام انداختن این نوع از مخاطبان در خلال صفحات کتاب پیش‌بینی می‌کنند و بچه‌ها را از طریق تصاویر جذاب به سمت مطالعه‌ی متن می‌کشاند.

مجموعه‌ای که برای نمایشگاه کوچکتان در این‌جا آورده‌ام، شامل ۳۰ گردونه‌ی تصویری است که مثلاً برای آموزش مفاهیم ریاضی اول تا پنجم دبستان است، برای تمام سرفصل‌ها یک نمونه‌ی کارافزا تولید شده است. هر پایه‌ای دو بسته گردونه‌ی آموزشی دارد که داخل هر بسته سه گردونه قرار می‌گیرد و تقسیم می‌شوند به سری «الف» و «ب». سری «الف» تقریباً نیمه‌ی اول کتاب درسی را پوشش می‌دهد و سری «ب»، نیمه‌ی دوم را. این مجموعه که حاصل تجربه‌ی آموزشی من است، به منظور آموزش غیرمستقیم مفاهیم درسی از طریق بازی و سرگرمی شکل گرفته است.

صادقیان: آن‌چه که مرا به این‌جا کشاند، روش کاربرد کتاب‌های کمک آموزشی در فرآیند یادگیری است. اگر بخواهیم این بحث را بسط بدهیم، به یک سلسله تعریف نیاز داریم. در غیر این صورت ما را در اقیانوس پهناوری غرق خواهد کرد. معنای این تعاریف و محفوظات چیست؟ ما بقیه‌ی ابعاد این گونه کتاب‌ها را هم باید روشن کنیم، بعد بگوییم براساس این پایه، چنین کتاب‌هایی این جایگاه را دارند. من این طور استنباط کردم که فرض دوستان بر این استوار است که ما پدیده‌ای به عنوان «کتاب درسی» رسمی و پدیده‌ای هم به نام «مواد کمک

آموزشی» داریم. اگر این پایه را بپذیریم، این صحبت دوستان درست است که مطرح می‌کنند کتاب‌های درسی قادر نیستند موارد آموزشی را به درستی پاسخ بدهند. کارشناسان دنیا این گونه بحث نمی‌کنند و نمی‌گویند: ما کتاب درسی داریم، پس حالا مواد کمکی هم داشته باشیم.

ما از مدرسه انتظاراتی داریم. یعنی انتظار داریم مدرسه‌ی آموزشی متمرکز انجام دهد. معمولاً در اکثر کشورها یک طرحی دارند تحت عنوان «برنامه‌ی درسی ملی»؛ یعنی آن‌چه که مدرسه باید انجام دهد. براساس این برنامه، بسته‌های آموزشی تولید می‌شوند که کتاب درسی یکی



از اقلام آن است. کتابچه‌های کار و کتابچه‌های ارزش‌یابی، بخشی از این بسته‌های آموزشی هستند. هر کدام از آن‌ها هم جداگانه تعریف شده‌اند. اما در ایران، متأسفانه معلمان، دبیران و همکاران ما فقط چیزی به نام درس را می‌بینند. شاید هم حق داشته باشند. به نظر من مقصر اصلی شرایطی است که الان وجود دارد. یعنی موادی به نام کتاب درسی در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار می‌دهیم که به تنهایی قادر نیستند نقشی را که به عنوان انتظار از مدرسه عنوان می‌شود، ایفا کنند. حال بخش دیگری هم می‌آید و موادی تحت عنوان «مواد کمک آموزشی» تولید می‌کند. باید مراقب باشیم که این تولید دچار سردرگمی و گرفتاری بیشتری نشود.

تولیدکنندگان
ما باید براساس
«برنامه‌ی درسی» کتاب
بنویسند، نه براساس
«کتاب درسی»

به نظرم آموزش و پرورش ما برای تمامی پایه‌های درسی برنامه دارد. تولیدکنندگان ما باید براساس «برنامه‌ی درسی» کتاب بنویسند، نه براساس «کتاب درسی». جابه‌جایی این دو اشتباه فاحشی است. کسانی که می‌خواهند از طریق تولید کتاب‌های آموزشی به بچه‌ها کمک کنند، باید از چند و چون این برنامه‌ها که برنامه‌ی مادر است و تولید کتاب هم جزئی از آن است، آگاهی داشته باشند و براساس آن، سهمی را که کتاب درسی به دلیل نقشی که دارد، قادر نیست ایفا کند، در اختیار بگیرند. کتاب درسی محدودیتی دارد که این محدودیت، آن را از یک بسته‌ی آموزشی مناسب و کامل دور می‌کند. این جاست که معلمان به کمک نیاز دارند. یا باید خودشان مطالعه کنند یا آموزش‌های لازم در اختیار آن‌ها قرار داده شود.

من پیشنهاد می‌کنم، اگر نظام درسی و آموزش و پرورش ما قادر نیست به جای کتاب‌های درسی، بسته‌های آموزشی در اختیار مدارس قرار دهد، حداقل برنامه‌های خودش را در اختیار علاقه‌مندان بگذارد تا آن‌ها با شناخت بیشتری به تهیه‌ی این مواد بپردازند و فضای موجود تغییر کند. در حقیقت باید روشن شود که با کدام مینا به سراغ کتاب‌های کمک آموزشی در امر یادگیری می‌رویم؟ به هر حال، هر نوع مینایی دو توصیف دارد: اگر کتاب درسی را مینا قرار دهیم، همین اتفاقی خواهد افتاد که شاهد هستیم. اما چون این مینا قابل دفاع نیست و در هیچ جای دنیا هم از حیث علمی، عملی و اجرایی اصل قرار نمی‌گیرد، بنابراین مینای خوبی هم برای گفت‌وگو نیست.

من پیشنهاد می‌کنم به مواد آموزشی نگوئیم «کمک آموزشی». به غیر از کتاب‌های درسی، در برخی از کشورها، برای نظام مدرسه‌ای حدود ۳۸ قلم مواد آموزشی تولید می‌شود که شامل فهرست طوبلی از مواد مورد نیاز است که در اختیار معلم قرار می‌گیرد. الان تقریباً تمام موضوعات درسی در ایران دارای برنامه هستند و کافی است به آن‌ها مراجعه شود. باید روی این موضوع

متمرکز شویم که برنامه در یک موضوع درسی از ما چه می‌خواهد و کتاب درسی چه سهمی را باید ایفا کند. همچنین، مواد دیگری که تولیدشان در دست ناشران و بخش خصوصی است، چگونه می‌تواند در این فرایند حضور داشته باشد؟ اگر اجرای طرح به این صورت دنبال شود، شاید با متون علمی سازگارتر باشد. بحث کتاب درسی به عنوان مبنای بحث کهنه‌ای است و در ادبیات هم به آن توجهی نمی‌شود.

اکرمی: آقای صادقیان، اگر اشتباه نکنم به این ارزش‌گذاری رسیده‌اید که هم چنان در زمینه تولید کتاب‌های درسی که عمدتاً وزارت‌خانه‌ای است، تأمین بسته‌های آموزشی نیز هم‌چون تألیف کتاب درسی نیازمند برنامه‌ریزی متمرکز است.

صادقیان: قطعاً. مدارس ما به این بسته‌ها نیاز دارند. وجود این منابع نشان‌دهنده‌ی احتیاج به آن‌هاست. اگر این بسته‌ها را بر مبنای کتاب درسی ببندیم، یک جور تولید داریم و اگر براساس برنامه‌ی آموزشی، تولید دیگری خواهیم داشت. کتاب درسی مبنای خوبی نیست، چون کتاب درسی محدودیت خودش را دارد. من تولید کتاب‌های آموزشی را اضافه نمی‌دانم، منتها باید مشخص کنیم چه سهمی از برنامه را کتاب درسی به عهده می‌گیرد و چه سهمی را معلم و کتاب‌های آموزشی. در حقیقت، آن‌چه که ما «بسته‌ی آموزشی» می‌نامیم یک پدیده‌ی اضافه نیست، بلکه جزء جدی برنامه‌ی آموزشی قلمداد می‌شود.

همتی: به اعتقاد من، اگر ما این دو مبنا را به تعبیر آقای صادقیان در کنار هم قرار دهیم، به یک نتیجه‌ی واحد می‌رسیم. اولاً سازمان مرکزی آموزش و پرورش را نقد می‌کنیم. الان آن‌چه که ما به عنوان برنامه‌ی درسی داریم، چندان جامع نیست. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در دوره‌ی ابتدایی، بیشتر از چهار برنامه‌ی درسی مصوب ندارد؛ سه برنامه در دوره‌ی ابتدایی یعنی برنامه‌ی درسی آموزش قرآن، تعلیم و تربیت دینی، و تربیت بدنی را شامل می‌شود. چهارمین برنامه نیز برنامه‌ی درسی دوره‌ی پیش‌دبستانی است که به تازگی به تأیید شورای عالی آموزش

رسیده و اساساً در آن پیش‌بینی شده است که تولید غیرمتمرکز باشد. حالا پرسش من این است که آیا سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برای تبیین موضوع و تولید محتوای آموزشی با مدل بسته‌های آموزشی، توانسته است در جامعه مؤثر عمل کند یا نه؟ برنامه‌ی درسی تولید شده، ولی هیچ‌گونه تلاشی برای تبیین آن انجام نگرفته است. در دوره‌ی ابتدایی، بحث خواندن یک مسئله‌ی اساسی و حیاتی به شمار می‌رود. یکی از هدف‌های اصلی این دوره، ایجاد مهارت





خواندن است که از ۲۴ ساعت برنامه‌ی درسی، ۱۲ ساعت را به خودش اختصاص می‌دهد. در حال حاضر برنامه‌ی درسی مصوب در خواندن نداریم، در کشور ما فقط کتاب درسی تولید می‌شود. به هر حال کتاب درسی یک ابزار کاملاً رسمی است و باید به سبک و روشی خاص آموزش داده شود، اما نمی‌تواند به تمام نیازهای خواندنی بچه‌ها جواب دهد. اصلاً فلسفه‌ی وجودی مجلات رشد همین بوده است. یعنی کسانی که این نظام آموزشی را طراحی کردند، دیدند کتاب درسی نمی‌تواند نیازهای خواندنی بچه‌ها را تأمین کند. این بود که آمدند و مجله‌ی خواندنی «پیک» را در دهه‌ی ۱۳۴۰ پایه گذاشتند؛ دوره‌ای که هنوز ادبیات کودک در ایران رسمیت چندانی نداشت و هیچ ناشر دولتی هم نبود که به بحث کتاب و کتاب‌خوانی به‌طور تخصصی بپردازد.

ولی در همین شرایط، در کنار کتاب‌های درسی، برای مدرسه مجلات پیک را طراحی کردند تا نیازهای متنوع خواندنی را در دانش‌آموزان پاسخ دهد.

امروز شما چندین ناشر دولتی دارید که در حوزه‌ی کودک و نوجوان، فعال هستند. بیش از پنجاه - شصت ناشر تخصصی در حوزه‌ی کودک و نوجوان به طور جدی فعالیت می‌کنند و نزدیک به شصت نشریه‌ی ویژه‌ی کودک و نوجوان در کشور منتشر می‌شود. این نکته نشان می‌دهد که بخش بیرون از آموزش و پرورش، سعی کرده است به نیازهای خواندنی بچه‌ها پاسخ دهد. امروز هم ما کماکان کتاب درسی تولید می‌کنیم، آن هم براساس مصوبات قانونی.

بسته‌های آموزشی شامل دو نوع عنصر مکمل هم هستند: یکی «عناصر اصلی بسته» که «کتاب درسی»، «کتاب کار»، «کتاب ارزشیابی تحصیلی» و «کتاب راهنمای معلم» را شامل می‌شوند و دیگری «عناصر تکمیلی». به هر حال چه در فضای تولید بسته‌ی آموزشی و چه در فضای مبتنی بر کتاب درسی، آن‌چه که اهمیت دارد، نیازهای خواندنی بچه‌هاست. این‌گونه تولیدات نشان می‌دهند که معلمان و کسانی که با بچه‌ها سروکار دارند، برای این‌که بتوانند به

این نیازهای گوناگون بچه‌ها پاسخ بدهند، انواع کتاب‌های گوناگون را یا خودشان تألیف کردند، یا از تولیدات آماده بهره گرفتند. این که ما از حوزه‌ی کتاب، حالا به تعبیری کمک‌درسی یا کمک آموزشی، بچه‌ها را به سمت کتاب‌های ادبیاتی که هدف اصلی‌شان ایجاد لذت در مطالعه است، ببریم، جنبه‌های تازه‌ای به این فراگیری می‌دهیم. شما شعر حافظ را نمی‌خوانید که حتماً چیزی یاد بگیرید، بلکه خواندن آن بیشتر برای شما لذت‌بخش است. آن چه که در حوزه‌ی ادبیات قرار دارد، عنصر تخیل و لذت بردن است. در واقع به تعبیری، کتاب‌های آموزشی در مدرسه و در موقعیت‌های گوناگون به کار گرفته می‌شود، اما این امکان را به هیچ وجه کتاب درسی در اختیار معلم نمی‌گذارد.

در پاسخ به سخنان آقای طاهری باید بگوییم، درست است که کتاب ابزار است، اما ابزارها به خودی خود نه مفیدند و نه جواب‌گو. این معلم خلاق است که می‌تواند از ابزاری به نام «کتاب» در فرایند یادگیری و یاددهی استفاده کند. بنابراین ابزار باید وجود داشته باشد تا معلم در فرایند یادگیری و یاددهی بتواند از آن‌ها به نحو خلاقانه‌ای بهره بگیرد. به اعتقاد من کتاب‌ها در مقام عناصر مکمل بسته آموزشی، هدفشان ادبیات محض است و لذت خواندن، و در مقام آموزشی، هدف اصلی‌شان انتقال اطلاعات است. نکته‌ای هم که در صحبت خانم بهرامیان بود، نشان می‌دهد که ایشان از طریق این کتاب‌ها، فضاهای متنوعی در کلاسشان ایجاد کرده‌اند تا زمینه‌ساز فعالیت‌های یاددهی-یادگیری مؤثر باشد، ولی هیچ‌گاه کتاب درسی چنین فضایی ایجاد نمی‌کند و فضای بصری شاد و فعالی برای بچه‌ها پدید نمی‌آورد.

تنوع کتاب در فضای کلاس، زمینه‌ساز فعالیت‌های یادگیری-یاددهی مؤثر است. خیلی خوب است که ما این دید را هم داشته باشیم که از طریق این کتاب‌ها یا کارافزارها، به سمت ایجاد عادت برای مطالعه به منظور لذت‌بردن برویم. معلمی که خلاق نباشد، از این فضا چندان خوب استفاده نمی‌کند. بنابراین چه در فضایی که آقای صادقیان تعریف کردند و چه در فضای سنتی که کتاب درسی محوریت دارد، چیزی به نام «برنامه‌ی درسی» وجود ندارد. در مجموع، چون نیازها و نگاه‌های دانش‌آموزان متفاوت است و تفاوت‌های فردی نیز یک اصل است، ناگزیریم از انواع مواد آموزشی در امر آموزش و فرایند یادگیری-یاددهی استفاده کنیم.

طاهری: من وقتی در فضای دبستان کار آموزشی را دنبال می‌کنم، با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوم. الآن کتاب‌های کمک درسی، یا هر چه که می‌خواهید اسمشان را بگذارید، فرایندهای یادگیری را از آموزش و پرورش می‌گیرند و آن را ارزش‌یابی توصیفی می‌کنند. آن‌ها این امکان را دارند که

برنامه‌ی
آموزشی در اختیار
ناشران قرار بگیرد و آن‌ها
بتوانند کمبودها و ضعف‌های
کتاب‌های درسی را به عنوان
تنها منبع رسانه‌ای آموزشی
کشور، پوشش دهند

انتظارات آموزشی خود را مطرح کنند، ولی باید نگاهی به پرسش‌نامه‌ی امتحانی یا فرایندهای ارزش‌یابی که در مدارس، وجود دارد نیز داشته باشند. اصلاً فاصله از زمین تا آسمان است. ما به بچه‌ها و معلم‌هایی که آموزششان ن داده‌ایم، آمادگی‌های لازم را برای اجرای برنامه‌های درسی ارائه نکرده‌ایم. مثلاً من می‌خواهم خارج از کتاب درسی هم به بچه‌ها مطالبی یاد بدهم. اولیا می‌گویند این‌ها به درد بچه‌های ما نمی‌خورد. بچه‌ها می‌خواهند آزمون «تیزهوشان» بدهند. مطلبی بگویند که به درد آزمون آن‌ها بخورد. شما چه جوابی به اولیا می‌دهید؟

در هر حال، کتاب درسی جلوه‌ای از برنامه‌ی درسی است و جلوه‌ای از منظر مؤلف. معلمی باید تربیت کنیم که آزاد و آزاده باشد تا متناسب با شرایطی که در کلاسش وجود دارد، فضای کلاس و نیاز بچه‌ها را بگیرد و مناسب‌سازی کند. یعنی به یک مفهوم، ما به معلمانی نیاز داریم که نافرمان باشند.

اکرمی: دلیل انتخاب آقای فرخی و خانم بهرامیان، نگاه خلاقه‌شان به روند آموزش، آن هم به‌طور غیرمستقیم است و این که کتاب‌های آن‌ها به عنوان کتاب‌های برجسته در قلمرو آموزش مطرح شده است. سؤال آقای طاهری بیشتر به این مفهوم است که آیا واقعاً کاربرد این نوع کتاب‌ها در مدارس گوی‌ تمرکز را از کتاب‌های درسی گرفته و یک مسیر جدید ایجاد کرده است؟ آیا نیاز پدر و مادرها که به کنکور تیزهوشان

گرایش دارند، یک نیاز واقعی و مبتنی بر برنامه‌ی درسی است؟

بهرامیان: حرف اول من روی «مفهوم» بود. وقتی بچه‌ها مفهوم را بگیرند، آزمون تیزهوشان هم روش این سؤال‌ها را تغییر می‌دهد؛ به شرطی که پرسش آگاهانه و عالمانه انتخاب شود. تأکید اصلی من روی فراگیری «مفهوم» است نه «مصدق». من در ابتدای کار مصداق را جای‌گزین مفهوم می‌کردم، میل به کندوکاو در آن مفهوم را در کودک ایجاد نمی‌کردم و به تکوین آن در ذهن کودک نمی‌پرداختم. فراگیری مفهوم مثل یک پدیده‌ی گیاهی یا حیوانی است؛ مثل یک جنین است. اگر این جنین در ذهن کودک خوب پرداخته نشود، این پدیده ناقص الخلقه به دنیا می‌آید.

اکرمی: خانم بهرامیان! آیا شما هم کاربرد کتاب‌های کمک آموزشی و کتاب‌های مفهومی را در کنار کتاب‌های درسی، رقیب کتاب‌های درسی می‌دانید یا کامل‌کننده‌ی آن‌ها؟ در واقع می‌خواهم به بحثی که آقای طاهری مطرح کردند، جنبه‌ی پژوهشی بدهم.

بهرامیان: من معتقدم که می‌توانم با کتاب‌های خیال‌انگیز و فانتزی، به بچه‌ها چیزی یاد بدهم که به گسترش مفاهیم آموزشی کمک کند. این را هم شنیده‌ام که در بسیاری از کشورها، موضوع آموزشی به معلم داده می‌شود و معلم براساس ساختار فکری خودش، روند آموزش را دنبال می‌کند.

چه در نگاه سنتی و چه در نگاه تولید مبتنی بر برنامه، ما به وجود یک کتاب‌خانه‌ی کلاسی با موضوعات متنوع نیازمندیم

صادقی: در آموزش و پرورش بسیاری از کشورها، موضوعاتی را می‌دهند و می‌گویند مدارس باید بچه‌ها را به این هدف‌های آموزشی برسانند. در کنار معلمان، ناشرانی هم هستند که کارشان تولید کتاب‌هایی در این راستاست؛ یعنی براساس برنامه‌ی درسی بسته‌های آموزشی تولید می‌کنند. مراکز آموزشی هم برنامه‌ی درسی و مواد آموزشی متفاوت انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر، بسته‌ی آموزشی دارند و به جای آن که دولت این کار را بکند، ناشر این وظیفه را به عهده می‌گیرد.

همتی: قرار بر این است که ما مفاهیمی را که مخاطبشان کارشناس، معلم و دانش‌آموز است، اشاعه دهیم. ما برنامه‌ی درسی طراحی و تولید می‌کنیم، ولی برای اشاعه‌اش هیچ قدمی بر نمی‌داریم و آن را تبیین نمی‌کنیم.

صادقیان: مدارس ما هم کاری به این ندارند که تصمیم‌گیرندگان، مواد آموزشی لازم را براساس برنامه‌ی درسی تهیه کنند یا براساس کتاب درسی. سؤال این است که اگر با همین رویکرد که به نظر من غیرعلمی هم است که کتاب درسی را مبنا قرار می‌دهیم، بیاییم مواد آموزشی تولید کنیم، روش درستی را پیش گرفته‌ایم یا نه. حالا که دارد این روش غیرعلمی دنبال می‌شود، ما باید پایه‌ی آن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. بنابراین اگر برنامه‌ی درسی را مبنا قرار دهیم و بخواهیم طرح محتوا کنیم، دوستان را گمراه کرده‌ایم و به این ترتیب اطلاعات به درستی منتقل نمی‌شود.

پیشنهاد می‌کنم این تولیدات در همه‌ی مراکز آموزشی و در همه جای کشور قابل دسترس باشند. در حال حاضر انتخاب این منابع اختیاری است و هیچ اجباری در انتخاب آن‌ها وجود ندارد و کودکان فراوانی از دسترسی به این بسته‌ها محروم می‌مانند. اگر بخواهیم کار از یک منطبق علمی برخوردار باشد، باید هر کس که می‌تواند، کمک کند و مواد آموزشی ما را به سمت تولید بیشتر بکشد؛ تلاشی که ناشران و کارشناسان باید به شکل گروهی آن را دنبال کنند که متأسفانه در کشور ما کار گروهی رونقی ندارد. اگر بخواهیم ظرفیت‌های علمی وسیع‌تری داشته باشیم، باید ناشران قدرتمند و افراد علاقه‌مند را با این کار درگیر کنیم و باید کمک کنیم این روند براساس چارچوبی علمی اتفاق بیفتد. حتی اگر بشود، به جای کتاب درسی، برنامه‌ی آموزشی در اختیار ناشران قرار بگیرد و آن‌ها بتوانند کمبودها و ضعف‌های کتاب‌های درسی را به عنوان تنها منبع رسانه‌ای آموزشی کشور، پوشش دهند.

اکرمی: به نظر می‌رسد در فرایند آموزش پیش‌دبستانی، آزادی عمل برنامه‌ریزان غیردولتی فعال‌تر و آشکارتر است. به سادگی می‌توانیم ببینیم که برنامه‌ی دولتی در تنظیم کتاب‌های پیش‌دبستانی، متکی به تجربه‌های بخش خصوصی است. آن زمان که ابتدا وزارت معارف و سپس وزارت فرهنگ تا دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ وظیفه‌ی دولتی تألیف و تدوین کتاب‌های درسی را دنبال می‌کردند، آزادی عمل ناشران خصوصی

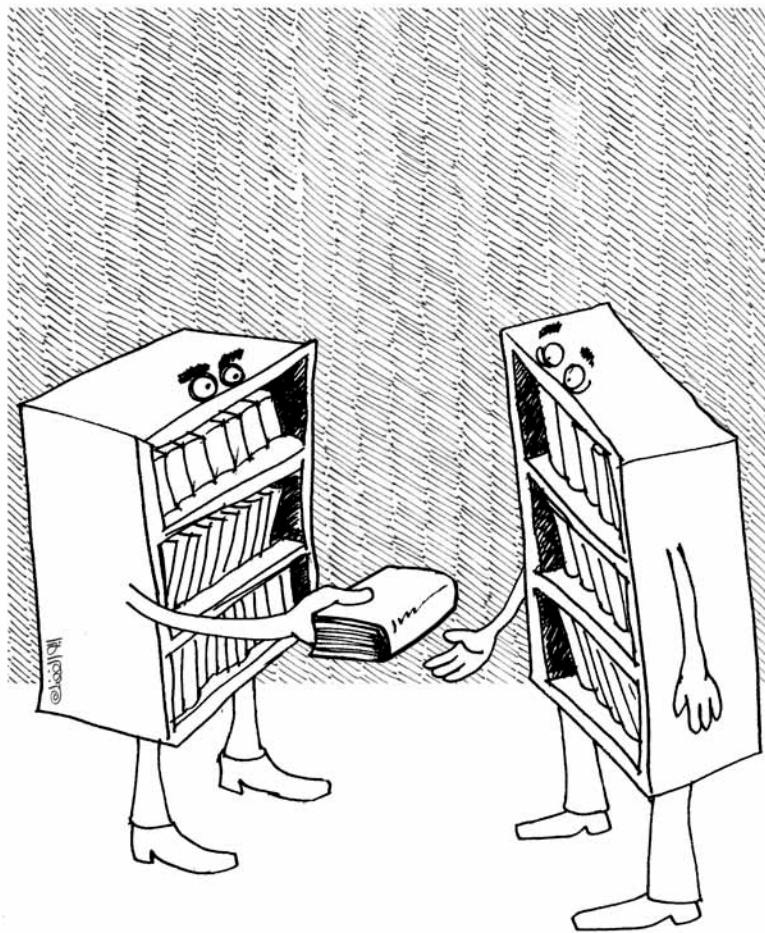
حتی در تولید کتاب درسی بیشتر بود؛ نقشی که در حال حاضر فقط آموزش و پرورش وزارتخانه‌ای ما آن را به عهده دارد. این خطر برای کتاب‌های پیش‌دبستانی ما هم دارد پیش می‌آید. اگر اعمال نظر موجود، در مورد کتاب‌های پیش‌دبستانی هم بیفتد و بخش خصوصی و خلاق نتواند در مورد آن نظر بدهد، همین اتفاقی می‌افتد که الان در حوزه‌ی کتاب‌های درسی به چشم می‌خورد.

فرخی: قطعاً درست‌ترین کار این است که محتوای آموزشی، در حوزه‌ی کتاب‌های کمک درسی یا کتاب‌های غیردرسی، باید براساس چارچوب برنامه‌ی درسی مدون پیش برود، اما در حال حاضر ما این چارچوب مشخص و مدون را نداریم. البته این طور نیست که «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» دست روی دست گذاشته باشد و کاری انجام نداده باشد. ما نباید زحماتی را که در همین «انتشارات مدرسه» انجام گرفته است، نادیده بگیریم. در این مرکز، مجموعه‌ای تولید شده با عنوان «راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی». که می‌تواند الگوی کار ناشران و تولیدکنندگان بسته‌های آموزشی قرار گیرد. اگر قرار باشد طرح مصوبی در این زمینه مدون شود، باید افراد کارشناس دعوت شوند و نظرات خودشان را بیان کنند. در این صورت، در تولید این گونه مواد نوعی غربالگری صورت می‌گیرد و راه را برای آن دسته از کتاب‌هایی که افراد غیرمتخصص نوشته‌اند، می‌بندد.

بخشی از کتاب‌های کمک آموزشی که الان مدارس ما را تسخیر کرده‌اند و شاید حتی از کتاب‌های درسی نیز جای بیشتری به خود اختصاص داده‌اند، کتاب‌هایی هستند که از فضاهایی ناسالم و نادرست به مدارس معرفی می‌شوند. یکی از تدابیری که برای محدود کردن این مسیرها باید اتخاذ شود، رعایت استانداردهای در تولید آن‌هاست. بخشی از اشارات آقای طاهری مطمئناً متوجه حل‌المسائل‌هاست که پاسخ را با کم‌ترین کوشش و نیاز به تفکر آماده می‌کنند و این کار فرایند گسترش آموزش مفهومی را که مورد توجه ماست، مخدوش می‌کند.

همتی: حتی اگر در شرایطی مساعد هم بسته‌ی آموزشی تولید کنیم، وجود بسته‌های آموزشی در استانداردهای بین‌المللی هم، ما را از کتاب‌های اطلاعاتی و کتاب‌های ادبی در مدرسه بی‌نیاز نمی‌کند؛ چه در نگاه سنتی و چه در نگاه تولید مبتنی بر برنامه، ما به وجود یک کتاب‌خانه‌ی کلاسی با موضوعات متنوع نیازمندیم.

اکرمی: در نشست‌های بعدی سعی می‌کنیم برنامه‌ی مدون آموزشی را براساس شکل‌های کاربردی آن در فرایند آموزش مدرسه‌ای دنبال کنیم تا به نکات تازه‌تری در این زمینه برسیم.



۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

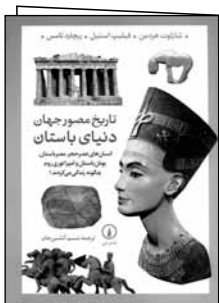
۱۰۷

معرفی کتاب‌های



آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه‌ی درسی

● محمد حسین معتمدراد



تاریخ مصور جهان دنیای باستان

نویسندگان: شارلوت هرلمن، فیلیپ استیل، ریچارد تاس

مترجم: تبس آتشین جان

ناشر: نشر نی

سال انتشار: ۱۳۸۸

حوزه‌ی آموزشی: تاریخ

کتاب پیش رو، یک مجموعه‌ی مصور رنگی است که مباحث خود را در پنج سرفصل ارائه داده است: مبحث تولد تمدن، به بررسی بیش از دو میلیون سال تاریخ بشر، از مبارزه‌ی سخت وی برای بقا در عصر حجر، تا شکوه و جلال دنیای قدیم می‌پردازد. عصر حجر، فصل دیگر کتاب است که به داستان چگونگی پیدایش بشر، دنیای عصر حجر، نخستین شکارچیان و گردآورندگان غذا، هنرها، مذهب و جادو، شکل‌گیری نخستین جوامع کشاورزی و روستاها، اشاره دارد. در فصل مصر باستان، نخستین ساکنان کرانه‌های حاصل‌خیز رود نیل معرفی شده‌اند و شرح تبدیل شدن آن‌ها به مردم ساکن دنیای باشکوه و پیچیده‌ی فراعنه و اهرام آمده است. یونان باستان، فصل دیگری است که به تمدن پرشکوه یونان باستان، سنگ بنای فرهنگ نو، از تئاتر، هنر و معماری گرفته تا بازی‌های المپیک پرداخته است. امپراتوری روم عنوان آخرین فصل کتاب است که به حکمرانان، زندگی اجتماعی، ابنیه، هنر، طبابت و مذهب در روم باستان می‌پردازد.

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۱۰۸



صهیونیسم، سرطانی بر پیکر جامعه‌ی بشری

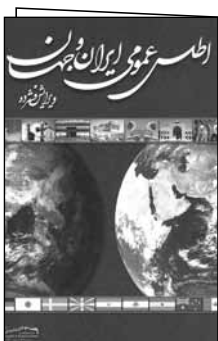
نویسنده: حسین فریدونی

ناشر: آفاق

سال انتشار: ۱۳۸۶

حوزه آموزشی: تاریخ

بی‌شک، یکی از پدیده‌های بسیار مهم و در عین حال بس خطرناک برای جهان اسلام و بلکه جهان بشری در قرن بیستم، پدیده‌ی «صهیونیسم» است؛ پدیده‌ای که به قول امام^(ع) غده‌ای سرطانی عصر کنونی است. در کتاب حاضر، ضمن شرح جامع بروز این پدیده‌ی شوم، تاریخچه‌ی فلسطین و گفتار قرآن درباره‌ی یهود و نصارا را می‌خوانید. مهم‌ترین عناوین کتاب حاضر عبارت‌اند از: صهیونیسم و جهان خواری یهود، چگونگی شکل‌گیری رژیم اشغالگر قدس، خانواده‌ی مرموز و معروف روچیلید، تئودور هرتزل کیست؟ حمایت و مساعدت استعمارگران در تشکیل اسرائیل، صهیونیسم در رسانه‌های گروهی، صهیونیسم و نفوذ در قلب حکومت‌ها، ماجرای ریچارد نیکسون و واترگیت، ماجرای بیل کلینتون و مونیکا لوبینسکی.



اطلس عمومی ایران و جهان

پدیدآورنده: مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب (بخش

تحقیقات و مطالعات جغرافیایی)

سرپرست طرح: زنده‌یاد استاد عباس سحاب

ناشر: مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب

سال انتشار: ۱۳۸۷

حوزه آموزشی: جغرافیا

این بار بخش تحقیقات و مطالعات جغرافیایی مؤسسه‌ی سحاب، اطلسی را با ویرایش فشرده با نقشه‌های جدید استان‌های ایران و به هنگام کردن اطلاعات تمامی نقشه‌ها، برای معلمان، دانش‌آموزان و دیگر علاقه‌مندان به دانش جغرافیا، همراه با آخرین آمار و نمایه‌ی اسامی اطلس با بیش از ۱۷ هزار نام جغرافیایی تدوین و منتشر کرده است.

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۱۰۹



◀ نقش تغذیه در حافظه و یادگیری

نویسندگان: حمیدرضا توکلی، سمیه فیروزی، گشتاسب آقاسی نژاد

ناشر: مرز دانش

سال انتشار: ۱۳۸۷

حوزه‌ی آموزشی: مدیریت خانواده



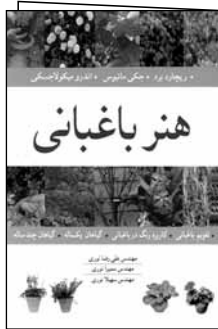
یکی از ارکان مهم سلامت، داشتن تغذیه‌ی صحیح و سالم است و تأثیر آن در سلامت جسم و روح به روشنی به اثبات رسیده است. کتاب حاضر که به تأثیر تغذیه در حافظه و یادگیری پرداخته، برنامه‌های غذایی دانش‌آموزان را نیز به نگارش درآورده است. مجموعه‌ای از صد پرسش و پاسخ در مورد تغذیه‌ی کودکان، نوجوانان و جوانان، در فصل هفتم کتاب آمده است. دیگر مباحث کتاب، عبارت‌اند از:

- ۱ - عوامل موثر بر یادگیری و تکنیک‌های تقویت حافظه؛
- ۲ - گروه‌های غذایی و نیازهای تغذیه‌ای دانش‌آموزان؛
- ۳ - نقش تغذیه در حافظه و یادگیری؛
- ۴ - جداول و اطلاعات تغذیه‌ای مورد نیاز والدین؛
- ۵ - دستورات و توصیه‌های تغذیه‌ای در دین اسلام در مورد تقویت حافظه؛
- ۶ - برنامه‌ی غذایی مناسب برای دانش‌آموزان دوره‌های گوناگون تحصیلی.

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۱۱۰



هنر باغبانی

نویسندگان: ریچارد بیرد، جکی ماتئوس، اندرو میکولاجسکی
مترجمان: علی‌رضا نوری، سمیرا نوری، سهیلا نوری
ناشر: آبیژ
سال انتشار: ۱۳۸۸
حوزه‌ی آموزشی: کشاورزی / امور باغبانی

کتابی که ملاحظه می‌کنید، به صورتی کامل به نقش «رنگ» در باغبانی پرداخته و در پایان هر بخش، گل‌ها و گیاهانی را معرفی کرده است. دو تیپ کلی از گیاهان، یعنی گیاهان «یک‌ساله» و «چندساله» مبحث دیگر کتاب است که به مواردی هم‌چون روش‌های ازدیاد و نگهداری این گیاهان و انواع آن پرداخته است. «تقویم باغبانی» سرفصل دیگر کتاب است که شرح ماه به ماه کارها و اقدام‌های باغبانی را مطرح می‌کند.



دیکته‌ی شب اول دبستان

نویسندگان: داریوش هفت برادران، فخراله یونسی
ناشر: ابو عطا
سال انتشار: ۱۳۸۸
حوزه آموزشی: زبان آموزی

دیکته یا املانویسی، تلاشی است که فرد برای آموختن درست‌نویسی انجام می‌دهد. در شیوه‌ی جدید املانویسی علاوه بر درست‌نویسی، نوشتن خلاق نیز مطرح است که کتاب حاضر بر آن تأکید دارد. این کتاب با توجه به برنامه‌ی درسی کتاب «بخوانیم و بنویسیم» پایه‌ی اول دبستان، در ارتباط با املانویسی و برای کمک به اولیا و مربیان تألیف شده است. کتاب دو بخش دارد: در بخش اول، کلمه‌های مربوطه به نشانه‌های ۱ (حروف فارسی) تمرین و تکرار می‌شوند و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در بخش دوم، کلمه‌های مربوط به حروف عربی هم‌صدا با حروف فارسی ارزیابی می‌شوند. در این کتاب برای هر درس جدول‌هایی به منظور ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموز و تشخیص پیشرفت تحصیل او طراحی شده است.

۲۹۹۱

زمستان ۱۳۸۸

۱۱۱



**Bureau of Educational Aids
Publishing, the Organization of
Research and Educational
Planning
(Ministry of Education)**

“**Javaneh**” is an educational, analytical and research magazine which is published quarterly. It aims at giving information, disseminating research findings and interchanging ideas between scholars and publishers regarding supplementary textbooks and educational aids development process. Considering objectives of the ministry of education, publishers try to improve their knowledge and job’s experience continually. Through this magazine, they also try to promote by using their existing potentials.

۲۹۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۸

۱۱۲